

سیمای سینمای افغانی



نویسنده:

موسی رادمش

سیمای سینمای افغانی



نویسنده: موسی رادمنش



مشخصات کتاب

نام کتاب: سیمای سینما افغانی (جلد اول)
نویسنده: موسی رادمنش
ناشر: انجمن نشراتی دانش
سال طبع: ۱۳۷۹ خورشیدی
تیراژ: ۱۰۰۰
صفحه آرای: عبدالرحمن سیاف
محل چاپ: دانش کتابخانه قصه خوانی پشاور

Ph: 2564513

E-mail: danish2k2000@ Yahoo com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

سخن ناشر

سینما یا بزرگراه مستقیم ترافیک فرهنگ و تمدن در زندگی معاصر بشریت چنان نقش ارزنده و سترگ ایفا کرد که تأثیرات همه جانبه آن از دیدگاه هیچکس پوشیده نمانده است.

علماء و عملاً با ثبات رسیده که انسان ۷۵ درصد آگاهی اش را از کانال دید کسب مینماید. ازینرو، تخنیک و هنر سینما میتواند بخش قابل ملاحظه افراد یک جامعه را از عمده ترین رویدادهای ارزنده و مهم در امر زندگی آگاهی دهد و دامنه شناخت و بصیرتش را گسترش بخشد.

چنانچه انسان آگاهانه یا نا آگاهانه خواسته باشد روزی مرزهای موجود تصنعی و تجمیلی روابط باهمی زندگی فرهنگی و مدنی را در خانواده بزرگ بشری از سر راه خود دور سازد، از وسایل و روش های گوناگونی برای نیل به چنین هدف سترگ استفاده خواهد کرد. بدون شک، سینما یکی از پدیده های کاری و مؤثری خواهد بود که این پروسه کاملاً طبیعی را سرعت بخشد و ایفای رسالت نماید.

آری! سینما میتواند بحیث یک آموزگارِ شگام در طرز تفکر جمعی یک ملت چنان تحول مثبت بوجود آورد که راه های

رسیدن به زندگی انسانی را نسبت به سایر وسایل موجود بهتر و بیشتر هموار سازد.

زیرا، وسیله همواره زیر اراده و فرمان انسان قرار دارد و به هر شکلی که مقصود باشد؛ مورد استفاده قرار گرفته میتواند.

ما را آرمان بر آنست که روزی جامعه آزار دیده و محروم ما در ضمن سایر فضیلت‌های مدنیت معاصر از سینمای ملی خود نیز بچیث یک ضرورت والای معنوی برخوردار گردد و برغناى فرهنگى خویش بیفزاید.

تمدید سخن اندر باب نقش و ارزش سینما تکرار در ونمایه این اثر است، لذا بهمین مختصر اکتفا نموده، بنوبه خویش خاطر نشان می‌سازیم که کار نویسندۀ گرامی در این راستا نهایت ارجمند و درخور ستایش پنداشته میشود.

آرزو می‌بریم و یقین کامل داریم که تألیف و نشر این کتاب بینش و دانش خوانندگان عزیز را در خصوص اهمیت فلم و سینما در امر ارتقای ذهنی یک جامعه افزایش خواهد داد و زمینه‌های مثبت تحولات فرهنگی را مساعد خواهد گردانید.

سپاس بیکران

دانش خیرندویه تونله

۳

به نام آنکه

در هر سجده سه بار بربا آید.

اهدا:

به روان پاك استاد توريالى شفق سينماگر مبتكر و آگاه، به
اعضای خوب موسسه شفق فلم و انجمن سينماگردان جوان، شايقين
سينمای افغانی به پسرانم ابراهيم راد منش و سليمان رادمنش که
آزرودارم عقل سليم و موفقيت مقدم راهشان باشد.

اظهار امتنان

باکمال احترام و صمیمیت از دانشوران محترم سرور انوری و محترم عزیز آسوده پیر محمد کاروان، محترم حبیب مخمور که مرا در زمینه نگارش کتاب «سیمای سینمای افغانی» یاری و همکاری کردند و از عکاس ماهر گرامی محترم ظاهر طاهری که تعدادی از عکسهای سینماگران و هنر پیشه ها را در اختیارم گذاشتند، اظهار سپاس و امتنان مینمایم.

رادمنش

در اوراق این دفتر

صفحه	عنوان
الف	تقریض
و	سخنی با خواننده گان
۱	پدیدهء سینما
۳	سینما
۵	سینما و تأثیر آن
۹	سیمای سینمای افغانی
۲۳	سوند، لایت، کمره، اکشن سینمایی افغانی به راه می افتد.
۳۰	پرودکشن های شخصی، گامی در تقویت سینمای افغانی.
۳۲	پرودکشن: نذیر فلم
۳۵	پرودکشن: آریانا فلم
۴۴	پرودکشن: شفق فلم
۵۴	پرودکشن: اپا رسین فلم
۵۵	پرودکشن: قیس فلم
۵۷	پرودکشن: گلستان فلم
۵۹	ریاست افغان فلم و سینماتوگرافی
۵۹	مرکز تولید و توزیع فلم در افغانستان
۶۰	تشکیل ریاست افغان فلم
۶۷	فلم های سامد (بدون آواز)
۶۸	سیمای کارتونی
۶۹	باز هم (سوند، لایت، کمره، اکشن)
۶۹	جلایش سینمای افغانی

۸۴	جوانان اکادمیک ما
۸۴	فلم (دیوار، دایره و بیگانه)
۸۷	فلم آرزو
۸۹	فلم کارتونی (تلویزیونی)
۹۰	باز هم (سوند، لایت، کمره، اکشن)
۹۰	بهشد سینمای افغانی
۹۰	فلم سینمایی (شکست معاصر)
۹۹	یک گام استثنایی در سینمای ما
۱۰۲	دهه، شصت خورشیدی ۱۳۶۰ زمان شکوفایی سینمای افغانی
۱۰۶	سینمای مستند افغانی
۱۱۴	دستاورد سینما گران، در دیار هجرت
۱۲۸	فلم نیلوفر در باران
۱۳۰	البوم سینمای

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

سخنی در حاشیه «سیمای سینمای افغانی»

در دنیای پیچیده و آشفته، امروزی که نگاه میکنی، مینگری تاریخ با تمام فراز و فرود و با همه صعود و سقوط تمدنها و ارزشها، در گهواره، خویشتن، هرگز چنین انسانی درمانده و بهت زده، پریشان و سرگردان نپرورانده است.

انسان زمانه، ما که دچار شتابزده گی و شبزده گی است، همواره در تکاپوی آن بوده که خود را از چنگال آشفته گی ها برهاند، دمی نفس تازه کند، روح و روان عاصی و طاغی را، لحظاتی با سر انگشتان آسایش و آرامش و نوازش دهد و طعم مهربانی و همدردی را در کام تلخ جان خسته، خویش احساس کند.

لیکن چه چیزی در این برهوت و ناسوت میتواند این انسان خسته جان و غمزده را در توالی لحظه ها، دمی نوازشگر روح بیقرار باشد و همدم روان بیمار؟

شاید يك پاسخ بدین پرسش چنین تواند بود:

هنر و باز هم هنر!

آری، از اینروست که وقتی در قلمرو هستی آدمی، نظر میافکنی، می بینی هنر چه پرشکوه جایگاه و نمود و دارد و صنعت و صناعت چه زیبا جلوه ها و رنگها... و باز هم در امتداد پهنای این رنگینی و انگار رنگی هنر ها در می یابی که هنر پرده

به عنوان کاملترین هنر ها، برجسته ترین هنر ها، بهترین هنر ها و مزایای دیگر از این شمار، بر سرزمین هستی انسان معاصر، چه پر جاذبه پا گذاشته است. بلا تردید، هنر فلم و سینما، این پدیده، شگفت انگیز زمان کنونی که محصول تمدن نو و درب و دریچه یی رو به تجدد و مدرنیسم در جامعه انسانی بوده است، همیشه از بابت جذابیت و طبعاً وسعت و عمومیت مخاطبینش، سخت طرف توجه گروه های مخالف مردم قرار گرفته است.

خردمندان و پژوهشگران بر این باور اند: همانگونه که صنعت چاپ، دانش زمان خود را به خدمت کتله های وسیع بشری گذاشت و شناسایی و شناخت و معرفت را از يك دایره، بسیار تنگ و محدود چند نویسنده و شاعر و دانشمند، بیرون آورد و به صفوف هزار ها و ملیون ها مردمان جهان برد، فلم نیز در زمینه ها و موارد گونه گون، همین کار بزرگ را انجام داد.

بعضاً هم اگر این هنر و صنعت، کج اندیشی و بد آموزی را نیز به میان جمعیت های انسانی راه داد، هرگز این دلیل آن نتواند بود که خود این هنر و صنعت، کشفی و اختراعی نامیمون است و دیگران را باید از آن دور نگهداشت. زیرا اگر بدون غرض و مرض نیک بیانندیشیم، در مییابیم که از هر صنعت و هنر و دانشی «استفادهء سوء» به میان آمده چنانچه از صنعت چاپ نیز چه، به وضوح مینگریم، صنعت چاپ بسیاری از چیز هایی را که نمی پسندیم به میان گروه های عظیم بشری برد و آثار و نبشته هایی را پخش و نشر و دردسترس همه گان گذاشت که گمراهی ها بار آورد.

به هر رنگ، حرف دقیق و عادلانه آنست که هنر فلم میتواند ظرفیت های عالی را در جامعه انسانی بهروراند و در خط بالنده گی و بهروزی جامعه، مؤثریت و سودمندی فراوان داشته باشد.

بگذریم، با اشاراتی به ولایی و ارزشمندی هنر فلم، حکایتی هم از فلم و سینمای افغانی کنیم که با «عشق و دوستی»^(۱) زاده شد و «مانند عقاب»^(۲) پر و بال گشود و «روزگاران»^(۳) چندی را گذرانید، ولی هنوز ساخته ها و پرداخته های اندک داشت که نا بخردان به گلوله اش بستند و آشیانه اش (افغانفلم) را ویران کردند و بعد تر هم کوچکترین منفذ و روزنه اش را نیز مسدود نمودند و درب پولادین را قفل زدند و مهر و لاک کردند...

القصة، مرغک پر سوخته با خیل «پرنده گان مهاجر»^(۴) آورده سرزمین های دور و نزدیک شد و اکنون وضع رقتباری دارد، مثل اینکه سرنوشت درد آلودی برایش رقم زده شده است.

هان! فلم و سینمای افغانی، حال واحوال غم انگیزی دارد و سیمای نهفته و پنهانش در زیر ابر سیاه و تیره، هنوز همچنان در دیاران زادگاهش، نا پیدا است.

(۱) اشاره به فلم «عشق و دوستی» نخستین کار کرد سینمایی دست اندر کاران هنرور وطن ماست که در خارج از کشور تولید گردیده است.

(۲) منظور فلم «مانند عقاب» است، اولین ساخته سینمایی در داخل کشور میباشد.

(۳) فلم «روزگاران» محصول سینمای مؤسسه افغانفلم در سه بخش به گونه داستانی انسجام و تدوین یافته بود که زیاد توجه برانگیز بود.

(۴) اشارتی به فلم «پرنده گان مهاجر»

مگر جسته و گریخته در دیار غربت، غربانه چهره می نمایاند و نفس میکشد که این خود شکرانه، بسیار دارد، شکرانه به خاطر زنده ماندن و زنده بودن...

و اما از این اشارات و حکایات کوتاه و گذرا که بگذریم، سخن اندر باب سینمای افغانی را از قلم بدست نستوه، هنر پرور و پر تکاپو «موسی رادمنش» در اوراق این دفتر میخوانیم که با تلاش و کوشش و زحمات فراوان، دیدنی ها و گفتنی ها را، تدوین و تألیف کرده است.

رادمنش که از راهیان پر شور راه دشوار گذار کار فلم و فلمسازی در کشور بوده و با «اراده»^(۱) نخستین ساخته سینمایی خود را عرضه داشته است، از «روزو حال» سینمای افغانی نیک میداند و از «شرح پریشانی» آن آگاهی تمام دارد، لذا او بنابر همین آگاهی و دانایی به معرفی و چهره نمایی سینمای افغانی می پردازد و شناختنامه قابل توجهی از دست اندر کاران فلم و سینما در کشور بدست میدهد. رادمنش هر چند در این اثر با ارفاق و خوشبینی بیشتر از سخاوتمندی افزونتر پیرامون کار کرد های سینمایی همقطاران، اعم از ساخته ها سینمای خام و پخته و پرداخته های اندک و نیم پخته، به یکسان قلم میزند، ولی باز هم از اینکه يك شناسنامه، مطولی از کار فلم و فلمسازی در کشور بدست میدهد، بر او سخت نمیتوان گرفت، کار و کوشش و تلاشش را در فراهم آوری جمعبندی مطالبی چنین،

(۱) اشاره به فلم «اراده» که رادمنش آنرا کارگردانی کرده است.

ستایش بایست کرد و مرجبا گفت!

سخن کوتاه، من به عنوان دوستدار هنر پرده و علاقمند به فلم که پژوهش ها و سیاه مشق های در باب فلم و سینما داشته ام و نقد گونه هایی در خلال سالیانی چند که باد آنها را با خود برد. بر این پندارم که اگر هنر فلم و سینما گری با اندیشمندی تصویرگر فضیلت های انسانی و نمایشگر «اندیشه» سالم اجتماعی باشد، بدون شك، این هنر بزرگترین و بهترین هنر ها تواند بود و همچون چراغی فراراه آدیان برای اندیشنده گی، جوینده گی و راهیابی...

نمیدانم در کجا خواندم که دانش مردی گفته بود: هیچ سرزمینی از صفحهء جغرافیای جهان از میان نمی رود، آنچه می رود، «اندیشه» باشنده گان آن آب و خاک است.

حقا «اندیشه» همه چیز است، ملای روم راست و درست میفرماید:

ای برادر، توهمین اندیشه یی

مابقی تو استخوان و ریشه یی (۱)

و السلام

سرور انوری

پشاور- ماه قوس سال ۱۳۷۹ شمسی

سخنی با خواننده

کتاب و کتاب نویسی در جنب کار کرد های فرهنگی پدیدهء نو و تازه نبوده، بلکه این فن پر ارزش و ارجمند مانند سایر فنون تحقیق و نگارش اصول ویژهء خود را داشته و از دیر زمانی بدینسو بین جوامع بشری به ویژه بین اهل علم و دانش و اهل خبره ره گشوده است.

بسا از قلمزنان درژانرها و یا به عبارهء دیگر در فنون گوناگون و مختلف تحمل رنج و مشقت نموده و آثار قابل یادمانی و حتی شاهکارهایی را در طول تاریخ و زمانه ها آفریده اند، که هر گام شان در زمینه در خور ستایش و تقدیر میباشد.

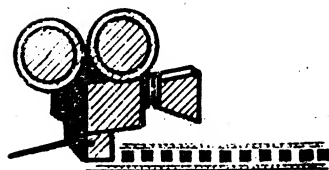
من نمی خواهم خود را د رزمره و ردیف اهل تحقیق به مثابهء نویسندهء اکادمیک و متبحر جا بزنم بلکه منظورم از این چند سطر بمثابهء یادمانی و سخنی با شما خواننده گان عزیز اینست که پدیدهء فلم و فلمسازی در کشور عزیز ما از سالیان گذشته به این سو بین پژوهشگران و علاقمندان هنر سینما راه یافت و آثاری در زمینه های مختلف (بگونهء مستند و هنری) از طرف اشخاص مسلکی و افراد با تجربه روی دست گرفته شده، تهیه و اكمال گردیده، اقبال نمایش یافته و بعضاً هم مراحل پراسس خود را طی نکرده در آرشیف افغان فلم و تلویزیون باقیمانده است.

اما دریغ که مساعی درین راه دیری نپایید، جنگ و عوامل مشخص بحران با تغییر رژیم های سیاسی، مجال هنر آفرینی حتی فرصت درست زیستن و با هم زیستن را از ما گرفت و سر نوشت ما را به نا کجا آبادی کشانید و در نتیجه بر کار و فعالیت تهیهء فلم و فلمسازی و ایجاد گری هایی اندر باب این رشته مهر سکوت بدان زده شد.

بنابر این خواستم در مورد سیمای سینمای افغانی و سیر تاریخی آن در کشور بلاکشیدهء ما جسته و گریخته و آنچه در ذهن و یادداشتهای پراکنده ام مانده است، روی کاغذ بمثابهء کتاب کوچکی تهیه و تدارك ببینم، تا یادداشتی باشد برای آنانیکه روزی درین راستا گامهای استوار تری بر خواهند داشت و بیاد داشته باشند که ما هم روزی سینما داشتیم، (ساختار هایی سینمایی، تلویزیونی) سینما گران و هنر پیشه گان مستعدی داشتیم.

ممکن درین اثر کمبود هایی از لحاظ پرداخت جملات، اصول، قواعد و فنون نگارش وجود داشته باشند، لذا آرزو مندم اگر کاستی هایی به ملاحظه میرسد، منت گذاشته برملا سازند تا در مجلد ثانی یا طبع ثانی این کتاب تصحیح و تکمیل گردد.

رادمنش



«پدیدهء سینما»

۱- سینما یا هنر هفتم (سینما) که هر لحظه (فریم)، (شات)، (نما) و به معنی دیگر اینکه هر تصویر از ویژه گی (استتیک) زیبایی شناسی برخوردار باشد. با وجود این ویژه گی امتیاز بیشتر هنر هفتم در آنست که کلیه هنرهای سمعی و بصری را در خویش آمیخته دارد. با این اندیشه بهتر است تا در زمینه های هنرهای دیگر نیز اشاراتی داشته باشیم.

اگر دقیق بیندیشیم میتوان گفت که هنر در حکم يك زبان است. زبان بدیع عواطف و هیجانها و منعکس کننده احساسات بوده و از وجه بی شائبگی خود برتر از زبان است و همچنان از لحاظ جهانی بودن بر زبانها تفوق دارد.

به قول فیلسوف و متفکر بزرگ اگوست کنت «هنر تنها بخشی از زبان است که تمام افراد نوع بشر آنرا درك میکنند و به معانی آن پی میبرند.» در نظر فیلسوف مزبور هنر زبان حقیقی جهان است.

در ترکیب هنرها در سطح جهانی هفت هنر عرض وجود کرده است که هر کدام آن از ویژه گی خاص برخوردار است.

فن تیاتر (بازیگری و تمثیل):

(۱) پیشینه ترین و با اصالت ترین هنرها که در رشد و تنویر اذهان در گذشته های دور (انسان) تحرك، تحول و تفاهم را بوجود آورده همانا فن تیاتر (بازیگری، تمثیل، نمایش) است که لقب مادر هنرها را به خود کسب کرده است.

(۲) موسیقی:

فونتیک (سمعی) عبارت از هنریست که تأثیر آن در ذهن از راه حس سامعه حاصل میشود: صدا، آواز (آهنگ و موسیقی)، موسیقی اگر از يك جهت علم است از جهت دیگر هنر است و باذوق و احساس بشر سروکار دارد و احساس و عواطف بشر را ارضاء میکند و از آثار پربهایی است که طی قرون مختلف از ذوق تراوش کرده و خود را بصورت یکی از هنرهای زیبا از دیگر هنرها متمایز و جلوه گر ساخته است.

(۳) ادبیات:

ادبیات یا هنر ایجاد زیبایی به وسیله الفاظ (کلمات) و جملات نوشتاری است و امروز ادبیات در جهان متاعی والا دارد.

(۴) معماری (مهندسی)

. معماری یا ایجاد ساختمانهای زیبا، هنر آرایش و تزئین ساختمان (دکوراسیون) هم از فروع معماری به شمار میرود.

(۵) نقاشی:

از جمله صنایع ظریفه بوده مظهر تجلی جمال و طبیعت و هم معرف ذوق، احساسات اندیشه و مهارت افراد بشر میباشد.

(۶) رقص:

هنر ایجاد زیبایی به وسیله حرکات منظم و متوازن اندام است همراه با صدا (آواز) (آهنگ و موسیقی) یا بدون آن.

(۷) سینما:

هنر هفتم، هنر پرده.

سینما:

(سینما) این پدیده عالی انسانی را در عصر حاضر میتوان به عنوان یکی از جهانی ترین هنرها تلقی کرد. هنر سینما القابی چون: کاملترین هنرها، هنر پرده، بهترین هنرها، والاترین هنرها و هنر هفتم را کسب کرده است و بدین جهت امتیاز بیشتر دارد که کلیه هنرهای سمعی و بصری را در خویشتن ممزوج کرده است.

به تأیید ضرب المثل قدیمی که در پیش آمد «تاریخ سینما» درج شده است که میگوید: «يك تصوير برابر ده هزار كلمه است» چندان گزاف نیست و مبالغه هم نمیتواند باشد.

در زمانیکه ما زیست میکنیم «سینما» کار کردی بس ارزنده و مؤثر داشته و شاید از همین جهت است که اکثر بر این نظر اند که

قرن ما قرن سینماست. قرن هنریکه در زایشها و فرسایشها و در تعیین سرنوشت انسان نقش چشمگیر و بارز داشته و تماشاگر را به هر سطح و سویه یی که باشد به خود میکشاند و ذهنش را به تنویر گرفته، اندیشه و مفکوره یی را القاح میسازد. آرتور نایت در سرآغاز کتاب «تاریخ سینما» یاددهانی نموده است:

پیش از یکصد و پنج سال است که در سراسر جهان، مردم به سینما میروند و به تماشا مینشینند و جادوی مرموز تصاویر زنده (متحرک) که در تالار تاریک روی پرده پدیدار میشود، و از برابر چشمان تماشاگران میگذرد آنرا مسحور میکند، آنها لذت میبرند و برداشتهای معین مینمایند.

پس سینما یعنی با ارزش ترین افزاربرقراری ارتباط در عصر ما شناخته شده است. یعنی بزرگترین ارتباط میان انسانها در زمانه ما، ارتباط کلی در زمینه ها و موارد و مسایل گونه گون زنده گی به یقین که توسط هنر سینما به آسانی میتوان زنده گی را و آنچه در بطن آن میگذرد حس کرد و در میان آدمها رابطه برقرار و ایجاد نمود، راست است که به وسیله سینما يك گیاه و شگفتن يك گل تا عمده ترین مسایل و موضوعات علمی و فنی را نگریست و با اندیشه ها و ایده های انسانی آشنا شده و به عنوان يك فرد انسان، خوشتن را به افراد دیگر اجتماع نزدیک حس کرد.

سینما و تأثیر آن

آنطوریکه گفته آمدیم هنر سینما یکی از بهترین و کاملترین هنرها محسوب میگردد چنان تأثیر عمیق و همگانی دارد که ذهن و فکر مردم را بسوی خود میتواند بکشانند و جذب کند در باره تأثیر سینما، یکی از سینما گران نام آور یونوئیل گفته است:

«سینما سلاحی است عالی و مؤثر، اگر شخص آزاده آنرا به کار گیرد، سینما بهترین وسیله برای بیان جهان رویا ها، اندیشه ها، احساسها و الهام ها است.»

میتوان گفت تأثیر سینما تابدان حد است که میتواند مسیر افکار و اندیشه های بشری را عوض کند. در یکی از کتاب های سینمایی که پیرامون عملکرد سینما و مؤثریت هنر فلم، سخنانی گرد آمده، گفته شده است که سینما و در مجموع هنر، عرصه ای برای بیان و نمایش اندیشه های آدمی بوده است. «از آنجا که انسان متفکر از آینده بشر اضطراب داشته و بر هستی جهانیان و شیوه زندگی آنها نگران بوده است، لذا برخی اضطراب خویش را در استیمایه آفرینش فلسفه ای ساخته و به ذهن خویش پناه برده اند، و جز جمعی که وسیله ای بیان هنری داشته این وسوسه را در اشکال گونا

گون به زیان آورده اند، چه مستقیم و چه پوشیده در زیر حجابی از نمادها، البته هنرمند جز اندیشیدن و بیان کردن، کاری و وظیفه بی نداشته و ندارد و آن کس که بدین وظیفه عمل کرده، بلاتردید، منشاء آثاری ماندگار و پایا بوده است.»

از همان روز و روزگاری که سینما به يك هنر نمایشی و ترکیبی و آمیزه بی از دینگر هنرها پایه عرصه وجود نهاد، از همان آغاز پیدایش و تولد خود، چنان انباشته از جذابیت و رونق خاص بود که تماشاگران و بینندگان را به تعجب و حیرت اندر ساخت و چیزی باور نکردنی جلوه کرد چنانکه مردم آنرا «فانوس جادو» و «چراغ سحر» نیز خوانده اند.

براستی، دستگاه جادویی نو ظهور سال (۱۸۹۵ع) که هنر هفتم به هنر قرن بیستم عوض شده بود، هنری که فرزند علم و زاده دانش بود، سخت برای مردم عجیب و غریب می نمود. تاریخ سینما نشان میدهد که در همان سال (۱۸۹۵ع) در اروپا و امریکا انواع گوناگون کمره های فلم برداری و سینما تقریباً همزمان عرض وجود کرده و این دستگاه ها بنام های (کنتوسکوپ)، (ویتاسکوپ) و (بایوسکوپ) یا سینما توگراف یاد میشدند.

«ادیسن» در امریکا، «لومیر» در فرانسه و (پل) در انگلستان، برای نخستین مرتبه تصویر های متحرک را بروی پردهء سپید به نمایش گذاشتند:

بدون شك در کارهای اولیه سینمایی و فلمسازی، عامل واقعیت

و تازه گی برای تماشاگران همانا حرکت روی پرده بود که مردم را کاملاً مجذوب میساخت، بگفته (آرتورنایت) در این شکی نیست که تصویرهای دو بعدی و لرزان سینما را به عنوان واقعیت پذیرفتند، در نخستین روزهای سینما هنگامیکه در حین نمایش فلم مثلاً: ریل در حال حرکت و سرعت و یا امواج دریا بسوی کمره پیش میآمدند و می شتافتند تماشاگران قطارهای پیش روی سالون سینما فریاد میکشیدند وی اختیار چپخ میزدند و بعضی ها از سالون به بیرون میبرآمدند همین طور آوازیکه بیننده گان در فلم که دیواری تخریب گردیده و گردو خاک بلند میشود، چنان واقعی میپنداشتند که فوراً هر کدام به سرفه می افتادند و سر و صدا به راه می انداختند. فلم و سینما که هنر تازه تری در برابر تیاتر بود، مردم باشور و شوق و حیرت زده بآن روی میآوردند و به تماشای فلمهایی که حادثه های از زنده گی را نشان میداد، می نیشستند، گویا فلم نسبت به تیاتر در زمینه نمایش واقعیت به آسانی پیروز شده بود، حتی ناشیانه ترین و ناقص ترین فلم های اولیه نیز این برتری را نشان میدهد.

پس بدین ترتیب، بنابر آنچه که در زمینه اولین آثار پیدایش تداوم در فلم صورت گرفت، هنر فلم و سینما کاملتر و گسترده تر شد، گرایش و توجه مردم دنیا به سینما فزونی یافت.

پس انکشاف سریع و عظیم سینما و هنر سینما توگرافی بدون شك در تنویر اذهان مردم و بلند بردن مسؤولیت های سیاسی و اجتماعی و تشویق مردم به طرف کار و مبارزه در برابر بد روزگاری

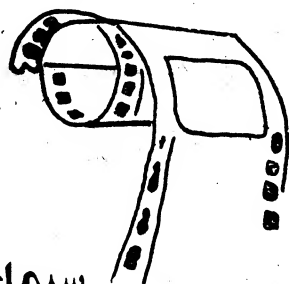
و نابسامانی وضع اجتماعی و سیاسی و در نهایت در امر بهتر شدن
 زنده گی افراد جامعه و کار غرض صلح و ثبات جامعه تأثیر فراوان
 دارد و بالاثر ذهنیت مردم را روشن کرده، ایشانرا باهمدردی و
 انجام وظایف انسانی و تسریع آهنگ اقتصاد و فرهنگ، رول خود
 را موفقانه بازی میکند.

مأخذ:

کتاب «آهنگ و صدا» اثر انجنیر قیام.

کتاب تاریخ سینما - اثر: آرتونایت.

مجله هنر شماره چهارم، سال سوم ۱۳۶۲ - کابل.



سیمای سینمای افغانی

اگر سیر تاریخی مطبوعات کشور عزیزمان افغانستان را از نظر بگذرانیم در مییابیم که از زمانه های دور و یا به عبارهء دیگر از سالهای آنسوتر توجه به این پدیدهء والا «سینما» مبذول گردیده بود که همانا علاقمندی شاه امان الله خان به تیاتر فلم و سینما میباشد. زمانیکه شاه امان الله به سفر اروپا میروود و بعد از دید و باز دید از کشورها و دیدن تعالی و پیشرفت ممالك رشد یافته، متاثر میگردد و این تأثیر پذیری را میتوان به آوردن فلم های محدودی از سینما که ذریعه پروجکتور به نمایش گذاشته میشد توسط شخص خود شان به باور گرفت. (۱) و این فلم ها در محل تجمع مردم که غرض رفع خستگی بدانجا روی می آوردند، و عبارت از تفریحگاه پغمان در شهر کابل میباشد، بنمایش گذاشته میشد و مردم با اشتیاق و علاقه مندی خاصی به تماشای آن می نشستند و از تماشای آن لذت می بردند.

قابل یاد آورست که شاه امان الله بیشتر به این پدیده یعنی پدیده سینما و سایر بخشها و صنوف هنر چون: تیاتر، موسیقی، صنایع مستظرفه و اخبار و مطبوعات وغیره علاقه داشت و میخواست افغانستان در قطار کشور های در حال رشد، قرار بگیرد

و درین راستا بیشتر از پیش تلاش میورزید، ولی زمان و اوضاع و امکانات و همچنان دست درازی اجانب و دشمنان دین و دولت نگذاشتند که این غنچه های امید بشگفتد و این آرزو ها و امیال بزرگ و انسانی به خاک کشیده شد و قربانی دسایس و توطئه های گونا گون دشمنان وطن گردید.

بهر صورت مطلب اینجاست که اگر از همان زمان یعنی زمانی که شاه (۲) به سینما علاقه ابراز می داشت امکانات رشد هنر سینما میسر میشد شاید خدمات بزرگی در زمینه صورت میگرفت و کارهای عظیم هنری و ساخته های فلمی در دسترس خویش میداشتیم. بدین گونه چانس یاری نکرد و به همان پروجکتورهای یاد شد بعضی از فلم های آورده شده به مناسبت های مختلف همراه با اجرای درامه های تیاتری به نمایش آمد. به اثر توجه شاه وقت تعمیر مدرن توأم با اعمار سٹیژ، سالون سینما تهیه و تدارک دیده شد و به پایه اكمال رسید که بنام سینمای پغمان منسمی شد که گاه، گاهی فلم ها، نمایشها تیاتری (درامه ها) در آن اقبال نمایش مییافت.

(۱) در قسمت آوردن فلم در زمان شاه امان الله خان منبع و مدرک دقیق بدسترس نگارنده قرار گیرد، نگرفت. امیدوارم در کتاب دوم اگر ممکن شد درین موضوع حرف های خواهیم داشت.

(۲) منظور نگارنده «شاه» شاه امان الله خان میباشد.

بگونه مثال سال ۱۳۰۲ ش مردم ما شاهد نمایش درام «شهزاده

جاوا» که يك نمايش (درام) آموزندهء اجتماعى بود و در ستيژ تياتر و سينماى پغمان در مراسم استرداد استقلال کشور با هنر نمايى: عبدالعزيز ناصرى، نور محمد، على محمد، سرور صبا، حسن جان، محمد اکرم، مير محمد کاظم هاشمى، مولوى غلام محمد، محمد فرخ افندى، قارى دوست محمد، سيد عبدالله، محمد اکبرضيايى، درام نويس و مترجمين: فيض محمد ذکريا، محمود طرزی، صلاح الدين سلجوقى و عدهء ديگر باقوت و کار بيشتري روى ستيژ پياده شد، البته در زمرهء قماشچيان شخص امان الله و بعضى از اعضاى خانوادهء شان نيز حضور داشته اند. قماشچيان در جريان نمايش خيلى تحت تأثير آمده بودند و لحظه به لحظه احساسات تبارز داده، همنوايى خود را با بازگرهاى که روى صحنه تمثيل ميکردند ابراز مينمودند، چنانچه در صحنهء اخير مردم با همان حالت و احساسات گرم و پرشور بر روى ستيژ هجوم بردند و به مدير جريدهء «جاوا» که هنوز با لباس بازى به غل و زنجير کشيده شده بود، تحسين کنان به توصيف نمايش پرداختند. روبهمرفته سلسله نمايش هاى چون: فتح تل، بچهء نازدانه، حاکم ظالم، مادر وطن... و چند اثر نمايشى ديگر به محلات مختلف که نمايش داده ميشد رونق خوبى داشت.

بايد سينما و ديدن فلم ها مدت ها بعد، از طريق توريد فلمهاى غربى، ايرانى، هندی وغيره را به قماش نشسته و تمايل و رغبتى خاصى از خود نشان داده اند، خاصتا به قماشى فلمهاى وسترن (کاوبايى) تاريخى، عشقى و داستانى از هر کشورى که بوده است،

با علاقمندی زایدالوصفی به سالونهای سینماهای شهر (سینمای کابل و سینمای بهزاد) میرفتند و از تماشای آن به نحوی از انحا متلذذ گردیده و عطش هنری خویش را فرونشانده اظهار مسرت میکردند. و هر يك به زعم خویش برداشتهای معین و لازمی با خود داشته و حتی چنین اتفاق افتاده که عده یی قصه های فلم را به دوستان و اقارب خویش به گفتگو گرفته وقتاً فوقتاً موجب علاقمندی و دلگرمی دیگران نیز گردیده است.

بعدها در کنار ورود فلم های خارجی، نمایش های تیاتری نیز در شهر کابل به سالون های چون: مرستون ننداری، شهری ننداری، پوهنچی ننداری، رونقی داشت، تا اینکه این هنر در طلاطم امواج روزگار فراز و نشیبهایی را پشت سر گذرانید و در مسیر راه انکشاف و شگوفایی آن آب گل آلوده شد و حتی از تحقیر و اهانتها نیز در حقش دریغ نداشتند. درست اواخر برج دلو ۱۳۲۴ بود که درب مدیریت پوهنی ننداری بنا بر معضلات آن وقت بسته شد و از فعالیت باز ماند، همانا شخص مسؤول پوهنی ننداری که جناب استاد عبدالرشید لطیفی بود همت گماشت و باب دیگر هنر، پدیده، خجسته و هدفمند و پر بار تر هنر فلمسازی را با همدستی دوستان منور و فرهنگیان کار آزموده چون: نشاط ملک خیل، احمدضیاء، عبدالرحمن بینا، طرح کرده که این سعی و ابتکارش طرف تأیید همه گان قرار گرفت و این اندیشه نخستین مفکوره، ایجاد فلمسازی، تهیه و تولید فلم (پرودکشن) در سرزمین ما محسوب میگردد.

محمد ابراهیم نسیم که از جمله ممثل در درامه و نمایشهای تیاتر هنرآفرینی میکرد و اکثر در وقفه ها تماشاچی را به آهنگها کمیدی، طنزی و انتقادی مصروف میساخت، خاصتاً آهنگ (میرزا عموجان) اش که روی زبانها گل کرد و یادش هنوز هم در خاطره ها باقیست او در برابر پرسش هایم پیرامون تهیه نخستین فلم افغانی ابراز داشت:

زمانیکه هیئت قصد کردند تا فلم افغانی را روی دست بگیرند به تدارك تهیه سناریو پرداختند. استاد عبدالرشید لطیفی مساعی به خرج داد و داستانی را که از آن عشق و محبت تبلور مییافت به رشته تحریر در آورد که بعداً به اساس محتوای سناریو، نام فلم به «عشق و دوستی» مسما شد.

در سال ۱۳۲۵ خورشیدی غرض تطبیق مفکوره (تهیه فلم) به حمایت اقتصادی بیشتر دوست محمد خان و معین عبدالجبار خان اسباب تشویق و آهنگ سفر هیئت را مهیا کرد که در زمره آن: عبدالرشید لطیفی، نشاط ملک خیل، عبدالرحمن بینا، احمدضیاء خان و محمد ابراهیم نسیم اشتراك داشتند، از کابل جانب شهر لاهور کمپنی فلمسازی شور به کشور هندوستان که در آنوقت پاکستان و هندستان از هم جدا نشده بود عزم سفر کردند تا با اكمال این فلم در کشور محبوب مان هنر فلمسازی را هسته گذاری نمایند، هیئت باین آرمان به کمپنی شور در شهر لاهور وارد شد، ولی بنابر معضلات پروسه ساختار فلم مدت زیادی را دربر گرفت.

محمد ابراهیم نسیم که شامل یونیت بود و بعد از گذشت مدتی که امور تهیه فیلم در شهر لاهور سرور سامان نگرفته بود، دوباره به کابل اعزام شد. موصوف باز هم طی پرسش در زمینه ساختار فیلم مختصراً چنین افزود: فیلم بامساعی صادقانه هیئت بالاخره تهیه شد.

در اجرای نقشها:

کرکتر (نقش) سرباز - نور محمد افغان

کرکتر (نقش) شاعر و عاشق - نشاط ملك خیل

کرکتر (نقش) افسر - عبدالرحمن بینا

و کرکتر (نقش) دختر فلم (مریم) را زیب قریشی که کم و بیش به زبان دری آشنایی داشت باز آفرینی کرد، در ضمن اجرای کرکتر يك آهنگ را نیز به مقابل کمره فلمبرداری پلی بك (لپسنگ) نمود.

«گر بتو افتد نظرم چهره به چهره روبرو»

شرح دهم غم ترا نکته به نکته مو به مو»

و با آهنگ دیگری را که اصلاً يك چهاربیتی است و آنرا کریمداد سرحدی آواز خوانی کرد و کمپوز و تصنیف آهنگ از عبدالغفور برشنا با همدستی ابراهیم نسیم میباشد:

به برگ لاله رنگ آمیزی عشق به جان ما بلا انگیزی عشق

اگر این خاکدان را واشکافی درونش بنگری خونریزی عشق

فلم (عشق و دوستی) به عنوان نخستین فلم افغانی در تاریخ

سینمای کشور با وجود کاستیها و عدم رعایت ژانرهای سینمایی از دیدگاه کارگردانی و پرودیوسری بگونه «تباتر کنسر و شده» تولید و يك و نیم ساعت وقت نمایش را در بر گرفت که اولین بار به سالون سینمای کابل که در کنار مکتب استقلال موقعیت داشت روی پرده به نمایش آمد و همچنان غرض نمایش به ولایات کشور نیز برده شد. این فلم به زمان حکومت دوکتور نجیب الله از طرف پرودکشن افغان فلم خریداری و منحیث يك نقطه آغاز در تاریخ سینمای افغانی به استاک ریاست افغان فلم غرض نگهداری گذاشته شد.

بعد از سلسله نمایش فلم «عشق و دوستی» آنطوریکه تصور میرفت، انعکاس فلم به دلها چنگ بزند، نزد و گمان بر آن بود که این سلسله ادامه یابد. در جریان پروسه آن لنگشهایی به میان آمد. یکنوع رکود و سکوت نامرئی شاید هم مرئی در برابر آن قرار گرفت. شاید علت آن یکی اینکه فلم کاستیهایی به همراه داشت و دو دیگر همانا مشکلات اقتصادی و عدم امکانات لازمه بازاربایی بوده باشد. باوجود این دو نکته، قابل توجه و لازمی، ممکن نوپا بودن کار و عدم پشتیبانی دولتی و انفرادی در میان آمده باشد که سیر انکشاف پدیده را لنگانیده باشد، ولی با توجه با یاددهانیهای فوق الذکر با آنهم میان فرهنگیان این زمزمه هویدا و محسوس بود که نباید گذاشت تا این چراغ برافروخته شده در فراراه زمان جبراً به خاموشی بگراید و درین راستا حتی المقدور از کوچکترین امکان و شرایط بزرگترین استفاده به عمل آید که این چنین پندارها و

پنداشتها اصولاً مسؤولیت افراد با هنر و خبیر جامعه را تشکیل میدهد.

بلی! همانگونه که این هسته و بنیاد در کشور نوپا بود، روی بالنده گی و رشد و انکشاف آن بحث و مباحثه صورت میگرفت و بخصوص این حالت زمانی جهش پیدا کرد که فیض محمد خیرزاده، تازه بعد از دوره تحصیلات از ایالات متحده امریکا برگشته با يك دیدگاه وسیع به رشد این پدیده نگریسته و با امکانات اقتصادی که به دست داشت در جهت یابی این عرصه هنر و فرهنگ بذل مساعی کرد.

آنزمان که حکومت محمد ظاهر شاه بر سراقندار بود، محمد عثمان صدقی سمت وزارت اطلاعات و کلتور را به عهده داشت، فیض محمد خیرزاده با اینکه يك شخص روشنفکر و از جهت اقتصادی شخصی متولی بود، با تشبث شخصی و احساس وطندوستی در کنار پوهنی ننداری وقت امتیاز موسسه دیگر را به نام موسسه (هنرهای زیبا) از وزارت اطلاعات و کلتور آنزمان به دست آورد که در زمره پرورش و رشد هنر رسامی و نقاشی آرت دراماتیک، موسیقی، بخش فلمسازی را نیز پی ریزی و ایجاد کرد و نخستین دست آورد آن، فلم نیمه هنری و نیمه مستند (داکومنتری) در نوار ۱۶ ملی متر زیر نام «مانند عقاب» را میتوان نام برد. که امور پراسیس آن در امریکا به اكمال رسید.

این اقدام خجسته در سیر بالنده گی سینمای افغانی دومین گام

قابل توجه در سیر تاریخی این هنر در کشور ما به شمار می آید و محتوای آن بیشتر ارائه مناظر طبیعی، روز استرداد استقلال کشور مراسم رسم گذشته عسکری و شاگردان مکاتب و بعضی از ارگانهای دولتی وقت و ابتکارات مردم زینت بخش آن بود. در این مراسم که (روز جشن یاد میشد) و از دیگاه يك طفل در ذهن کنجکاو آن تجسم و تبلور میافت و آرزو داشت با هرگونه مشقت و مشکلات که برایش پیش آید آن را تحمل کرده، خود را در محل برگزاری مراسم پرشکوه و با عظمت جشن برساند و با دیده گان بالنده اش و با پشت پا زدن به مشکلات و تحمل رنج و مشقات از نزدیک مراسم را به تماشا بگیرد، خاطر رنجور و پریشانش را شاد ساخته از آن لذت ببرد، بحیث طفل غیور افغان از جریان رسم گذشت بیاموزد و به نام فرزند افغان و افغانستان افتخاری نماید. سناریوی این فلم در سال ۱۳۴۳ خورشیدی به وسیله، فیض محمد خیرزاده و به معاونت ستارجفایی طرح و به رشته تحریر در آورده شد.

روی این هدفمندی، تصامیم لازم جهت تهیه و تولید آن نیز اتخاذ گردید همان بود که مسؤولیت کارگردانی آن را نیز خود «خیرزاده» به دوش گرفته و با گروهی که به وجود آورده بود به فعالیت آغاز نمودند. البته بخش فلمبرداری آنرا ستارزاده و اسستانت فلمبرداری را سونه رام تلوار به دوش داشت. و در اجرای نقش و باز آفرینی کرکترها: ظاهر هویدا و زرغونه آرام ایفاگر نقش ای اصلی بودند، هنر پیشه های دیگر: خان آقا سرور، مزیده سرور

و شور انگیز بودند. که در صحنه ها ظاهر میشدند.

وقتی فلم «مانند عقاب» اکمال و غرض نمایش روی پرده سینماهای پامیر، بهزاد، سینمای کابل، به معرض نمایش قرار گرفت، یکبار دیگر مردم هنر پرور ما به این باور شدند که فرهنگیان منور افغان سعی دارند تا این پدیده نوپا (سینما) را در کشور از هسته بیرون آورده با تحرك و تحول زمینه پیشرفت را برایش مهیا نمایند. همانا با زمزمه های جسته و گریخته دولت وقت بالاثر تقاضا ها و پیشنهادهای سازنده و برازنده از سوی مردم هنر پرو رو روشن ضمیر و منورین بعمل آمد تا جهت بالنده گی و رشد این پدیده روزنه یی پدید آید که در نتیجه سعی و تلاشهای فراوان پیشه سینما در چوکات ریاست مطبوعات وقت گنجانیده شد که بعداً در تشکیل وزارت مطبوعات وقت تحت نام مدیریت عمومی عکاسی و فلمبرداری بنیاد مییابد، رویمرفته در سال ۱۳۴۴ به حیث موسسه غیر دولتی در چوکات موسسه افغان فلم شروع به فعالیت مینماید.

تلاشهای خستگی ناپذیر دست اندکاران این هنر با درنظرداشت خواست زمان زمینه آن را مساعد نمایند تا درین راه گامهای شمرده شده به مفهوم حرکت و جهش قابل تأمل برداشته شود، که بامکانات آن زمان کاری بود مؤثر و سازنده که امروزه میشود کوچکترین حرکت آنان را به مثابه بزرگترین گام ارج نهاده و به حساب گرفت. زمان در گذر بود و کاروان در حرکت با پدید آمدن

این دو اثر (عشق و دوستی و مانند عقاب) هسته فلمسازی در کشور داشت جان میگرفت و به دور خود عناصر مبتکر و مستعد را باوصف اینکه سینما پدیده ایست دوست داشتنی و جالب که همه گونه احساس، عاطفه و اندیشه انسان را برمی انگیزد، نه تنها عده بی از عناصر مستعد افغان را بلکه سبب شد تا گروه های هنری و سینمایی کشور های خارج جهت باروری این پدیده به افغانستان وارد شوند و با مساعی همه جانبه سینمای افغانی را سمت دهند و آنرا روانه مسیر اساسی آن یعنی انکشاف هنر سینما در افغانستان بسازند. بدینگونه سال ۱۳۵۰ بود که گروهی از فلمسازان جوان امریکایی به منظور تهیه فلمی در زمینه انسان شناسی «انترپالوژی» وارد کشور گردیده و در همکاری دوجانبه با مقامات افغان فلم تهیه میدیدند که در آنزمان توریالی شفق از جانب موسسه افغان فلم با این گروه به حیث مشاور و کمره مین معرفی و مؤظف گردید که مدت چهار ماه را با گروه متذکره در علاقدهاری های آفکپروک و شولگرهء ولایت بلخ همکاری داشت.

به همن سلسله سال ۱۳۴۹ ش یونت دیگر از کشور انگلستان تحت سرپرستی مشهور ترین دایرکتر تیاتر و سینمای جهانی (پیتربورگ) وارد کشور میگردد و این یونت تقریباً از هر جهت یک یونت مکمل بود، در پلان داشتند تا فلمی را بنام (ملاقات با مردان برجسته) اثر گورجیف را که شیوهء کلاسیک داشت تهیه و فلمبرداری نمایند.

سناریوی فلم به گونه یی بود که در جریان سفر دو جوان دانشجو که آرزو داشتند تحقیق کنند و پژوهشی را در مشرق زمین خاصاً افغانستان به عمل بیاورند و با همین دیدارها، ملاقاتها، مطالعات از ورای کتابخانه ها و کتابهای چاپ شده در زمینه کلتور و فرهنگ افغانها، شخصیت‌های علمی و فرهنگی را دریابند و با آنها به ملاقات بنشینند. این یونت را نیز توربالی شفق سینماگر افغانی که منحیث دایرکتر کاست کننده، چهره های افغانی وظیفه داشت، مدت سه ماه همکاری نمود و از چهره های موفق سینمای ما چون: اکرم خرمی، قادر فرخ و فتح الله پرند نیز در صحنه های از فلم ظاهر گشتند. و هریکی از این چهره ها بنابر خصوصیات و ویژه گی های خاص شان در کارها نیکو درخشیدند و تلاشهای قابل تأمل از خود در زمینه تبارز میدادند. بعداً پروژه دیگر امریکایی از کمپنی (میترو گولدین مایر) در سال ۱۳۵۰ش وارد کشور میشود و این یونت میخواهد فلمی را با استفاده از سپورت عنعنوی و مشهور (بزکشی) که شهرت و محبوبیت خاصی دارد تهیه و تولید نماید. البته درین یونت دوستان افغانی تحت رهنمودهای عبدالصمد آصفی به همکاری گماشته شده بودند چون: توربالی شفق، ستارزاده، حکیم خلیق، قادر فرخ و دیگران.

البته قارفرخ منحیث دوبلیکی (دوبلی کیت) عمرشریف که بازیگر معروف سینمای اروپایی است. درین فلم به صفت سوار کار ظاهر میگردد. چون هنر پیشه موصوف به سوارکاری بلدیت نداشت، قادر فرخ در لانگ شات (نگای دور) به جای کرکتر

عمر شریف نقش بازی کرد.

در سال ۱۳۵۲ ش بود که از کشور هند (سرزمین رقص و موسیقی) یونت فلمسازی وارد کشور میگردد و میخواهند فلم را زیر نام (پرهیزگار) یا (دهر ماتما) با شرکت هنرپیشهء معروف هند هیمامالینی و فیروز خان بسازند. این گروپ را از سوی افغان فلم توریالی شفق منیث دایرکتر کمکی همکاری مینمود که اکثر صحنه های این فلم در شهر کابل و ولایت بامیان فلمبرداری گردیده است.

همزمان با وارد شدن این گروپها (یونتهای فلمسازان) در کشور، موسسه افغان فلم در آنزمان جهت کشف و رشد استعدادها به تدویر کورسهای آموزشی نیز میپرداخت و حتی فارغین این کورسها با استفاده از بورسهای کوتاه مدت تحصیلی به کشورهای که حکومت به آنها در آن زمان روابط دوستانه و حسنه داشت، میفرستاد که از آن جمله به گونه مثال میتوان از توریالی شفق و عباس شبان و حکیم مرزی که به کشور هند غرض تحصیل رفته بودند و همچنان عبدالحق علیل، ولی لطیفی، دوکتور رفیق یحیایی که در اتحاد شوروی وقت در زمینه سینما و کارگردانی به تحصیل پرداختند، یادمانی کرد. چرا که آموزش و آگاهیهای لازم در مورد سینما و کارهای سینمایی بدون شك در کمال و پختگی این هنر رول به سزایی داشته است که این رفت و آمدهای هنری، زمینه آنرا مساعد ساخت تا از تجارب و کارکردهای هنر سینما

استفاده لازم به دست آورد. سفر فرصت خوب بود برای باروری و سمتهی کار سینما و کار سینماگر آنهم در کشور ما، این پدیده داشت گامهای نخستین ولی استواری را در زمینه بردارد تا کار سینما در جامعه افغانی قد راست کند، رشد یابد و با ایجاد گری خود، خود به پا بایستد.

قابل یاد آورست که در آن زمان بنابر امکانات دست داشته از کوچکترین تلاش بزرگترین استفاده صورت میگرفت تا این هنر را به نردبان هفتم آن دقیقاً رهنمود و رهنمون گردند که هر گام شان قابل ستایش و درخور اهمیت و تقدیر میباشد.



کتابخانه ملی افغانستان، ولسوالی کابل

(سونډ، لایت، کمره، اکشن)

سینمای افغانی براهی افتد!

بعضی پوهاندان دغه هیئت دتشاءت په تالار
در استودیو افغان فلم که در اصل غرض ساختار فلم های
مستند، اخباری و یا بعضاً بنا بر فرمایش و تدویر محافل خاص
دولتی (سلطنتی) و یا سفرهای شاه سابق (محمد ظاهر شاه)
تصویر برداری میگردید و بعداً در همین استودیو تقریباً محدود

فلم، فلمبرداری و پراسس میگردید و جهت آگاهی مردم از فعالیت
مقامات وقت فلم های کوتاهی تهیه میشد که در سالن سینماهای
شهر جهت نمایش در وقفه های فیلم های خارجی (در معرض نمایش
قرار میگرفت که بدین وسیله دولت وقت میخواست سیاستهای
اقتصادی اجتماعی، کلتوری و فرهنگی خویش را به اذهان عامه
رسانیده و از عملکردهای خود مردم را آگاهی دهد و یگانه وسیله
برای نیل به اهداف فوق تالار سینما بود که تصویری روشن
دراذهان عامه جا میگرفت.

بعداً همین استودیو بود که بار تهیه و تدارک فلم های هنری
بگونه (هنری، داستانی) را نیز بدوش گرفت و نسبتاً نتایج بدیقه،

البته با همدستی بخشهایی چون: شعبه پژوهش، فلمبرداری،
چاپ و انتشار، مونتاژ (پیوند)، سوند (صداگذاری)، شعبه
عکاسی تحت نظر معاونیت تخنیک ریاست امور پرایس آن طی و

با امکانات محدود، فلم آمادهء نمایش میگردد.

استودیوی افغان فلم که در سال ۱۳۴۷ ش ایجاد و ریاست سلطان حمید هاشم که امور عکاسی و کمپوزیشن مهارت بخصوص داشت و سعی میوزید تا شعب تخنیک و تولیدی ریاست با امکانات دست داشته، فعال نگهداشته شود و فعالیت آن نیز به تدریج فزونی می یافت، آن زمان به ابتکار دسته یی از شایقین هنر فلمسازی در کشور نخستین محصول ریاست افغان فلم را زیر نام «روزگاران» که شامل سه بخش میباشد در دست تهه گرفتند.

بخش اول (کلبگاران)

بخش دوم (شب جمعه)

بخش سوم (قاچاقبران)

بخش اول - فلم «طلبگاران» به کار گردانی خلق علیل انسجام می یافت و اجرای نقش های عمده آن را محبوبه جباری وحید، میمونه غزال، استاد رفیق صادق، خان آقا سرور بدوش داشتند و مسوولیت فلمبرداری (کمره مین) این بخش را سونه رام تلوار بدوش داشت. محتوی این بخش راهمانا طلبگاری های که در قید عنعنات ناپسند طلب طویانه های که منجر به مصارف هنگفت میشد و این بار کمرشکن اسباب تنازعات فامیلی را بوجود میآورد و پیامیست علیه رسم و رواج های بی مورد و ناپسند.

بخش دوم شب جمعه - این قسمت فلم «شب جمعه» با علاقمندی زاید الوصف و زحمات فروان محترم انجینر محمد علی رونق کارگردانی می‌گردد موصوف نه تنها امور کارگردانی را پیش میبرد بلکه در زمینه دیکوریشن، لایت (نور پردازی) صحنه ها همت می‌گمارد و امور فلمبرداری آن را سونه رام تلوار عهده دار بوده است.

در اجرای نقش های عمده آن مشعل هنریار، حریف، اختر، پیکر و.... در خشش درشتند.

محتوای این فلم را صدور مواد غیر قانونی و ایجاد سرگرمی های تشنج آمیز تشکیل میدهد که سرانجام به جنبه های مفاسد اجتماعی، اخلاقی و جناحی و پولیسی پیوند داده میشود.

بخش سوم قاچاقبران - در فلم «قاچاقبران» که مسوولیت کارگردانی آن را سلطان حمید هاشم وستار عهده دار بودند و امور فلمبرداری آن بدوش ستار زاده بود که به همراهی سونه رام تلوار به پایه اكمال میرسید. در اجرای نقش های عمده میمونه غزال، پروین صنعتگر و وهاب صنعتگر، استاد عبدا القیوم بسید و دیگران درخشش داشتند.

محتوای این فلم را مهمانی های بی مورد، مخارج افراطی و کمرشکن تشکیل میداد.

همانا که مهماندار مجبور میشود جهت عزت داری مهمانان با

مصارف بی جا دست به دزدی مرغان همسایه بزند و از آبرو و شخصیت خود بکاهد تا به نوع به مهمانان خود برسد.

زمانیکه تهیه این فلم افغانی (روزگاران) به پایان رسید و از سوی ریاست افغان فلم جهت نمایش سینماهای شهر کابل روی پرده ظاهر شد، مردم هنر پرور ما از اقشار مختلف جامعه، دسته، دسته، جوقه، جوقه، با اشتیاق تمام به تماشای فلم میشتافتند. و با خرسندی و افتخار به تماشای فلم می نشستند و بعد از تماشای فلم با کنش ها و واکنش های شان اهمیت این پدیده را تأکید و ارزشمندی آن را برای تنویر اذهان عامه، تقویه هنر و فرهنگ به حساب آورده با گرمی استقبال کردند.

در جریان سال ۱۳۵۱ ریاست افغان فلم بدنبال فلم روزگاران، فلم دیگری را زیر نام «اندرز مادر» روی دست میگردد و بعد از آنکه عبدالحالق علیل سناریوی انرا نوشت و مراحل قانونی آنرا به پایان آورد. در اجرای کرکتر های مرکزی فلم محمد نذیر، محبوبه جباری وحید راکاست مینماید. با انتخاب این دوچهره دست اندرکاران تصمیم میگیرند تا امور شوتنگ فلم را هرچه زودتر بدست اجرا در آورند. بنا برآن امور تهیه فلم به کارگردانی «علیل» و به فلمبرداری محمود نوری و دستیارهای وحیدالله رمق جریان پیدا میکند. نظر به قول (محبوبه جباری وحید) فلم در ابتداء بنام «شیشهء شکسته» نامگذاری شده بود ولی زمانیکه تحویل ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ کشور پدید میاید و سردار محمد داود

رژیم شاهی را ساقط میسازد و جمهوری را اعلان میکند، تصمیم بران میشود تا با افزودن چندین صحنه و نماهای ارتباطی در قسمت های اخیر فلم نام آن تغییر یابد و به فلم «اندروز مادر» مسمی شود.

محبوبه جباری در برابر سوالی می افزاید: بلی! حادثه تصادم موتر حین جریان شوتنگ واقعیت داشت، پس از آن من در شفاخانه و منزل مدتی در بستر ماندم که دوستان به عیادت آمدند و لطف کردند ولی بعد از صحت یابی دوباره با اشتیاق تمام حاضر به شوتنگ شدم و همچنان در فلم متذکره بر علاوه اجرای نقش به مکیاز چهره ها و انتخاب لباس ها نیز همکاری داشتم.

محتوای فلم بريك حادثه جنایی استوار است و سلسله یی از فریب دادن ها و اغوا گری را در جریان زنده گی نشان میدهد، ولی پیامد آن استقامت کرکتری به تصویر کشیده شده که تصادفات روز آنرا در آزمون قرار میدهد که اجرای همین کرکتر را محبوبه جباری و زرغونه آرام نیکو نقش آفرینی کردند، البته در مبارزه با نا ملایمالات روزگار، کرکترها بگونه، پرورش یافته بودند که يك اندیشه را برهلا میساخت تصمیم واراده قوی انسان را به سر منزل مقصود میرساند و از منجلاب بدروزگاری و گردابهای خطر رهایی میبخشد، در اجرای کرکترهای عمده :

محمد نذیر، محبوبه جباری وحید، میمونه غزال، اسد الله آرام، زرغونه آرام، استاد رفیق صادق، هارون، سایره اعظم، ف، عبادی و دیگران درخشش چشمگیر داشتند.

نمایش فلم نیز با موفقیت همراه بود چون مردم هنرپرور ما دائماً در زمانه های گونه گون در برابر پدیده های جالب و قابل توجه واکنش از خود نشان داده اند که میشود از استقبال گرم مردم در آن زمان از قماشای فلم نام برد و فراموش نباید کرد که کار کردهای هنری و جالب اهل هنر در جایگاه های همواره قابل تحسین بوده است.

برج سنبله و میزان سال ۱۳۵۲ نقطه عطف در سینمای ما محسوب میگردد و آن اینکه دو تن از عناصر آگاه در فن سینما (دوکتور رفیق یحیایی و ولی لطیفی) تازه از تحصیل و آموزش در فن سینما از اتحاد شوروی وقت برگشته بودند و خواستند با مساعی مشترک شان به فعالیت سینمایی بپردازند. دوکتور رفیق یحیایی پس از مطالعه از اوضاع کشور و نابرابری های اجتماعی، داستان قبلاً بچاپ رسیده یی از شفیع رهگذر را برمیکزیند، سوژه آن را در قید سناریو در میآورد که محتوای آن تصویری از انعکاس واقعیت های جامعه و مسوولیت دادن روشنفکران در آن مقطع زمانی میتواند بود. با این تفکر و اندیشه سناریوی فلم را زیر نام «حاکم» برشته تحریر درآورد. و تصمیم گرفته شد تا از سناریو متذکره فلمی تهیه بدارند. بدین ترتیب یونت امور تهیه فلم آماده میگردد و فلم روی خصوصیات ریخت سناریو به مرحله شوتنگ میرسد.

مسوولیت امور فلمبرداری بدوش فلمبردار خوب و مجرب سونه

رام تلوار با همدستی محمود نوری و به کارگردانی مشترك ولی لطیفی و رفیق یحیایی پیش برده میشود.

و در اجرای کرکترهای مرکزی و عمده فلم : ولی لطیفی، رفیق یحیایی، آصف وردگ حاجی محمد کامران، مینا، فتح الله پرند، قادر فرخ، انور رضا زاده، حنان زمربال، عبدالباری جواد و دیگران درخشش داشتند و مسوولیت میکیژ هنر پیشه ها را نجیب الله سلطانی عهده دار بود.

زمانیکه این فلم به پایه اکمال میرسد، بنابر اوضاع جاری در کشور، فلم تحت قیچی سانسور قرار میگردد و با افزودن کرکتر «حاکم» دوم در کنار حاکم (نخست) که ولی لطیفی ایفاگر نقش حاکم نخست بود، رفیق یحیایی باز آفرینی کرکتر حاکم دوم را که تازه بوجود آمده بود، خود بدوش میگردد و همدیف بان در عنوان فلم نیز دگرگونی رونما میگردد و فلم تحت نام «روزهای دشوار» پراسس و اکمال میگردد. و اندکی بعد فلم با تبلیغات خاص در سالون سینمای های شهر کابل اقبال غمایش میابد و مردم با اشتیاق کامل به تماشای فلم شتافتند و از آن به گرمی استقبال نمودند.

بدینگونه رفیق یحیایی با پیشکش کردن فلم (روزهای دشوار) که هویتی ریالسیتك داشت گام مثمیری دیگری در جهت رشد و غنای سینمای نو پای ما گذاشت.

رء ثايشه رءاء

پرودکشن های شخصی،

رقیف، رفیلار

مللا رت

گامی در تقویت سینمای افغانی

مللا رت
قبل از آنکه مفکوره ایجاد پرودکشن های شخصی در قبال

سینمای دولتی رشد و پرورش یابد، جامعه افغانی در جریان سال

۱۳۵۴ شاهد تحول در حیات (سیاسی و اجتماعی) کشور عزیز ما

میگردد.

بدینوسیله سردار محمد داود بحیث نخستین رئیس دولت زمام

امور را بدست گرفت که ساعت ۷ صبح ۲۴ سرطان ۱۳۵۲ در

بیانیه «خطاب به مردم» از رادیو افغانستان به نشر رسید.

این تحول امید واریهایی را در عرصه های مختلف زنده گی برای

مردم ماکه سالها رنج کشیده بودند نوید میداد، در چنین حالات و

فضا فلم «روز های دشوار» روی پرده سینماهای شهر اقبال نمایش

یافته بود و مردم با علاقمندی و اشتیاق به تماشای فلم مشتافتند،

اکثریت تماشاگران فلم را منورین و روشنفکران تشکیل میدادند که

از تاثیر پذیری و ایجاد و گسترش پدیده سینما این جا و آنجا ها

صحبت های داشتند، فلم «روزهای دشوار» با اینکه با امکانات محدودی روی پرده آمده بود، ولی بانهم محتوای فلم و نوع تصویر پردازی و بعضی از نماهای آن از بینش سینمایی با معیار های سنجیده شده اخذ و انعکاس یافته بود که تماشاگر چیز فهم و آگاه را بخود جلب و امید وار میساخت. بدین لحاظ میتوان گفت که این مساعی امید های تازه و روزنهء خوبی را جهت رشد سینما در کشور باز کرده بود.



محمد نذیر

پرودکشن :

«نذیر فلم»

بادرك چنين بينش در جهت دادن روند تكامل سينماى افغانى يك عده از منورين و فرهنگيان بر اين شدند تا در رشد يابى و تكامل پديده نو پا، اقدامات لازمه را با مساعى مشترك بآ بهره گيرى از امكانات رياست افغان فلم، پرودكشن شخصى راى بنياد بگذارند كه نخستين بار در تاريخ سينماى مان شخصيت صميمى و هنر پرور مرحوم محمد نذير به اين ابتكار دست زده است. زمانيكه موصوف فلم «روزهاى دشوار» را تماشاء ميكنند و در ميابد كه واقعاً ضرورت چنين يك پديده موثر و انگيزنده در جامعه ما محسوس است، همانا با همدستى عده يى از شخصيتهاى فرهنگى چون: عبدالله شاذان، داود فارانى، توريالى شفق وعديى از دوستانش در سال ۱۳۵۳ پرودكشن ديگرى را زير نام (نذير فلم) بنياد ميگذارند.

نذير فلم در مدت كوتا، بادرست اندر كاران سينما انس ميگيرد و با ديد وسيع اقدامات جدى را در تهيه و توليد فلم هاى افغانى راه اندازى ميكنند و تحركى را در قبال هنر فلمسازى كشور بوجود

می آورد، شخص محمد نذیر با توانمندی یی که داشت دیری نگذشت که با تفاهم همکاران (داود فارانی، عبدالله شادان) به اساس درامه رادیویی (رابعه بلخی) تدارك فلمنامه، آنرا روی دست میگردند.

سناریوی فلم متذکره را عبدالله شادان بار نخست بنام رابعه «دخترکعب» بعداً بنام «شعرها ناسروده ماندند» مینوسد که بالاخره در اثر جرو بحث و جدال های فرهنگی به نام «رابعه بلخی» اکتفا نموده با اتفاق هم، محمد نذیر بدون آنکه به شکست و موانع درین راه بیندیشد مصممانه بر آن میشود تا از سناریو متذکره فلم تهیه و تولید نمایند. با مشکلات فراوان و عدم آماده گی استودیوی مجهز برای ساختار فلم تاریخی و عدم تجربه کافی در پرداخت ژانرهای فلم تاریخی و همچنان دایرکت و کارگردانی چندکارگردان چون: عبدالحق علیل، جلال پیروز، عباس شبان، توریالی شفق و عدم توافق روی صحنه ها و بازیگران فلم در چندین مرحله مسبب آن میشود که کیفیت خاص داستانی و تاریخی صدمه پذیر گردد ولی باز هم بامساعی صدقانه مرحوم نذیر، فلم متذکره پروسه اکمال خود را می پیماید و غرض نمایش آماده میگردد.

مسؤولیت امور پرودکشن فلم را نخستینش محمد نذیر، فتح الله پرند بدوش داشت.

در اجرای کرکترهای عمده آن: عبدالله شادان، سیما شادان، محمد نذیر، فتح الله پرند، داود فارانی، باقی خاخی و دیگران

درخشش داشتند. همچنان برای نخستین بار «سلام سنگی» درین فلم ظاهر میشود و بعداً آرام، آرام بانقش آفرینی هایش در سینمای افغانی ظهور میکند. و اما محمد نذیر که عطش ساختن فلم را پیش از پیش احساس میگرد و با اشتیاق کامل سعی بر آن بود تا امور تهیه سومین فلم را تدارك ببیند.

مگر بادریغ و درد که مریضی عاید حالش میگرد و این آرزو و این امیدش برآورده نمیگرد و سایه مرگ رد پای او را گرفته تا سرانجام گریبانگریش گردیده از پایش می اندازد و ناگزیر مرگ را لبیک گفته به خواب ابدی فرو میرود.

محمد نذیر مرحوم در شهر باستانی اهرات دفن میگرد، همزمان با آن فعالیت‌های هنری و تلاش‌های خستگی ناپذیر نذیر فلم نیز خاموش و به سکوت ورکود مواجه میگرد، ولی کار کردها و تلاش‌های موصوف این اندیشه را میرساند که چنین عناصر آگاه و هوشمند نمی میرند و همیشه از سوی هوا داران سینمای افغانی به نیکویی یاددهانی گردیده در خاطره ها خواهدماند. با مرگ نابه هنگام نذیر درب نذیر فلم نیز بسته میشود.

پرودکشن:

آریانا فلم

انجینیر لطیف

با استفاده از بیانیه «خطاب به مردم» سردار محمد داود نخستین رئیس جمهور کشور شرایط و امکانات آنوقت در جهت گسترش عرصه های فرهنگی؛ شایقین هنر هفتم با همدستی یکعهده منورین به منظور رشد و انکشاف پدیده سینما در جامعه متحداً دست بدست هم داده طرح و ریخت ، ایجاد پرودکشن دیگر را زمینه سازی کردند. بالاثر این تصمیم در بهار ۱۳۵۴ هـ ش توانستند امتیاز فلمسازی را تحت نام «آریانا فلم» از وزارت اطلاعات و کلتور وقت بدست آوردند.

مسئولیت موسسه متذکره به دوش انجینیر لطیف بود که با تشویق مامایش آقای (عزیز) و به همکاری و همدستی توریالی شفق به سمت سناریست و کارگردان، عباس شبان به سمت کارگردان و دوستان دیگر: انجینیر عارف، قادر طاهری، محمد عمر، انجینیر قدرت الله پیوسته موسسه را به سوی آفرینش هنری جولان میدادند که همدوش با هیئت رهبری آریانا فلم عناصر آگاه و پرکاری چون: فتح الله پرند، محمد جان گورن، عبدالله و طندوست،

عارف الدین، سلام سنگی، عصمت الله مشهور به تفنگ ساز که اکثر مسؤولیت امور تخنیکی را نیز بدوش داشت و همچنان ناصر عزیز، خورشید مندوزی، حنان زمربال، صدیق برمک، حشمت فناهی، کریم، نایل، عزیز نایل و هم عدهء دیگر جوانان علاقمند را جذب کردند تا در زمینه پیشبرد امور محوله با هماهنگی به کار هنری بپردازند و این روزنه را به سوی نور و روشنی و مستقبل راهگشایی نمایند. دیری نگذشت که مساعی جمعی اعضای این موسسه گل کرد و نخستین محصول هنری خویش را به نام فلم «مجسمه ها میخندد» غرض نمایش روی پرده ظاهر ساختند.

مسؤولیت کارگردانی به دوش توریالی شفق و سناریو و امور فلمبرداری آنرا انجنیر لطیف با دستیاری قادر طاهری که بیشتر امور عکاسی را نیز بدوش داشته به انجام آوردند.

در باز آفرینی نقشهای آن چهره های موفق: ذکیه کهزاد، عبدالله خموش، محمد جان گورن، فتح الله پرنده، عبدالله وطن دوست و دیگران درخشیدند.

فلم که در محور يك حادثهء رومانتیک، شعر و ادب، انعکاس کار خلاقه هنر نقاشی در پیوند با داستان رومانتیک آن چرخش داشت، توجه تماشاگر را در زمینه های ارزشمندی هنرنقاشی، عشق و محبت جلب میساخت و همچنان درخشش چهره ها و سعی و تلاش خستگی ناپذیر دست اندر کاران فلم، زمینه کار پیشتر را درین عرصه پدید آورد.

بعد از زقرار گرفتن فلم «مجسمه ها میخندند» در پرده سینما و استقبال بی پایان مردم، رهبری مؤسسه را بران داشت که تدارک فلم دیگری را با گسترده گی بیشتر و خلاقیت بیشتر روی دست بگیرند. چرا که از کار قبلی تجارب هنگفتی داشتند، این بار توریالی شفق با سناریوی زیر نام «غلام عشق» که از روی يك داستان واقعی بر مبنای خان سالاری و تعصبات محلی ولی آمیخته با ماجرای عاشقانه دوجوان که درچنین يك شرایط نا گوار سعی میدارند تا بر مشکلات فایق آیند و از این دید گاه بتوانند ایده پاکیزه نگری، روشن بینی و روشنفکری و همچنان اندیشه زنده گی با همی و درك مسؤولیت را در جامعه پدید آورند.

زمانیکه نگارش سناریوی فوق به وسیله داود فارانی اکمال گردید، غرض تأیید و اجازه مقامات اطلاعات و کلتور وقت برده شد و پس از تأیید به وسیله آریانا فلم زمینه تهیه و تولید آن بدست اجرا قرار گرفت.

فلم «غلام عشق» که امور کارگردانی آنرا توریالی شفق عهده دار بود و انجنیر لطیف با دستیاری قادر طاهری و ناصر عزیز امور فلمبرداری آنرا بدوش داشتند که پس از تهیه مواد خام و جلب همکاری ریاست افغان فلم، کار گردان با اتفاق فلمبردار به کاست چهره ها و تعیین یونت پرداختند تا هر چه زود تر با پشت کار و هماهنگی امور شوتنگ را پیش ببرند.

یونت که بیشتر از اعضای آریانا فلم متشکل بودند با سعی فراوان و علاقمندی خاص مراحل شوتنگ (فلمبرداری) را با چنان

اشتیاق، شوق و صمیمیت کامل پیش میبردند که هیچ کدام از اعضای یونت احساس خستگی نمیکردند و با خاطرات شیرین جریان فلمبرداری آن به پایان رسید و دیگر مراحل پروسس آن نیز به وسیله ریاست افغان فلم با تفاهم و هماهنگی مسئولین آریانا فلم به پایه اکمال رسیده آماده نمایش گردید.

اما نسبت کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ فلم مدت زمان کوتاه اجازه نمایش نیافت و کودتای ثور به مثابه ایجاد يك شبکه منظم تبلیغاتی - ایدیولوژیکی همانند بسیاری از رژیم های دیکتاتوری عرصه سینما را در انحصار خویش قرار میداد و این نخستین باری بود که قیچی سانسور طبقه کارگر به رخ سینمای ما سیلی زد و فلم غلام عشق که در اصل پایان دراماتیک عشقی داشت که باب دندان روز نبود، دست اندر کاران رژیم فلم را تا زمانی اجازه نمایش ندادند تا غلام، قهرمان فلم پس از درگیری با ارباب محل مصمم شود که با دسته از فعالین دهقانی حزب پیوند و این طرح در قسمت دوم فلم انعکاس می یابد تا انقلاب را به پیروزی میرساند.

اما بعد از مساعی زیاد هیئت رهبری مؤسسه و سانسور صحنه های فلم و افزودنما هایی چند، کارگران فلم توریالی شفق تأیید فلم را از مقامات وقت بدست آورد و آماده نمایش ساخت.

اما قسمت دوم آن که کار تحکم و زور بود هیچگاهی ساخته نشد و فلم با تایتل دادن (قسمت اول) اقبال نمایش یافت.

در اجرای کرکترهای فیلم چهره های موفق سینمای ما چون:

شاه جهان، مینا شفق، اکرم خرمی، فتح الله پرند، محمد جان گورن، قادر فرخ، سید علی عالمی، سلام سنگی، مجید غیاثی، عبدالله وطن دوست، خورشید مندوزی، بصیره خاطره، عارف الدین، موسی راد منش نیکو درخشش داشتند. زمان اینکه فلم روی پرده سینما به نمایش آمد، مردم از آن با قدر دانی و تجلیل خاص استقبال نمودند و با خرد مندی از این در و آن در، تماشا چیان با ارج گذاری به زحمات یونت فلم ابراز داشتند که سینمای افغانی دارد آهسته آهسته به مرحله شگوفایی گام مینهد و آنانی را که به هنر به ویژه به هنر سینما علاقه داشتند و یا به توسعه و انکشاف هنر سینما در کشور معتقد بودند، امید وار ساخت که میشود عناصر آگاه با ایجاد گری و تخلیقات بیشتری در کار سینما پیروزی های بیشتر در آن مرحله خاص زمانی برای تاریخ و مردم خویش به دست آورند.

قابل یاد دهانی است که مؤسسه آریانا فلم در کنار فعالیت های سینمایی خویش نخستین بار فلم های تبلیغاتی و تجارتی را نیز وارد سینمای ما ساخت که میتوان از تهیه اسپات دو دقیقه یی نوشابه کوکا کولا، اسپریت و کفش پلنگ نشان نام برد.

* * * * *

سال دیگر این مؤسسه با همکاری صمیمانه عده یی از هنر پروران هراتی با برداشت از داستان سیاه موی و جلالی، فلم هنری

رنگین را به نام «سیاه موی و جلالی» به دست تهیه گرفتند که سمت کارگردانی آن به دوش عباس شبان بود و فلمبرداری آن را انجنیر لطیف به همدستی قادر طاهری به عهده داشت که نخستین فلم رنگین در سینمای ما میباشد.

در اجرای نقش های عمده، این فلم فقیر نبی، ستوری منگل، عبد الشکور حکم و فتح الله پرند درخشیدند.

البته آهنگهای فلم «سیاه موی و جلالی» به وسیله آهنگساز و موسیقی دان کشور وهاب مددی تصنیف، کمپوز و خوانده شده است. فلم بعد از اكمال آن جهت نمایش آماده شد.

فلم «سیاه موی و جلالی» را مردم نیز با علاقمندی زیادی بنابر اینکه قصه آنها در قید داستان از ورای امواج رادیو و یا چاپ به جراید کشور قبلاً شنیده و یا خوانده بودند به تماشای آن رغبت زیاد نشان داده و فلم را با استقبال گرم بدرقه کردند.

* * * * *

اقدام دیگر موسسه «آریانا فلم» را که تولید فلم (مزرعه سبز) است میتوان نام برد.

فلم «مزرعه سبز» که به مناسبت روز جهانی غذا و به یاری و حمایت اقتصادی بانک انکشاف زراعت و شرکت تخمهای اصلاح شده و شرکت کود کیمیای افغان تدارک یافت که بعداً با توجه مسؤولین ریاست افغان فلم پرودکشن آن سازماندهی و فلم به پایه

اکمال رسید. سناریوی فلم به وسیلهء بورذ مشترك: انجنیر لطیف، حنان زمریال، عبدالسلام سعیدی و وهاب آصفی به رشتهء تحریر در آمد.

البته کارگردانی و امور فلمبرداری آنرا انجنیر لطیف متقبل گردید. که در اجرای نقشهای عمده: زمریال، بصیره خاطره، انور رضازاده، عارف الدین، سرور سرمد درخشیدند.

* * * * *

«دام مرگ»

فلم نیمه هنری و نیمه مستند (داکومنتری) به نام (دام مرگ) به فرمایش وزارت صحت عامه وقت روی دست گرفته شد، محتوای اساسی فلم را بیماری توبرکلوز تشکیل میداد و فلمنامهء آن را لطیف ناظمی به رشتهء تحریر در آورد و دایرکت آنرا انجنیر لطیف با مساعی رؤوف راصع عهده دار بودند و امور معاون پرودکشن (تهیه و تدارك) را کمال الدین مستان به دوش داشت.

موضوع فلم روی این اندیشه استوار بود که وزارت صحت عامه چگونه جلوگیری از این مرض خطرناك یعنی توبرکلوز را بگیرد تا صحتمندی و سلامتی افراد جامعه ایجاد گردد. و نقشهای عمده فلم را فتح الله پرند، محمد جان گورن، ابراهیم طغیان، بصیره خاطره، محبوبه، ناصر عزیز، عارف الدین به عهده داشتند که در نقشهای خویش به شایستگی درخشیدند.

* * * * *

موسسه آریانا فلم با سعی و پشت کاریکه داشت فلم هنری دیگری را به دست تهیه میگیرد زیر نام «گناه» که فلمنامه آن را انجنیر لطیف مینویسد و اعضای آن با علاقمندی به تکمیل آن کمرهمت مینندند و این بار انجنیر لطیف با همدستی دوستانش مسؤولیت فلمبرداری و کارگردانی را به دوش گرفته و آنرا به پیش میبرد.

ولی در جریان فلم نسبت ضعف و مضیقہ اقتصادی کار «شوتنگ» آن به مشکلات مواجه میگردد، ناگزیر با تفاهم ریاست افغان فلم بقیه امور تهیه (پردوکشن) آن به دوش بخش تهیه و تولید ریاست افغان فلم تکیه میکنند. با ادامه امور تهیه فلم «گناه» انجنیر لطیف به این اندیشه میشود که موسسه آریانا را با ریاست افغان فلم نیز یکجا سازد، به این ترتیب دیگر موسسه آریانا فلم از فعالیت باز میماند. صرف یک عده اعضای فعال آن در افغان فلم به فعالیت خود ادامه میدهند بالاخره فلم «گناه» آماده نمایش میگردد. محتوای فلم برمحمور نا برابر های جامعه ظلم و عیاشی چرخش داشته و در ارائه سناریو- صحنه آرایی های «تجاوز، کسه بوری، دزدی، قمار و تجارت شیرہ، چرس، فریب و اغواگری، عقدہ گشایی و انتقام...» تجلی یافته، تسلسل صحنه ها را با دوستی و عشق دودلداده و عدم رعایت نظم اجتماعی برمبنای قانون که مفاسد اجتماعی از آن بروز میکند، پیوند مییابد.

دو برجسته گی در فلم توجه تماشاگر را بخود جلب میکند، یکی

یکدست بودن دیالوگ ها و دیگر باز آفرینی نقش است بوسیله سلام سنگی، فقیر نبی، حشمت فنایی که بیشتر برمحاسن و زیبایی فیلم افزوده است.

در تهیه و تولید فیلم «گناه» این بخشها و افراد سهم با ارزش داشتند:

امور تهیه: عارف کیهان و ابراهیم عارفی

امور عکاسی: قادر طاهری

چاپ و لابراتوار: سلطان استالفی، احمدشاه صدیق

ثبت آواز: عبدالرحمن صفتی

نور پردازی (لایت) عارف الدین

مونتازور: حکیم مرزی

در اجرای کرکترهای فیلم: فقیر نبی، سلام سنگی، حشمت فنایی، معرفت شاه خاطره، فرید فیض، نصیر القاس، عظیم جسبور، حکیم خان، خورشید مندوزی، انور رضا زاده، تورپیک، قدیری، کریم نایل و الفت هیروی درخشیدند و مردم از تماشای فیلم به نیکی استقبال کردند.

پرودکشن:

شفق فلم

توریالی شفق

توریالی شفق سینماگر به نام آشنای ما که با دید وسیع و بینش گسترده در جهت رشد و بالنده گی سینمای افغانی می اندیشید. او از ناملايمات غمی هراسید و با دید و نگرش ژرفی به آفرینش و ایجادگری میپرداخت. بعد از آنکه فلم «غلام عشق» را که بین سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به پایهء اکمال رسانید و بعد از بررسیها و

ارزیابیهای موفق شد فلم را به نمایش بگذارد. خواست نهاد مستقلى را بنیاد نهد که گام مثمر دیگری باشد به سوی اوجگزینی سینما در يك افق وسیع ایجادگری و انکشاف، روی چنین اندیشهء سلیم و استوار. موصوف در پاییز سال ۱۳۵۸ امتیاز موسسه، استدیوی (پرودکشن) شفق فلم را از وزارت اطلاعات و کلتور وقت به دست آورد.

این سینماگر آگاه و خوش قلب در آغازین روز افتتاح موسسه «شفق فلم» ابراز داشت: «دستیاب نمودن نام مقدس هنر سینما،

اگر از سویی افتخار بزرگی است، از جانبی رسالت سترگی نیز هست که بردوش مان گذاشته میشود. باید ما رهپوی صادق ژرفاها باشیم و به ظواهر و شهرتهای فریبنده دل نبازیم بل عمق مسایل را درک و دوراندیشی کنیم، حب و بغض را کنار بنهیم و به تعالی بیندیشیم. « -

بلی! در روشنایی این اندیشهء والا در آغاز فتح الله پرنده، موسی رادمنش، مرحوم ایوب معصومی، محمد جان گورن، اکرم خرمی، احمد سیر رحیل، مرحوم عارف الدین و مرحوم عبدالله وطن دوست... بحیث اعضای هیت رهبری و ایجاد گران موسسه فعالیت داشتند تا امور سینمایی را در این کانون تنظیم و رونق دهند. تا هر تصویر شان بیان و زبان هنری باشد که نبض آن با خواست زمان گره خورده و در تپش بود و از نیاز های زمان نماینده گی میکرد.

و این زمان نیست که حاکمیت سیاسی و دولتی را سردمداران ۷ ثور عهده دار بودند و گمان بران بود که میشود بنابر مشی ظاهراً انساندوستانه در عرصه فرهنگ نیز پیشرفتهای لازمه مرعی الاجرا قرار گیرد.

با آنهم در شرایط سخت و دشوار سیاسی تلاشی بعمل میآمد تا سینمای افغانی مسیر اصلی خود را آگاهانه و هوشمندانه بپیماید و ورود خود را طبق خواست و امکانات اوضاع با قبول مردم سازگار و هماهنگ سازد، سینما و سینماگر کارش را تداوم ببخشد، اما نباید فراموش کرد که این آرمان خجسته هرگز به تحقق نخواهد پیوست

مگر آنکه سطح آگاهی و دانش، مسلکی (بینش سینمایی) هنر و ران بلند رود و ژرفنگری و راست اندیشی جانشین سطحی نگری در ازهان و اندیشه ها گردد.

روی این اندیشه موسسه شفق فلم نخستین اثر تولیدی خود را بنام «جنایت کاران» بدست تهیه میگیرد، در قسمت امور تهیه و پرودیوس فلم، حاجی فیض محمد فیض و توریالی شفق باهم همکاری داشتند، امور فلمبرداری به وسیله انجنیر لطیف بادستیاری ناصر عزیز صورت گرفت. سناریست و کارگردان فلم مرحوم توریالی شفق بود که با دستیاری احمد سیر رحیل و موسی رادمنش تهیه و به نمایش آماده شد. محتوای فلم از بی بندوباری جامعه سخن میگوید و نشان میدهد که چگونه حاکمیت زور و زر در جامعه حکمفرماست و ارزشهای انسانی پایمال میگردد، محبت و صداقت حیف و میل گردیده فاجعه و جنایت به وقوع پیوسته زنده گی صدها انسان مظلوم به وسیله، اغواگران به نابودی کشانیده میشود. این درد و رنج جامعه با حوادث و صحنه آرایی با بیان تصویری از شرایط ناهنجار زمان، زمینه ساز عصیان بوده است و طغیانها و تحرك و پویایی و رزمنده گی در برابر سالاران زر و زور، انعکاس یافته است، فلم متذکره با نقش (کرکتر) های عمده در فلم «جنایت کاران» ابراهیم طغیان، محمد جان گورن، سلام سنگی، احمد سیر رحیل، ایوب معصومی، موسی رادمنش، فتح الله پرند، محمد حکیم، شاکر، ناهید سرمد، نوریه، حمیده، تورپیکی، خورشید مندوزی و ... بدوش داشته و هر کدام در قالب

کرکترها به شایستگی درخشیدند. عکاسی صحنه های فلم را با ارائیه کمپوزیشن های زیبا قادر طاهری بدوش داشت، موسیقی و انعکاس آهنگ های آواز خوان محبوب کشور احمد ظاهر که به وسیله عارف کیهان در چند صحنه رومانتیک لبسنگ میشدبر موفقیت فلم نیز افزوده بود فلم «جنایت کاران» بگونه آزاد به فیستیوال «کانت» کشورفرانسه دعوت گردید ولی بنابر قیود و پالیسی رژیم حاکم نه برای کارگردان فلم «توریالی شفق» و نه به ارسال فلم بحث يك ساخته سینمایی موافقه شد، زمان تدویر فیستیوال گذشت و فلم از شرکت در فیستیوال باز ماند و خاطره تأثر آور آن برای کارگردان فلم و اعضای شفق فلم فراموش ناشدنی است. بعد از نمایش فلم، شفق فرصت یافت تا غرض رشد و بالنده گی جوانان تازه وارد در عرصه سینما کورسهای مقدماتی را در زمینه تیوری و شناخت هنر سینما در سه بخش (تاریخ سینما، تخنیک و هنر بازیگری) (تمثیل) راه اندازی کرد که بدینوسیله در چندین دوره استعداد های قابل توجه را به سینمای افغانی تحت تربیه گرفت که میتوان بطور مثال در بخش کمره و تخنیک از محمد احسان، محمد عیسی رادمنش و در زمینه تیوری و بازیگری (تمثیل) تیمور حکیمیار، همایون سدوزی، صفور آهنگیل، عادلہ ادیم، حنیفه، صدیقه بشردوست، ذکیه داماج، شاه محمود شارق، حبیب ذلگی، واسع صمدی، شریف خیرخواه، محمد حیدر رادمنش، عنایت الله محب زاده، حسین جان که بعداً به امور کارگردانی به کشور چکوسلواکیا به تحصیل پرداخت یاد کرد.

و خاصاً شفق فلم به همت همین افراد کورس توانست یک گروه مکمل فلمبرداری به میان آورده تا کار هنری و فنیکی موسسه را حسب دخواه به انجام آورد.

دومین محصول این موسسه فلم میهنی و حماسی «عشق من، میهن من» بود. گرچه در ابتداء سناریوی این فلم به نام «رستورانت» تحریر یافته بود، و کرکتر مرکزی از میان شاگردان که بنا بر ضعف اقتصادی و عدم شرایط مساعد به کارهای روزگار نا به سامان مجبور به شاگردی و پیشخدمتی در رستورانت ها کار میکردند و بعداً با آشنایی با دختر روشنفکری در روال زنده گی و سرنوشت آن دگرگونی رونما شده سمت معین اختیار مینماید. وقتی سناریو به مقامات ذیصلاح عرض تأیید و طی مراحل تقدیم شد، بنا بر پالیسی وقت و شرایط حاکم بر اوضاع مقامات فرهنگی و هنری سناریوی فلم تغییر مییابد و به نام «عشق من میهن من» مسمما میگردد و موسسه مجال مییابد تا به دومین محصول خویش اقدامات عملی را روی دست بگیرد.

سناریست و کارگردان و پرودپوسر فلم، تورپالی شفق بود و امور کارگردانی آن به دستیاری موسی رادمنش صورت می پذیرفت. امور فلمبرداری آن به دوش سلیمان علم و در اجرای نقشهای عمده: ابراهیم طغیان، عادلہ ادیم، اکرم خرمی، فتح الله پزند، موسی رادمنش، ذکیه داماج، عرف الدین، عبدالله وطن دوست، تیمور حکمتیار، صفور آهنگیل، عنایت الله محب زاده، رحیم الله

و عده دیگر درخشش داشتند. این فلم بعد از پروسس و چاپ در استدیوهای افغان فلم، غرض نمایش آماده شد.

فلم گرچه به استقبال گرم مردم رویو گردید اما به تناسب فلم «جنایت کاران» بازار نیافت. ولی به فیستوال (جشنواره سینمایی) مسکو کاندید گردیده و جایز جایزه فیستوال و دیپلوم گردید.

سومین محصول این موسسه يك فلم رزمی که تقریباً به شیوه و ساختار فلمهای جنایی تدوین یافته بود به نام «گامهای استوار» است که امور تهیه و پرودیوس آنرا وزارت امور داخله وقت به دوش داشت.

سناریت و کارگردان فلم (توریالی شفق) و معاون کارگردان موسی رادمنش، و فلمبرداری فلم را فلمبردار ورزیده، ما محمود نوری و اسستانت فلمبردار محمد هاشم تصویربرداری کرده اند و بعد از چاپ پروسس در افغان فلم آماده نمایش گردید.

در فلم «گامهای استوار» ابراهیم طفیان، عاقله، عادلہ ادیم، اکرم خرمی، عبدالله وطن دوست، فتح الله پرند، حبیب زلگی، تیمور حکمتیار، یاسین خموش، شاه محمود شارق، عیسی رحیم الله، عنایت محب زاده و موسی رادمنش نقش آفرینی نمودند.

در کنار فلمهای سینمایی موسسه شفق فلم به کارگردانی مرحوم توریالی شفق دو فلم هنری تلویزیونی زیر نام (جاوید من و فرشته) نیز که جنبه آموزشی داشتند و بر محور رسالت‌مندی

جوانان در پرتو اندیشه سلیم جهت صلح و آبادانی کشور میچرخیدند. هیپید آمادهء تهیه بود. اما دریغ که تورپالی «شفق» را بیماری دوامدار مجال نداد تا این دو اثر انسانی و عاطفی خویشرا با جمعی از اعضای موسسه و شاگردان که به دور این موسسه گرد آمده و روز تا روز به آموزش و آگاهی پدیدهء سینمایی مصروف بودند، اكمال و به تماشا بنشینند. او به ابدیت پیوست روح اش شاد و جنت فردوس نصیبش باد. با مرگ و نبود «شفق» در فعالیت این موسسه یکنوع رکود ایجاد میگردد اما بعد از اندك زمان اعضای با درك و فعال موسسه بر آن مصمم میشوند که در وضعیت موسسه توجه وسیعی نمایند تا موسسه ایرا که بر ایشان حیثیت مکتب را دارد. رکود و خموشی نگراید و مشعلی را که برافراخته شده فروزان نگهدارند، همانا در نتیجه چنین تصمیم، اعضای برجسته موسسه: اکرم خرمی فتح الله پزند، تیمور شاه حکمتیار، نصر الله نوروز، همایون سدوزی، صفور آهنخیل، شاه محمود شارق، سید میران فرهاد، محمد عیسی، محمد حیدر، یار محمد، غلام سخی برپالی، عنایت الله محب زاده، محمد رحیم الله، حشمت فنایی، مهدی همت، شجاع، ابراهیم، نجیب الله صدیقی، عادل شاه، رفیق احمدی، محمد سنجر، ناهید، محمد حنیف، صفی الله، صبور خنجی، وسیع فقیری، نصرت، تورپالی واحدی، نبیل، عبدالله، ظهیرالدین، احمد ولی عقاب، نوریه، نسرین، شکیلا، زرلشت، نورضیا، نزهت وعده دیگر به سرپرستی موسی رادمنش و معاونیت تیمور حکمتیار موسسه را

دوباره فعال سازند. رادمنش با ارادتمندی به استادش (شفق) و علاقمندی و اندیشه ای که در غنامندی و شگوفایی سینمای افغان داشته و دارد با قبول بار سنگین با همدستی یارانش پیمان بستند تا باخرد سالم و قبول هر نوع زحمت موسسه رافعال و به سمت بالنده گی رهنمایی کنند در قدمه نخست کورس آموزشی را با تفکیک صنف بندی آن مطابق به تقسیم اوقات معین فعال ساختند و از سینما گران مجرب خواهش برده شد تا بوقت معین به موسسه تشریف آورده و جوانان علاقمند را که عضویت موسسه را پذیرفته بودند تدریس نمایند که سرانجام از سوی ریاست افغان فلم و ریاست انجمن سینما گران انجمن های هنرمندان این اقدام به قدر دانی نگرسته و سلسله آن به پیش برده شد. البته این مرجع وقتاً فوقتاً از چگونگی و وضع کورس های آموزشی موسسه دیدار و حالت آنرا تحت ارزیابی و بررسی قرار میداد که مدتی بعد در اثر یک بررسی هیت سینما گران افغان، موسسه را کانون یا مکتب کوچک در عرصه آموزش و هنر پیشه گی سینمای افغانی نام نهاده شد.

موسسه با گسترش فعالیت های خویش با انجمن سینما گران و ریاست نشرات تلویزیون با استفاده از پروتوگول در تهیه فلم های کوتاه آموزشی، تربیه هنر پیشه ها و فلم بردار و کارگردان سوژه های را به انتخاب گرفته و آنرا در قالب فلم های آموزشی و هنری که بوسیله کمره ویدیوی اماده مبنمودند که اکثر آن از طریق برنامه های تلویزیون خاصاً ادارهء فلم های هنری و مستند، برنامه جوانان،

برنامه ساعتی با شما جهت تشویق و کشف استعداد ها و باروری عناصر مبتکر تهیه و بدست نشر سپرده میشود.

و اکثراً از میان جوانان مستعد کارگردانان، اعضای موسسه را شامل یونت فلمبرداری نموده و از کار و استعداد شان استفاده مینمودند و قبل از معرفی اعضای موسسه به گروههای تلویزیونی و سینمایی اکیداً برای آنها توصیه میشد تا اصول «Sete» و فلمبرداری و پالیسی کار کارگردانان را در نظر داشته با دسپلین و انضباط خاص و آگاهانه در پیشبرد امور صمیمانه سعی ورزیده سهم خویشرا صادقانه ادا کنند.

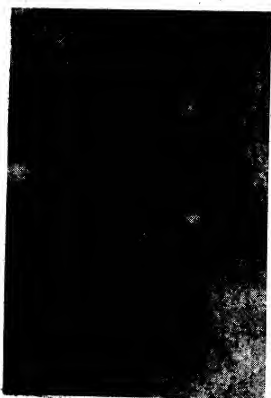
خوشبختانه این وجیبه از سوی اعضای شفق فلم در پرتو انعکاسات نیکو ارزیابی گردیده و از اجرای وظایف کارگردانان، ریاست افغان فلم، اتحادیه انجمن های هنرمندان رضایت داشته اند که این حرکت موجب افتخار موسسه شفق فلم به حساب میآید.



پرودکشن :

اپارسین فلم

این موسسه با سعی، تلاش و هنر پروری و هنر دوستی که به پدیده سینما و همه هنرها و ایجاد گری و تولید سینما گران ارزش قایل میشد بنیاد یافته است. این مرد هنر پرور بنام (آغا صاحب) مشهور و سر زبانها قرار گرفت و با تصمیمی که داشت امتیازی را تحت پرودکشن (اپارسین فلم) جهت روند تکامل سینمای افغانی از وزارت اطلاعات و کلتور وقت بدست آورد و موصوف با علاقمندی فراوان نخستین محصول موسسه خویشرا تحت فلم (غار تگران) روی دست گرفت و با شرکت هنر پیشه خوب سینما و تیاتر چون وکیل نیکبین، اکرم خرمی، عارف الدین، ابراهیم طغیان، عزیز فروغ وعده از جوانان تازه کار به کارگردانی عباس شبان و فلمبرداری... امور تهیه و تولید آن پیش برده میشد ولی با تأسف که در مسیر پراسس آن مشکلات اقتصادی و مسا معاذیر دیگر بروز میکند و فلم «غار تگران» به پایه اکمال نمیرسد و مسؤول موسسه دیگر نتوانست بر مشکلات فایق آید و فعالیت اپارسین فلم نیز به رکود مواجه گردید.



پرودکشن:

قیس فلم

سلیمان علم

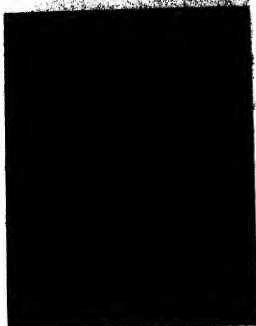
قیس فلم نهادیست که به ابتکار سلیمان علم پس از ۱۳۶۵ خورشیدی زمانی که اپارسین فلم به رکود میپیوندد، بوجود می آید و امتیازی مستقلی بدست میآورد، قیس فلم در آغاز فعالیت های خویش سه فلمنامه را زیر مطالعه گرفت و آرزو داشتند تا یکی پی دیگر به پرده سینما آید.

یکی ازین سه فلمنامه بر اساس داستان هجرت سلیمان اثر محمود دولت آبادی به نبشت میآید، دومی بر اساس داستان «وقتی نیها گل میکند» از قصه نویس خوب کشور دکتور اکرم عثمان و سومی نیز کاری است گروهی از مسؤولان بخش ادبی قیس فلم با نام «خشم امیر».

قیس فلم در کنار چنین مساعی خویش کورس های آموزشی را نیز جهت بلند بردن سطح آگاهی اعضای خویش گشایش داد تا بوسیله افراد آگاه و با صلاحیت تدریس گردد.

اما بالاخره سلیمان علم با همدستی روؤف راصح و وکیل

نیکبین فلمی را زیر نام «تلاش» با شرکت هنرپیشه خوب ابراهیم طغیان و دیگر جوانان شامل موسسه قیس فلم روی دست گرفت و امور شونتنگ آنها راه اندازی کردند و فلم متذکره را سلیمان علم در نوار سیاه و سپید بگونه ۳۵ ملی متری فلمبرداری کرده است که امور کارگردانی آنها عباس شبان عهده دار بود، فلم در مرحله پراسیس خویش با قیچی سانسور پالیسی سیاسی قرار گرفت و با به میان آوردن تغییرات از سوی مقامات حاکم موفق نشد روی پرده به نمایش آید، بعداً قیس فلم نتوانست فعالیت خویش را دنبال کند.



پرودکشن:

گلستان فلم

مهدی دعاگوی

آوانیکه موسسه شفق فلم با نمایش فلم «جنایت کاران» در روند تکامل سینمای افغانی قد راست کرد تأثیرات آن در جامعه این پنداشت و برداشت را پدید میآورد که سینمای افغانی با سعی و پشت کار سینما گران خویش گام بگام به پیش میرود، بادرک سالم این پروسه انسانی، همانا با همت شخصیتی بنام آشنا در عرصه رادیو، تیاتر و درامه نویس (مهدی دعاگوی) در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ خورشیدی امتیاز گلستان فلم را از وزارت اطلاعات و کلتور بنام خویش کسب مینماید که در زمینه بنیه اقتصادی محترم عارف فیض مؤسسه متذکره را حمایت کرده، ایشان با مساعی مشترک و همکاری اعضای خویش دست به فعالیت میزنند و نخستین محصول خویشرا تحت نام فلم (خانه ۵۵۵) تدارک می بینند.

سناریت و کارگران: مهدی دعاگوی

پردیوسر: عارف فیض

فلمبردار: انجنیر لطیف

و نقش آفرینان این فلم (فرید فیض، عاقله، سیما، ابراهیم طفیان، ابراهیم عارفی، گلبن، ذاکیه داماج، عارف الدین، محمدجان گورن، شاه محمود شارق وعدهء دیگر در اجرای نقبشهای خویش از خود شایستگی نشان دادند.

فلم (خانه ۵۵۵) که در اصل يك فلم ميلودرام خانواده گي با کرکترهای تبارز یافتهء خویش سیر فلم های جنایی را بخود میگردد و آنچه قابل دقت است دیالوک های زیبای آن که از ادبیات خوب مایه می گرفت. زمانیکه فلم مراحل پراسس خویشرا میپیماید و آماده نمایش قرار میگردد (بورد سانسور) با افزودن صحنه های ناجور و قطع صحنه های ارتباطی روال فلم را صدمه زده و در نتیجه برای تماشاگران نیز سوالاتی را پدید میآورد و این گونه سرکشی های ناسالم از دیدگاه پالسی رژیم از سرعت کارمیکاهد و کار را به کندی میلان میدهد. بالاثر گلستان فلم باتقدیم نخستین محصول خویش تحت آماج فشار های عناصر سیاسی قرار میگردد و آنچه انتظار میرفت که این مؤسسه از سوی ریاست افغان فلم و مسؤولین وقت حمایت و تشویق شود اما نبود چنین فضایی سبب آن میشود که گلستان فلم نیز از فعالیت باز ماند.

ریاست افغان فلم (سینماتو گرافی)

مرکز تولید و توزیع فلم در افغانستان

این موسسه در ابتدا به حیث مدیریت عمومی و فلمبرداری در چوکات ریاست مطبوعات وقت تحت سرپرستی و رهنمایی مرحوم عبدالصمد آصفی در بخش سینما شروع به فعالیت کرد و به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به حیث يك استودیو تولید فلم تحت اسم افغان فلم فعالیت هایش را بیشتر گسترش داد.

این موسسه آغازین فعالیت هایش را تحت نظر سه نفر متخصصین آمریکایی که طبق پروتوکول برای مدت ده سال در افغانستان میبودند و معاشات شان از طرف دولت وقت پرداخته میشد، به کار پرداختند. اما بعد از مدت کوتاهی جوانان افغانی علاقمند به رشته سینما رموز کار آنها را فرا گرفتند و دیری نگذشت که به اثر مساعی محمد اکبر شالیزی متخصصین دو باره به کشور های شان برگشتند.

این موسسه که یگانه مرجع برای بر آورده شدن خواست ها و نیازمندی های سینما گران افغانی به شمار میرفت، نخست جهت تهیه فلمهای (مستند، داکو منتری، نیمه داکو منتری) از رویداد

ها و انکشافات، تحولات کشور در جریان سالها میپرداخت و این گونه فلمها قبل از نمایش فلم هنری از کشور های خارجی در سالون سینما های شهر به نمایش می آمد و یا در وقفه های نمایش فلم روی پرده به نمایش میامد و بعداً این موسسه توان آنرا پیدا کرد که به فعالیت تورید فلم هایی دست یازید و همچنان به تهیه و چاپ و تشکیل فلمهای هنری نیز همت گماشت که شمار زیادی از فلمهای مستند و هنری سینمایی افغانی درین موسسه مراحل پروسس و چاپ را نیز بر پایهء اکمال رسانیده است.

تشکیل ریاست افغان فلم

مقام ریاست

معاونیت تخنیکی

مدیریت اداری

مدیریت پرودکشن (تولید)

مدیریت فلمبرداری

مدیریت مونتاژ

مدیریت لابراتوار

مدیریت تورید

مدیریت صداگذاری (سوند)

شعبهء دایرکتران (کارگردانان)

شعبهء عکاسی

این ریاست با همین امکانات و خدمات تخنیکی محدود بیشتر از سی سال فعال بوده است و در جریان امور اشخاص ذیل به حیث رؤسای این مؤسسه اجرای وظیفه نموده اند و هم بر علاوه این مسئولیت در زمینه ساختار فلمهای افغانی منحیث کارگردان، سناریست، فلمبردار، مکیاتور، دوبلر سهم شایسته خویش را ادا نموده اند.

- محمد اکبر شالیزی وارد به فنون عمومی سینما
- سلطان حمید هاشم وارد به فنون عمومی سینما
- عبد الصمد آصفی وارد به فنون عمومی سینما
- فیض محمد خیر زاده
- عبد الحمید غیائی
- مصطفی رسولی
- عبد اللطیف جلالی
- عبدالحق علیل (سناریست و کارگردان)
- واحد نظری (سناریست و کارگردان)
- انجنیر لطیف (سناریست و کارگردان)
- صدیق پرمک (سناریست و کارگردان)
- انجنیر خیر محمد محمود به صفت معاون تخنیکی ریاست
- رفیق یحیایی معاون تورید ریاست
- انجنیر کاکر معاون تورید ریاست
- حضرتی مسؤل تورید فلم و سینما های شهر
- همایون پاییز معاون تورید و سینما های شهر

- سلطان استالفی معاون تخنیکي

و به همین گونه اشخاص ذیل به حیث فلمبرداران ورزیده و ضمناً مستقلاته به تهیه فلمهای مستند (داکومنتری) نیز پرداخته اند.

- محمد اکبر شالیزی - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- سلطان حمید هاشم - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- عبد الصمد آصفی - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- سونه رام تلوار - فلمبردار (تحصیل کرده در موسفلم)
- محمد اسحاق ستار زاده - فلمبردار (تحصیل کرده در موسفلم)
- احمد ولی کهزاد - فلمبردار (تحصیل کرده در فرانسه)
- محمد عثمان صدیق زاده - فلمبردار (تحصیل کرده در روسیه)
- محمد کبیر درانی - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- دوست محمد دهقان - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- عبد الستار - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- ضیا الله - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- محمود نوری - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- وحید الله منصوری رمق - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- سید موجود حسینی - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- عبد الباقي خا خا - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- قادر طاهری - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- حبیب طلوع - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- نور هاشم ابیر - فلمبردار (تحصیل کرده چکوسلوکیا)

- محمد داود - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- غلام سخی سلطان زاده - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- سرور الدین - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- فاروق سعد - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- حیات الله حیاتی - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- سلیمان علم - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- توریالی غشتلی - فلمبردار (تحصیل کرده در روسیه)
- لطیف منصوری - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- شاه محمد - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- محمد امین - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- صدیق امین زی-فلمبردار (تحصیل کرده پونه انسیتوت هندوستان)

و تعداد زیادی از جوانان که همه در آغوش این استدیو به فلمبرداران مجرب و پر کار مبدل شدند.

. در زمینهء پرودکشن این اشخاص فعال بودند:

- واحدی
- حسینی (تحصیل کرده هندوستان درر بخش تهیه تولید)
- ابوبکر عاطف
- عبدالولی تلاش

در مورد لاهراتوار و چاپ اشخاص ذیل با ابتکارات خویش نوار فلم های افغانی را صیقل داده اند:

- سید مصطفی
- خواجه احمد شاه
- سلطان استالفی

درمورد صدا گذاری (سوند) از این اشخاص میتوان نام برد که با کار خلاقهء شان به فضای هر فلم افغانی جان و روح بخشیده اند:

- | | |
|-----------------------------|-------------------------|
| (تحصیل کرده در هندوستان) | - سید علی عالمی |
| (تجارب شخصی) | - انجنیر خیر محمد محمود |
| (تحصیل کرده در روسیه) | - حکیم خلیق |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - عبد الرحمان صفتی |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - نور الله ملتفت |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - محمد قاسم کریمی |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - احمد شاه |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - احمد علی |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - سید مظفر شاه |

درزمینهء فن مونتاژ از این اشخاص میتوان یاد هانی کرد که با خلاقیت در مونتاژ ذهن تماشا گر را در بافت فلمهای افغانی دقیق ساختند.

- مرحوم توریالی شفق (تحصیل کرده انسیتوت پونه هندوستان)
- جلال پیروز (تحصیل کرده هندوستان و اتحاد شوروی)
- حکیم مرزی (تحصیل کرده انسیتوت پونه هندوستان)

- | | |
|-----------------------------|-----------------|
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - طاهر محبی |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - قدیر رشیدی |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - افضل بریالی |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - اسدالله رشیدی |
| (تربیه شده ریاست افغان فلم) | - ممتاز احمد زی |

و بخش نور پردازی (لایت) را دوستان ذیل اکثراً به دوش داشتند:

- خواجه ابراهیم
- غلام جان

این نکته قابل تذکر است که سینما گران فوق الذکر تا سالهای اخیر که فعالیت های سینمایی قربانی حوادث و بحران در کشور نشده بود به کار و فعالیت مشغول بودند.

بخش عکاسی:

اعضای بخش عکاسی که در طول سالیان متمادی در عرصه های مختلف هنری، اجتماعی، سیاسی کشور وظایف خویش را به وجه احسن انجام میدادند و تعداد زیاد آنها بعداً در بخش فلمبرداری آغاز به کار میکردند ولی عکاسان فعال این دوستان بودند:

- خلیل الله
- نادر وصال

- همایون مرزی

- عبید الله

شعبه قابل توجه دیگریکه همه فعالیت های ریاست افغان فلم در لابلا ی اوراق آن ثبت و سنجش و کنترول گردیده است همانا بخش اداری میباشد که از کار های:

- فضل احمد خان در بخش اداری

- سیار در بخش اداری

- عبدالقدوس در بخش واحد های سیار

- میر افغان و عبدالواحد در بخش کنترول سینما های شهرو سانسور فلم یاد دهانی کرد: در کنار کارمندان ذکور ریاست افغان فلم اعضای اناث نیز نقش براننده شان در پروسه اكمال آثار و پیشبرد امور محوله محسوس بود

در بخش مونتاژ لیلی و آدینه

در بخش لابراتوار شکيبا و نجلا

در بخش اداری نسیمه فعالیت داشتند.

فلم های سامد (بدون آواز)

سینمای افغانی در حیات خود بنمایش آوردن فلم های سامد (بدون آواز) را از طریق پروجکتور نیز سپری کرده است که این نوع فلم ها در سینمای کابل، پوهنی ننداری که برای تماشایان بنمایش میآمد، جهت جلب توجه و زوق آراییی تماشاگران (استاد غلام حسین خان موسیقی دان افغان با ویلون و استاد محمد فرخ افندی تیوریسن موسیقی افغانی با بیانو) از عقب پرده سینما تصاویر فلم را دیده و ذریعه نو هفتن آلات موسیقی دست داشته همزمان بآن بگروند موزیک میدادند و بدین ترتیب بر تصاویر جا و روح بخشیده و تصاویرایکه از برابر چشمان تماشاگران میگذشت لذت برده لحظات خوشی را میگذشتانند.

سینمای کارتون

در اوایل سال ۱۳۵۳ ریاست افغان فلم جهت ساختار فلم های کارتونی با استفاده از کارتون های مرتب شده دوکتور عبدالرحیم نوین وزیر اطلاعات و کلتور زمان شاه، پیرامون موضوعات مختلف زنده گی و خاصتاً کارتون های قبلاً ترسیم شده در زمینه ارایه پیام صحت و سلامتی بدست تهیه گرفتند که مسوولیت تصویر برداری آنرا فلمبردار کار آزموده، صدیق امین زی بدوش داشت.

بازهم (سوند، لایت، کمره، اکشن)

«جلایش سینمای افغانی»

به همین ترتیب در سال ۱۳۵۹ دست اندر کاران سینمای ما با استفاده از سناریوی که بوسیله داستان نویس ورزیدهء ما (رهنورد زریاب) تحریر یافته بود فلم را بدست تهیه گرفتند و نام فلم را «اختر مسخره» گذاشتند. محتوای فلم بر محور احساس کمبودی و تبارز شخصیت و پرابلم های محیطی، خانواده گی و خلاصه حالت های خاص روانی افراد جامعه چرخش داشت.

سوژه این سناریو را که در رابطه با مسایل خاص اجتماعی ارتباط میگیرد انجینر لطیف با نویسنده آن توافق میکند و در زمینه تهیه و تولید آن از ریاست افغان فلم استمداد جسته با مساعی مشترک در تهیه و تولید آن اقدام عملی می نمایند، بعد از توافق هم دست بکار میشوند و مسوولیت امور کارگردانی آنرا انجینر لطیف بدوش گرفته و تصویر برداری آن بوسیله وحید الله رmq صورت گرفته است.

زمانیکه فلم مراحل پراسس خود را طی کرد بزودی آماده نمایش شد، چون محتوای فلم در رابطه با مسایل خاص اجتماعی تبلور یافته از زیر فیچی سانسور جان به سلامت میرد و جهت نمایش به

سالون های سینماهای شهر راه باز میکند و زمانی که علاقمندان و مردم هنر پرور با اشتیاق تمام به تماشای آن می نیشنند ازین فلم به نیکی استقبال مینمایند، خاصتاً درخشش فقیرنبی را که با اجرا گرچهن نقش درخور توجه و حساب شده اش برزیبایی فلم افزوده بود، از هر زبان مورد تحسین قرار میگرفت که در کنار آن نقش آفرینان چون: ابراهیم طفیان، ناصر عزیز، بصیره خاطره و دیگران نیز نیکو درخشش داشتند.

فلم سینمایی «فرار»

(فرار) بعد از فلم (دثور انقلاب) نخستین فلم رنگین در نوار ۳۵ ملی متری از تولیدات افغان فلم بشمار میاید، این فلم سینمایی در برگیرنده داستانی است که عشق و محبت بدو زاویه رخنه میکند، یکی بطرف هوس و کدورت و سوی دیگر محبت و زندگی همچنان در کنار هم حوادث و نابسامانی های روزگار که موجب فرار خانواده ها میگردد و در پیامد اش عواطف، مردانگی دفاع از ننگ و نوامیس در قالب کرکتر «جاله وان» پایان می یابد که جاله وان خود قربانی عمل جوافردانه خود گردیده و مظلومیت را در برابر خشم و خشونت استواری و پایداری میدهد.

سناریست و کارگردان فلم، انجینر لطیف بوده برای اولین بار فلمبردار خوب ما قادر طاهری که با تشویق انجینر لطیف منحیث فلمبردار تبارز می نماید بعداً با پشت کار، استعداداش در سینمای

افغانی مقام والایی را کسب مینماید درین فلم که بعد از طی مراحل پراسس و چاپ در سال ۱۳۶۳ آماده نمایش گردید و طرف استقبال گرم تماشاچی (مردم) قرار گرفت، بعداً جهت نمایش راهی ولایات کشور و حتی در فیستیوال های سینمایی شرکت جست.

نقش آفرینان این فلم هنر پیشه های خوب ما چون : ناصر عزیز، فریما، انور رضازاده، خورشید، معرفت شاه، شکیلا، ولی تلاش، اسد الله آرام، حشمت فنایی، همایون پاییز، محمد عثمان، عارف الدین، کریم نایل، عادله ادیم و سلام سنگی بودند.

مکیاژ و کنیتونتی : حنان زمریال
 معاون کار گردان و مونتازور : حکیم مرزی
 آهنگ : شادکام
 (سوند) صدا گذاری : عبدالرحمن صفتی
 عکاس : ظاهر طاهری

فلم پرنده های مهاجر

فلم سینمایی «پرنده های مهاجر» ساخته دیگری از انجینر لطیف در نوار ۳۵ ملی متر رنگین که از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. این فلم زیبا و خوب از تصویر دو دل داده آغاز میابد و قصه شرین و جالب هم در قبال دارد، بخاطر آنکه افکار عنعنوی و تاریک را زبون میسازد. ولی باز هم انکشاف تصویر پردازی و داستان فلم تحت شرایط زمانی ملوث میگردد و

کرکتر های فلم در لحظات گذرا از هویت شخصیت خود برآمده دنبال منافع روان میگردد و بالاخره نواب قهرمان فلم در يك صحنه پُر مفهوم نزد خاتول میاید و تفنگ را که نشانه مرگ است در میان پشته خار که این تصویر نیز سمبول بد بختی است میگذارد و با پیامی میرود و در فرجامین همین تفنگ است که بر زنده گی خمیه نیستی را هموار میکند.

در قالب کرکتر های این فلم هنر پیشه های ورزیده ما چون :
اسد الله آرام، ناصر عزیز، عادلہ ادیم، صبور توفان، قادر فرخ، حبیب زلگی، ولی تلاش، همایون پائیز، عثمان علیم، نعمت آرش، خورشید، زرغونه آرام، واسع صمدی، اسد رحمانی، سیر دهقان، کریم تنویر درخشیدند.

(لایت) نور پرداز : خواجه ابراهیم

امور تهیه : حکیم مرزی، ج، حیدری

معاون کارگردان : جان محمد، جوانشیر حیدری

موزیک متن : احمد شاه حق پرست

آهنگ : شادکام

مکیاژ : عثمان علیم

صدا گذار : عبدالرحمن صفتی

مونتاژور : حکیم مرزی

سناریست: سرور انوری - ا-لطیف

فلمبردار : قادر طاهری

کارگردان : انجینر لطیف

این فلم در خزان سال ۱۳۶۵ اکمال و به سینماهای شهر کابل و ولایات کشور بنمایش برآمد و از سوی مردم با گرمی استقبال گردید.

فلم حماسهء عشق

فلم رنگین در نوار ۳۵ ملی متری بنام (حماسه عشق) باز هم از ساخته های کارگردان مستعد سینمای افغانی انجینر لطیف به نمایش میآید. محتوای این فلم از بازی قهرمان آفرینی و باستانی ما (بزکشی) مایه میگیرد که با ارج گذاری به این ورزش پاستانی، دلیری و شهامت نسل افغان در تصاویر زیبای خود در پیوند با محبت، مرووت و عشق متجلی میشود، اما در فرجامین لحظات فلم يك مطلب را درك میکنم که زور، زور است و صداقت و ایمانداري نیز جای خود را دارد.

درین فلم چهره های محبوب سینمای ما چون : اسد الله آرام، نعمت آرش، صابره، حبیب ذلگی، یاسمین، ولی تلاش، اسد رحمانی، کریم تنویر، صبور توفان، زرغونه آرام نقش آفرینی داشته اند.

کارگردان : انجینر لطیف

فلمبردار : وحید الله رمق

آرت دایرکتر : عثمان علیم

منتاژور : حکیم مرزی

صدبردار : نور الله ملتفت

امور تهیه : محسنی

نور پرداز (لایت) خواجه ابراهیم

تهیه موزیک : ارگستر گل سرخ

فلم «حماسه عشق» بعد از مراحل پراسیس خویش روی پرده سینما های شهر کابل و ولایات کشور عزیز بنمایش آمده و مردم هنر پرور ما از تماشای آن لذت برده و استقبال گرم از آن بعمل آوردند.

فلم صبور سرباز

فلم سینمایی «صبور سرباز» به طریقه رنگین در نوار ۳۵ ملیمتر از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید شده است.

سناریست و کارگردان آن، انجینر لطیف بوده و فلم در زمان معین مبنی بر تحکیم قوای مسلح کشور با بافت در اماتورگی ساز و برگ یافته و حالات روانی افراد نیز در نظر گرفته شده و همین عوامل و انگیزه ها محتوای فلم را به اوج کشانیده، این اندیشه را میرساند که چگونه از خود و دیگران به دفاع برآمد.

فلمبردار : قادر طاهری

مونتازور : قدیر رشیدی

در اجرای نقشها : سلام سنگی، صبور توفان، ناصر عزیز،

ابراهیم طفیان، جان محمد حیدری، عادلہ ادیم، خورشید، واسع صمدی و... در خوش داشتند.

در همین سالهای نزدیک يك عده از هنردوستان ما که به هنر هفتم «سینما» علاقمندی گرفته بودند و از زمرهء نزدیکان مرحوم محمد نذیر بنیانگذار موسسهء «نذیر فلم» سعی بر آن شدند تا با اسم «نذیر فلم» بار دیگر به فعالیت‌های سینمایی در کشور دست یازند و با مساعی همه دست اندر کاران سینمای افغانی به سینمای کشور آرام، آرام هویت ملی و بین المللی داده شود.

و نخستین محصول این اقدام خجسته خویشرا به نام فلم «گماشته» به افتتاح گرفتند ولی بنابر معاذیری موفق نشدند تا این سلسله را به پیش ببرند، اما ریاست افغان فلم، فلم متذکره را با مساعی دست اندر کاران فلم به طریقهء رنگین در نوار ۳۵ ملیتر به دست تهیه گرفتند.

سناریست : بشیر رویگر

کارگردان : انجینر لطیف

فلمبردار : وحید الله رمق

مونتازور :

در اجرا نقشها (کرکترها) : قادر فرخ، صبور توفان، حبیب ذلگی، معرفت شاه، لینا، خورشیدو و... درخشیدند.

فلم متذکره بعد از مراحل پروسس و پاس اقبال نمایش یافت.

فلم «بهار میشود»

فلم سینمایی رنگین در نوار ۳۵ ملی متری «بهار میشود» بوسیله سینما گران ما چون : رفیق یحیایی، ولی لطیفی، که در دهه شصت از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید گردیده است و محتوای آن در برگیرنده فعالیت های اعضای حزب و شاخص های معین حاکمیت وقت را به تصویر در آورده است.

فلمبرداران : وحید الله رمق، قادر طاهری

مونتازور : حکیم مرزی

بازیگران فلم : یحیایی، لطیفی، زلی رزمی، وزیر محمد نگهت که در نقش های عمده درخشیدند

وقت نمایش : دربرگیرنده ۳۰ دقیقه

که بعد از مراحل اكمال خویش بنمایش روی پرده ظاهر شد.

فلم تابستان داغ کابل

نام فلم مشترك است از سوی (افغان فلم - موسفلم) که سناریست و کارگردان آن : علی همرایف با دستیاری ولی لطیفی منحيث معاون کارگردان در نوار ۳۵ ملیتر به گونه رنگین تهیه و اكمال گردیده است. و امور فلمبرداری آن به وسیله وحیدالله رمق و توریالی غشتلی انجام یافته است. موضوع یا محتوی فلم را جگونی زنده گی قشون اتحاد شوروی در افغانستان نشان میدهد

که میشود یکی از مقاطع خاص زمان مانرا به مثابه تاریخ زنده به مشاهده گرفت.

در نقشهای عمده فلم : قادر فرخ، ولی تلاش، همایون پاییز از سوی هنرپیشه های سینمای افغانی نقش آفرینی کرده اند. این فلم بعد از اکمال و پروسس و چاپ در استدیوهای اتحاد شوروی، در شهر کابل روی پرده سینماهای شهر به نمایش آمد.

فلم دهکده ها بیدار میشود

فلم سینمایی «دهکده ها بیدار میشود» به طریقه سیاه و سپید درنوار ۳۵ ملیمتر فلمبرداری گردیده و فلم یکی از محصولات ریاست افغان فلم به شمار میرود. محتوای فلم را موضوع مشی دولت وقت به منظور تحقق مشی سیاسی و نظامی در بر میگیرد.

سناریست و کارگردان فلم : عبدالحالق علیل

فلمبردار : صدیق امین زی

مونتازور :

در اجرای نقشها : قادر فرخ، ناصر عزیز، نجیب سلطانی، عزیز الله هدف و نغمه و منگل درخشیدند. فلم متذکره بعد از طی مراحل پروسس خویش در سینما های شهر کابل به نمایش گذاشته شد.

فلم سینمایی دیگر از همین کارگردان (عبدالحالق علیل) زیر نام

«الماس سیاه» به گونه رنگین در نوار ۳۵ ملیمتر از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. سناریست فلم احد ژوند بوده و فلمبرداری فلم به وسیله فلمبردار ورزیده، ما قادر ظاهری تصویر برداری گردیده و در اجرای نقشها : قادر فرخ، هیا شفق، ستوری منگل وعده دیگر ظاهر شدند. اما فلم بنابر عواملی روی پرده نیامد و در استاک ریاست افغان فلم موجود است.

فلم «الماس سیاه»

فلم سینمایی «الماس سیاه» در نوار ۳۵ ملی متری رنگین بدست تهیه گرفته شد.

نویسنده گان سناریو : احد ژوند، عبدالحالق علیل

گارگردان : عبدالحالق علیل

فلمبردار : قادر طاهری

با شرکت هنر پیشه های ورزیده ما : قادر فرخ، ابیر، ستوری منگل تهیه میگردید اما فلم متذکره در جریان تهیه آن با مشکلات روبرو میشود و در نتیجه مراحل اکمال خود نمی پیماید.

فلم فرجام

فلم سینمایی «فرجام» به گونه کوتاه در نوار ۳۵ ملیمتری سیاه و سفید از سوی ریاست افغان فلم به دست تهیه گرفته شد. سناریو و کارگردان : سعید ورکزی

فلمبردار : صدیق امینزی

اسیستانت دایرکتر (کارگردان) حنان زمریال

مونتاژور : قدیر رشیدی

محتوای آن در رابطه به آگاهی يك معلم در روستای دور دست ما در آن مقطع زمانی اقدامات عملی را در جهت تنویر و آموزش تعلیم و تربیه کودکان وطن روی دست میگیرد که در مسیر آن موانع و مشکلات از جهت عناصر ضد چنین شیوه، مترقی در جامعه به حوادث کشانیده شده تا سرانجام معلم بر مبارزه، خویش پیروز میشود. در کرکتر عمده این فلم : عبید بکتاش، ولی تلاش، همایون پائیز، امین رحیمی، معرفت شاه، مرتضی بایقرا، محمد محمد تابه قیام، خورشید، هما مستمندی و زمریال درخشیدند.

فلم بعد از اکمال خویش روی پرده های سینماها به نمایش آمد که بعداً به صفحه تلویزیون نیز به دست نشر سپرده شد.

فلم مسافر

فلم سینمایی رنگین «مسافر» به طریقه ۳۵ ملیمتر که از طرف ریاست افغان فلم تهیه و تولید شد. این فلم که ۹۰ دقیقه وقت نمایش را دربر گرفت به اساس داستان مرحوم رفیق یحیایی که سناریوی آنرا بشیر رویگر به تحریر در آورد.

موضوع فلم روی چگونگی فعالیت و مبارزه جوان تحصیل کرده چرخش داشته که به شکل وظیفوی در یکی از قصابات دور دست

کشور سفر نموده وقتی در آنجا مقیم میشود به ایجاد مکتب سعی میورزد اما در مسیر کارش به مخالفت‌هایی روبرو میگردد تا آنکه از امواج رادیو میشوند که در جامعه تحولی دیگری به وقوع پیوسته است و رژیم سردار محمد داود خان از بین رفته و تحول ۷ ثور ۱۳۵۷ عرض اندام کرد.

کارگردان فلم : سعید اورکزی

فلمبرداران : قادر طاهری و سید موجود حسینی

در اجرای کرکترها : نصیر القاس، هما مستمندی، رابعه مستمندی، امین رحیمی، کریم نایل، فتح الله پرند، موسی رادمش، فقیر و عظیم جسور درخشیدند.
این فلم بعد از اكمال و پروسس اقبال نمایش یافت.

فلم مرد هاره قول اس

سینمای افغانی در سال ۱۳۶۳ شاهد ساختار فلم رنگین دیگری تحت نام «مرد هاره قول اس» در نوار ۳۵ ملی متری بود که فلمنامه آن را از داستان معروف نویسنده بنام آشنای ما داکتر اکرم عثمان به رشته تحریر در آورده اند.

امور پرودکشن و تهیه آن از سوی ریاست افغان فلم رویدست گرفته شد. کارگردانی و اجرای نقش مرکزی این فلم را سعید اورکزی بدوش داشت محتوی فلم علاوه بر بافت داستانی و ارزشهای اجتماعی و فولکوریک مامایه داشت که این خود یکی از ویژه گی های فلم به حساب میرود.

امور فلمبرداری آنرا قادر طاهری عهده دار گردید و تدوین و مونتاز آن بدوش قدیر رشیدی میباشد.

فلم با نقش آفرینی : عادلہ ادیم، امین رحیمی، ولی محمد محمد زاده خورشید، طاهره، فضل احمد و دیگران آزين یافته است.

این اثر سینمایی بعد از مراحل پراسس و چاپ از سوی ریاست افغان فلم در سینما های شهر کابل و ولایات کشور غرض نمایش روی پرده آمد و مردم از نمایش آن همچو دیگر آثار به گرمی استقبال نمودند.

فلم سفر

فلم سینمایی «سفر» در نواری ۳۵ ملیمتر به گونه رنگین از سوی ریاست افغان فلم در سال ۱۳۶۵ به دست تهیه گرفته شد

سناریست و کارگردان فلم : سعید اورکزی

اسیستانت کارگردان : موسی رادمنش

فلمبردار : قادر طاهری

مونتازور : قدیر رشیدی

محتوای فلم دربر گیرنده سفر جمعی جوانان در قریه های دور دست کشور به منظور تنویر اذهان و آموزش سواد در جهت تعلیم و تربیه افراد که از مشعل سواد بی بهره اند ولی در انتقال این گروپ ذریعه طیاره که باید صورت میگرفت حین سفر طیاره مورد اصابت مرمی از طرف عناصر ضد دولت قرار گرفته و گروپ به

مشکلات مواجهه میگردد تا آنکه استدلال سرگروپ که جوان منور است گروپ ضد دولتی را که تصادفاً پدرش نیز در آن زمره علیه دولت قرار دارد، تغیر جهت داده سلاح بر زمین میگذارند و صلح و آشتی را به ارمغان میگیرند. در این فلم نقش آفرینان : سعید اورکزی، فریده همراه، غفور عبادی، انجانا، لیزا، خورشید، فتح الله پرند، امین رحیمی، موسی رادمنش، شاه محمود شارق، واسع صمدی، سید میران فرهاد، تیمور حکمیار، محراب، زلی، سیدایشان سنگشکن، رحیم الله، محمد حیدر رادمنش، عنایت الله رحمتزاده اند.

این فلم نیز بعد از مرحله پراسس در سینما های شهر و ولایات کشور اقبال غمایش یافت.

فلم خاکستر

فلم سینما یی «خاکستر» به گونه رنگین در نوار ۳۵ ملیمتر از جانب ریاست افغان فلم پرودکشن (تهیه) میگردد.

سناریست و کارگردان : سعید اورکزی

فلمبردار : قادر طاهری

پرودکشن منجر : میر ابوبکر عاطف

مونتازور : قدیر رشیدی

محتوای فلم بر محور حادثه ترافیکی میلان پیدا میکند که بعد از معیوب شدن کرکتر مرکزی رخدادها طوری عیار میشود که تجلی دوستی مبدل به اشتباه و بدگمانی گردیده روند فلم در قالب

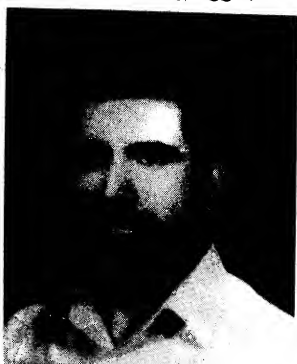
کزکتر مرکزی در چنین گرداب قرار — داده شده تا اینکه به طرف مرض اعتیاد سوق مییابد که اکثراً جوانان ما در چنین حالت‌های روزگار قرار گرفته است. میشود و دیدگاه نظر کارگردان را به دیده قدر نگریست. چون سوژهء فلم برداشتی است از عینیت جامعهء افغانی.

در اجرای کرکترها : عبدالله صمدی، هما مستمندی، امین رحیمی، واسع صمدی، غفور عبادی، شریف خیر خواه، غنی بیژن، محراب و سید میران فرهاد درخشش داشتند.

فلم متذکره بعد از پراسس و اکمال خویش جهت نمایش روی پرده های سینما های شهر به نمایش آمد.

جوانان اکادمیک ما

یک‌عهده از جوانان ما در دور اخیر جهت آموزش رشته سینما به کشور های مختلف اعزام گردیده بودند که از میان آنان دو جوان مستعد، چون شاخه پر بار صدیق برمک و سید همایون مرووت که در جریان تحصیل و بعدآن با ساختار فلم های شاهن از خود شایستگی نشان دادند و من حیث سینما گر آگاه تبارز کردند.



صدیق برمک

فلم (دیوار، دایره، بیگانه)

فلم های کوتاه، ولی پرمحتوی
سینمایی «دیوار، دایره، بیگانه»
باسعی و تلاش خاص سینما گر بر
تلاش صدیق برمک ساخته شده است که

میشود مختصراً ازین دست آوردهای خوب موصوف که در زمان
تحصیلات در اتحاد شوروی وقت که موفقیت بدست آورده اند
درنگ نموده یاد هانی کنیم.

۱- فلم دیوار:

وقت نمایش ۱۵ دقیقه

بگونه سیاه سپید در نوار رنگی ۳۵ ملی متری

کارگردان و سناریست: صدیق برمک

فلمبردار: واهانگ اکوپیان

مونتاژور: لوتیلا کراکو نسکایا

صدا بردار: ذاکریژفسکی

امور تهیه: اولگا میگا چووا

محصول سال ۱۹۸۳ استدیوی آموزشی VGIK انستیتوت عالی

شوروی

باشرکت: تیمور، ماشا، سرگینووا، دنیس کولوفسکی و

موریسیلومیراندو.

۲- فلم دایره:

وقت نمایش ۲۰ دقیقه

رنگین در نوار ۳۵ ملی متری

کارگردان: صدیق برمک

سناریو نویسان: پوگف رازقوف، صدیق برمک

فلمبردار: فاروق سعد

مونتاژوران: برمک، کراکوفسکایا

صدا بردار: الکساندر سلاوین، موسیقی از کلاوس شولتس

امور تهیه: عبدالرحمن عارفی، ویتالی میروپنخکو

محصول مشترك سال ۱۹۸۹ استدیوی VGIK و افغان فلم، با
شترك داود عارفی، آصف تنها و همایون پائیز

۳- فلم سینمایی «بیگانه»:

وقت نمایش ۴۰ دقیقه ای

در نوار رنگین ۳۵ ملی متری

کارگردان، سناریست، مونتاژور، صدیق برمک

فلمبرداران: فاروق سعد، نورهاشم ابیر با دستیاری ابراهیم
عارفی.

امور تهیه: میر ابوبکر عاطف و عبدالرحمن عارفی

صدا بردار: قاسم کریمی و صدا گذار ذاکریژخسکی

آواز خوان: سیما ترانه

شعر: قهار عاصی

نقش آفرینان: سلام سنگی، عادله ادیم، ابراهیم طغیان، ظاهر
گرندي، بلوچ، همایون پائیز.

محصول مشترك ۱۹۸۶ افغان فلم و استدیوی VGIK

فلم آرزو



یکی از جوانان مستعد و آگاه دیگریکه در جریان آموزش سعی ورزیده تا ساختارهای سینمایی خویشرا از عمق اجتماع به انتخاب بگیرد، همانا سینماگر جوان ما سیدهمایون مرووت است که در سال ۱۳۶۵ خورشیدی در

جریان تحصیل با همکاری افغان فلم و انستیتوت سینمایی مسکو، فلمی را زیر نام «آرزو» که اکثر صحنه های آن در شهر کابل روی پرابللم های مردم در زمینه عدم شرایط مساعد و داشتن وسایل ترانسپورتی و ازدحام و هجوم جهت استفاده از ملی بس تصویر برداری گردیده و جهت دیگر اینکه در آن زمان اناث نیز به شغل دریوری میپرداختند و در قبال این همه فراز و نشیب زنده گی، بسیاری از مسایل از زاویه انتقادی به تصویر کشیده شده بود.

سنارسیت و کارگردان: همایون مرووت

معاون کارگردان: بصیر عمری

فلمبردار: ابیر

مونتاز: کاساپووا

صدا بردار: سلاوین

فلم در نوار ۳۵ ملی متری رنگین به سال ۱۳۶۵ جهت نمایش آماده شد.

فلم سینمایی «خواب طلایی»

دومین تجربه است از ساخته های همایون مرووت با همکاری افغان فلم و انستیتوت سینمایی ماسکو، محتوای آن بگونه ساختار پورتریت گونه از زنده گی آهنگ ساز مستعد و خوب ما «امیر جان صبوری» که با کشیدن رنج و مشقات زنده گی بالاخره موفق شد که خودش را در قطار آهنگ سازان افغانی قرار دهد. و ضمناً رهبری ارگستر گل سرخ را نیز عهده دار بود و توانست تا حدود سه صد آهنگ را کمپوز کرده و علاوه بر آن به آفرینشگری و خلاقیت علاقمندی خاص داشت.

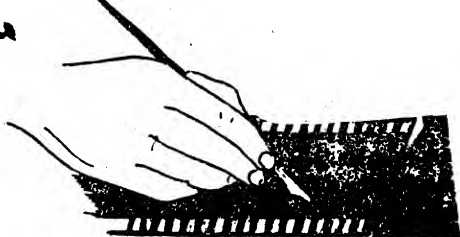
سناریت و کارگردان: همایون مرووت

فلمبرداران: ابیر، ابراهیم عارفی

امور تهیه: سید حسین محسنی

محصول سال ۱۳۶۷

* * *



باز هم (سوند، لایت، کمره، اکشن) بهشد سینمای افغانی

فلم «شکست محاصره»

این فلم به گونه سیاه و سپید به طریقه ۳۵ ملیمتری که از سوی افغان فلم تهیه و تولید گردید است.

سناریست : بشیررؤیگر

کارگردان : فقیر نبی

فلمبردار : وحید الله رمق

مونتاژور : قدیر رشیدی

موضوع آن روی تجارت غیر مسئولانه چوبهای چار تراش و قطع جنگلات به گونه مخفی و مداخله نیروی حکومتی وقت جهت جلوگیری از این سرمایه ملی و مبارزه آنها با نیروهای ضد دولتی پرداخت گردیده است.

در اجرای نقشها : سلام سنگی، ناصر عزیز، قادر فرخ، عزیز الله هدف، موسی رادمنش، واسع صمدی، اسد الله تاجزی، جان محمد حیدری، نجیب الله سلطانی، شکیلا و ... درخشش داشتند.

فلم متذکره بعد از اكمال فلمبرداری در استودیوی افغان فلم پروسس و اقبال چاپ یافت بعداً در سینما های شهر و ولایات و صفحه تلویزیون به نمایش آمد.

فلم کارتون تلوزیونی

بار دیگر بنیاد ساختار فلم های کارتونیك در نوار صفحه تلوزیون به اثر اقدام خجسته هنرمند مستعد هژبر شینواری ایجاد گردیده است. نخستین فلمش «تمرین» نام دارد، این ایجادگری واقعاً تجربه یی بودابتکاری که به کوشش پروین پژواک و حسن حامدی اکمال گردید و فلمبرداری این فلم را که بیشتر از يك دقیقه وقت نمایش را در برمیگرفت فلمبرداری آنرا حیات الله حیاتی بدوش داشت. موزيك متن آن بوسیلهء اسد بدیع کمپوز گردید. دومین فلم کارتونی هژبرشینواری «بسوی خورشید» تهیه گردیده است.

سناریست: پروین پژواک، هژبر شینواری.

کارگردان و فلمبردار: هژبر شینواری بدستکاری حسن حامدی.

امور تهیه: منصور پوپل .

نقاشی بگروند: یوسف آصفی

موزيك متن: اسد بدیع

وقت نمایش: پنج دقیقه ، سی ثانیه

قابل یاددهانیست که درین فلم زیبا بیشتر از ده هزار تصویر رسم شده بوسیلهء این هنر مند ما تخیل وترسیم و دایرکت گردیده تا درپیوند تصاویر، مفاهیم که بیانی از وضع جامعهء ما میگیرد، بگونهء سمبوليك، انتقادی و طنزی انعکاس یافته است.

فلم «رد پا»

این فلم از سوی افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. فلم به گونه سیاه و سپید در نوار ۳۵ ملیمتری ساخته شده و دربرگیرنده موضوعات جنایی و اجتماعی میباشد.

کارگردان : فقیر نبی

سناریست : عظیم جسور

فلمبردار : سید موجود حسینی

مونتازور : قدیر رشیدی

در نقشها : قادر فرخ، فرید فیض، محمود هاشمی و فریده

همراه، درخشیدند. که بعد از اكمال آن روی پردهء سینما به نمایش آمد.

فلم بابا

فلم سینمایی «بابا» در نوار ۳۵ ملی متری بگونه سیاه و سپید از سوی افغان فلم تهیه شد.

سناریست و کارگردان : جان محمد جوانشیرحیدری

فیلمبردار : نور هاشم ابیر

پرودکشن : محسنی

مونتازور : حکیم مرزی

وقت نمایش: (۴۰) دقیقه

محتوای فلم بر محوری از پرابلم های اجتماعی بافت یافته و موضوع روی منازعه یی که صورت میگیرد، مردم دو قریه به اثر تخریب عناصر مخرب و بدکنش آتش نفاق را شعله ورمی سازند ما جرا پدید میآید، ولی بنابر رسم کهن سرزمین ما مرد صالح و خیر خواهی در میان آمده هر دو طرف را به صلح و آشتی دعوت میکند، این فلم در آن مقطع زمانی به استقبال مشی مصالحه ملی بدست تهیه گرفته شده بود.

در اجرای نقش های عمده فلم :

جان محمد پلار، سلام سنگی، ناهید، همایون پاییز، حاجی محمد کامران، ف، فضلی، اسد الله آرام، ولی تلاش، ابراهیم طغیان و عارف الدین درخشیدند. خاطره تلخ این فلم آنست که مرحوم عارف الدین مورد اصابت راکت قرار میگیرد و جان بجان آفرین میسپارد و آخرین تصاویرش در سینمای افغانی ماندگار میماند. وفلم محصول سال ۱۳۶۷ است.

فلم آرمان

فلم سینمایی «آرمان» نخستین فلم به زبان پشتو است که در نوار ۳۵ ملیمتری به گونهء رنگین از سوی افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. محتوای فلم در برگیرندهء واقعیت‌های جامعه افغانی میباشد.

کارگردان : واحد نظری

سناریوی آن بصورت مشترک بوسیله واحد نظری، احد ژوند به رشته در آورده شد.

فلمبردار : قادر طاهری

پرودکشن منیجر : میر ابوبکر عاطف

مونتاژور : قدیر رشیدی

صدا گذار : نور الله ملتفت

موزیک : شاد کام

دراجرای نقشها : عبدالله صمدی، عادلہ ادیم، فریده فیض،

جان محمد پلار، میرویس پتنگ، شاه محمود شارق، مرتضی بایقرا

و زلیخا فخری درخشیدند.

فلم لحظه ها

فلم سینمایی «لحظه ها» در نوار ۳۵ ملیمتری از سوی افغان فلم به دست تهیه گرفته شد.

فلمنامه «لحظه ها» که نگارشی است از واحد نظری در درونمایه خود تصویری روانی و نمادی را از زنده گی مردم که چگونه با ناملایمات دست به گریبان اند و کارگردان سعی بر آن داشت تا مفاهیم را روی تصاویر سمبولیک روشنفرانه منعکس ساخته و ارائه تصویر میداد.

کارگردان : واحد نظری

فلمبردار : صدیق امین زی

مونتازور : قدیر رشیدی

در اجرای نقشها : قادر فرخ، عزیز الله هدف، عبدالله صمدی، سایر اعظم و وکیل نیکبین درخشیدند.

این فلم بعد از مراحل پراسیس و چاپ در حدود يك ساعت و چهل دقیقه وقت به نمایش روی پرده آمده و به نمایش قرار گرفت.

فلم سایه

فلم سینمایی کوتاه «سایه» بگونه سیاه و سپید در نوار ۳۵
ملی متری ریاست افغان فلم بدست تهیه گرفته شد.

فلم به اساس داستان جلال آل احمد که فیلمنامه آنرا صدیق
برمگ به تحریر در آورد.

کارگردان فلم : نصیر القاص

فیلمبردار : نور هاشم ابیر

مونتازور : قدیر رشیدی

با شرکت : یاسمین یارمل، عمر (طفل خوردسال)، جمیل کریم
پور و لطیف همدرد یار نقش آفرینی گردیده است.

محتوای فلم را موضوع سرنوشت طفل و مادر، در زمان جنگ
در برمیگیرد. فلم بعد از مراحل فلمبرداری، مراحل پراسس خود را
پیمود و اقبال نمایش یافت که مردم به گرمی از آن استقبال کردند.

فلم اراده

فلم سینمایی «اراده» به طریقه سیاه و سپید در نوار ۳۵ ملیمتری، فلم مشترک است از جانب موسسه شفق فلم و افغان فلم در اواخر ۱۳۶۹ و اوایل ۱۳۷۰ در دست تهیه قرار گرفت.

فلم سینمایی «اراده» نخستین فلمیست بعد از وفات مرحوم «توریالی شفق» که به سرپرستی موسی رادمنش و همت اعضای فعال و متحد شفق فلم تدارک دیده شده و به مساعی افغان فلم تهیه و اکمال گردید.

محتوای فلم را موضع «اختطاف اطفال» که در جامعه افغانی منحيث يك فاجعه تازه بروز کرده بود احتوا میکند و در پیوند به آن محبت و نیروی پر تحرك جوانان که از خود شجاعت و مردانگی نشان میدهند بر کیفیت فلم افزوده است و فلم برای جوانان ما ارزشمندی خاص خود را دارد.

کارگردان و دیالوک نویس : موسی رادمنش

فلمنامه : معروف قیام

اسیستانت کارگردان : همایون سدوزی

فلمبردار : نور هاشم ابیر

پرودکشن منیجر : میرابوبکر عاطف

منتاژور : قدیر رشیدی

صدا گذار : محمد قاسم کریمی

لابراتور : سلطان استالفی

چاپ : محمد ناصر باقر
 مونتاژ نگتيف : خواجه احمد شاه صديقي
 لايت (نور پرداز) : غلام، حيدر رادمنش و نصر الله نوروز
 مشاور ورزش : حبيب مهراج
 موزيك متن : محمود شاه حق پرست
 آهنگ : شاد كام، وجيهه رستگار
 معاون پرودكشن : عيسى رادمنش

در اجرای نقشها : قادر فرخ، اکرم خرمی، حشمت فنایی، احمد
 سیر سلطانی، زمان دلاور، سويتا، لینا امید، نفیسه یلدا، نسیمه
 رویاء، نور ضیا نزهت، خورشید، جمیل کریمپور، ف، عبادی،
 شریف خیر خواه، صفور آهنخیل، تیمور حکیمیار، رایض،
 معروف قیام، عنایت الله رحمت زاده، دگروال رحیم الله و
 موسی رادمنش درخشش داشتند.

زمانیکه فلم در مرحله چاپ و ریلز خود قرار داشت چرخش
 دیگر در وضع سیاسی و اجتماعی کشور به وقوع پیوست و با تغییر
 رژیم، فلم و فلمسازی در حالت رکود قرار گرفت. بنا برآن فلم
 «اراده» از اراده نمایش باز ماند.

فلم د کڅو سرگردان

دومین فلم سینمایی به زبان پشتو «د کڅو سرگردان» میباشد که در نوار ۳۵ ملی متری در اوایل سال ۱۳۷۰ امور تهیه آن از سوی ریاست افغان فلم بدست تهیه گرفته شد.

سناریست و کارگردان : احد ژوند

فیلمبردار : نور هاشم ابیر

پرودکشن منیجر : میر ابوبکر عاطف

اجرا کننده نقش عمده فلم را حشمت فنایی، سویتا، شیرین گل عهده دار اند.

یک گام استثنایی در سینمای ما

فلم «دثور انقلاب» یکی از کار کرد های سینمایی افغان فلم میباشد، این فلم شاید در نوع خود استثنایی ترین فلمی باشد همانند همه حوادث استثنایی در افغانستان.

میشود گفت که همه پرسناژ های این فلم را کرکتر هایی تشکیل داده اند که در واقعیت در رخداد ۷ ثور فعالانه سهم داشتند، آنها یکبار دیگر در یک طرح جدید سناریو حوادثی را که در آن سهم بودند جلو (دوربین) کمرهء سینما ظاهر گشتند و عملاً در نقش هایی بازی کردند.

حفیظ الله امین حکمروایی مطلق العنانی افغانی با عدهء زیادی از همکارانش بر اساس سناریوی از قبل تهیه شده در نقش های این فلم جا گرفتند.

سناریوی این فلم را داود فارانی با همکاری عدهء زیادی از اعضای کمیتهء مرکزی و بیروی سیاسی حزب دیمو کراتیک خلق نوشتند. کار گردانی این فلم را نیز داود فارانی به عهده داشت.

امور فلمبرداری آنرا انجنیر لطیف با همراهی سونه رام تلوار

بدوش گرفته بودند، عکاسی صحنه های فلم را قاد رطاهری انجام داده بود. مونتازور فلم حکیم مرزی و پرودکشن منیجرآن آقای وکیل واحدی و در حصه صدا گذاری سید علی عالمی توظیف گردیده بودند.

این فلم در نواری ۳۵ ملی متری رنگین تصویر برداری گردیده بود که بعد از اكمال در لابراتوار های رنگین یکی از استدیو های انگلستان پراسس چاپ آن انجام یافت ولی زمانیکه قرار بود مواد آن پشت میز مونتاز برود، دیگر نه تنها حفیظ الله امین وجود نداشت، بلکه شوروی ها با تمام قدرت داخل کشور شده بودند و فلم هیچگاهی روی پرده سینما اقبال نمایش نیافت.

همان ها بودند که بعد ها برای توجیه عملکرد های شان دست به مانور تبلیغاتی وسیع زدند، فلم مستندی را در راستدیوی فلم های مستند «اوزوکی نوخو روینکا» ساختند که از تمامی تصاویر زیبا و مستند گونه «دثور انقلاب» در میان فلم استفاده کرده بودند.

آنها این نکتیف ها را در زمان ریاست آقای خالق علیل از افغان فلم بردند و دو باره بر نگردانیدند که به این عمل خود شوروی ها اسناد جالب هنری تاریخی زمان مارا از آرشیف سینمای افغانی ما گرفتند، زیرا با موجودیت آن میشد که اولاد آینده وطن با مشاهده فعالین هفت ثور وچهره های آن برگگی از تاریخ کشور را

زنده به مشاهده بگیرند و نفرت عده از شهر وندان کابل را در مورد بلند کردن بیرق ۷ ثور توسط فعالین آن و همچنان اوج احساسات عده را در مورد پایین کردن علم و نشان جمهوریت رژیم محمد داود به مثابه برگه‌ی جالب و قابل توجه تاریخی مشاهده نمایند که این حوادث در کنار تم اصلی فلم تصویر برداری گردیده بود.

دهه شصت خورشیدی (۱۳۶۰)

زمان شگوفایی سینمایی افغانی

سینما خود يك پدیدهء انسانی و والاست كه منحصر به فرد نبوده به كار و مساعی مشترك و جمعی نیاز مند است و روند تكامل آن نیز به دست اندر کاران این هنر «كارگردانان» نویسنده گان، فلمبرداران، نقاشان، میکیاژوران، آهنگسازان، تخیكران، همچنان شعبات، چاپ و لابراتوار، صدا گذاری، مونتاز، علم و تكنالوژی بستگی دارد.

تجربه ثابت کرده است كه بدون اشتراك مساعی و هماهنگی نمیتوان به مغراج كار كرد های خویش نایل آمد. این اندیشه و مساعی صادقانه دست اندر کاران سینمای افغانی در دهه شصت ۱۳۶۰ خورشیدی بمشابه نقطهء عطفی در تاریخ سینمای افغانی از لحاظ شگوهمندی و جلال و بهشد سینمای افغانی بشمار میرود.

بخاطریکه درین دهه برای سینما گران و تولیدات سینمایی ما پیشرفت قابل ملاحظه دست داده است و در پهلوی ساخته های سینمایی یکی پی دگر چهره های تازه و مستعد در زمینه های كارگردانی فلمنامه نویسی، فلمبرداری، مونتاز، صداگذاری، پرودكشن و تخنیک به تربیه گرفته شد و موسسات (پرودكشن های شخصی) ایجاد گردید و همراه با نوع و كار و

فعالیت‌های فرهنگی و هنری ریاست نشرات تلویزیون افغانستان در عرصه تهیه و تولید فلم‌های مستند و هنری با در نظر داشت امکانات بهتر و زودرس آن، نقش رشد یابنده را به جا آورده چه از ناحیه تربیه کادرها (کارگردان، سناریست، هنر پیشه، فلمبردار) و پیوست بآن نقش سمت‌دهی و مؤثر ریاست انجمن‌های هنرمندان بخصوص انجمن سینما گران و انجمن سینما گران جوان، تهیه موزیک و آهنگ بوسیله آهنگسازان چون: (ظاهر هریدا، احمد شاه حق پرست، عبدالله شاد کام) که با آهنگهای شاد شان به صحنه های فلم زیب و رونق بخشیدند، نقطه عطف دیگر اینکه در طول این دهه در روند تکامل سینمایی افغانی تحول و تحرکی پدید آمده که بعضی از ساختارهای سینمای ما بنابر ویژه گی های خاص هنری که داشتند راهی فیستوال های سینمایی بین المللی گردید که این خود نشانه یی از تحرك و بهشد سینمای افغانی در همین دهه محسوب میگردد. ولی با دریغ و درد که تحولات بعد از سال ۱۳۷۱ خورشیدی به این هنر والا و پدیده انسانی (سینما) و دست اندر کاران آن طوریکه مقدور بوده، مجال پرویال گشایی نداد، در حالیکه مسؤولیت این هنر والا که بیک معنی تاریخ ساز است و هر رخدادی را در نوار ثبت ضبط مینمود و به دست تاریخ میسپارید، از جهش باز میماند و شاخه های تازه شگفته آن خشکید و از ثمر ماند و شکست.

بحران در کشور چون توفان دامنیگر همه شد و همه مارا به هر

جا و هرکجا کشاند و آرزوهای بسیار پرپرشد، بالاخره پرده رکودبر هنر پرده کشیدند و فقرش ساختند.

گرچه نباید از مساعی صادقانه صدیق برمک در زمان مسوولتیش منحیث ریس افغان فلم انکار نمود که روزهای دشواری را سپری کرد و بقول خودش: «تولیدات این سالها تعدادی از فلم های مستندی بود مانند: «گشتنرار مرگ» از ساخته نور هاشم ابیر، «خانه تاریخ» آفرینشی از فلمبردار خوب ما قادر طاهری و «گذرگاه مرگ» فلم مشترک تلویزیون و افغان فلم از حسین دانش و همچنان فلم سینمایی «عروج» محصول همان روزهای سخت جنگ به کارگردانی نور هاشم ابیر و در کنار این ساخته ها، (مراحل اکمال) فلم سینمایی (د کوخو سرگردان) به کارگردانی احد ژوند و مراحل چاپ و ریلز فلم سینمایی (اراده) به کارگردانی سینماگر خوب ما موسی رادمنش میباشند.

در کنار این فعالیتها عده یی از اعضای شفق فلم و قیس فلم ذریعه کمره و ویدیویی اما با اسلوب سینمایی با مساعی صادقانه همایون سدوزی منحیث کارگردان و سناریست، سلیم شاهین، اکرم خرمی، صفور آهنخیل، شریف خیرخواه، حکیم جان، عبدالاحد خاکسار، تیمور حکیمیار و نور احمد حمید فیلمبردار با جمعی دیگر جوانان به امکانات محدود و شرایط دشوار و اشتیاق تمام ایثار گرانه به تهیه فلم های هنری کوتاه ویدیوی پرداختند. از جمله بهترین آنها (آتش و گرداب) به کارگردانی همایون سدوزی

راکه با معیارهای خوب تصویری، تهیه گردیده است به نیکویی یاد کرد. ولی با دریغ و درد که تندباد حوادث بتاریخ ۲۰ عقرب ۱۳۷۴ بافیر راکت‌های کور فاجعه بزرگ بوقوع پیوست، هفت جسد خونین: همایون سدوزی، شریف خیرخواه، نسیم سحر، دیدار سحر، عتیق ذهیر، زرغونه و عده دیگر جان‌های شریں خود را از دست دادند و در سیر تاریخ سینمایی افغانی واقعه تأثرآوری را بجا گذاشتند و مرتبه شهادت را کمایی کردند. روح‌شان شاد. اما فلم گرداب را تیمور حکیمیار با یارانش و به همکاری انجمن‌های هنرمندان ۱۳۷۵ اکمال و آماده نمایش گردانید.

و دیگر اوضاع روز تا روز در حال دگرگون شدن قرار گرفت و تحولات سیاسی سد راه شد و بار دیگر قفل بر دروازه‌های سینماهای شهر و افغان فلم آویخته شد.

سینمای مستند افغانی

نظری گذرا بر:

فلم های مستند سینمایی در افغانستان

اساساً عکاسی مادر سینماست و به همین ترتیب راز حرکت فلم (سینما) گذشتن ۲۴ فریم در يك ثانيه میباشد. پس يك قطعه عکس یا يك فریم زیبا با کمپوزیشن عالی و زاویه سنجیده شده هسته های است که با حرکت آن سینما پدید آمده است.

نخستین عکس در افغانستان، زمان امیر حبیب الله و علاقمندی به عکاسی نخستین تصاویر از مناظر طبیعی و زنده گی مردم در آن زمان میباشد. و نخستین شات های مستند سینمای از جنگ استقلال افغانستان در محاذ (تل) که نشان دهندهء بمبارد قوای هوای انگلیس بر مواضع مدافعان افغان را نشان میدهد که توسط تیم از فلمسازان آلمانی تهیه شده بود است.

این تصاویر در آرشیف (استاک) افغان فلم موجود است. و تصاویر بعدی مستند از وقایع سیاسی افغانستان توسط انگلیس ها، المان ها و روسها تهیه گردیده است. فلم مستند سفر شاه امان الله یکی از آنهاست. درین سفر بود که شاه بیشتر با پدیدهء جدید قرن بیست، سینما توگرافی آشنا میشود. بدینوسیله

علاقمندی موصوف به سینما افزونی مییابد تا آن که نخستین دستگاه (آپارات) نمایش فلم تدارك میگذرد و سینمای پغمان که محلی برای سرگرمی مردم بود و اکثر نمایشهای تیاتری در آنجا برگزار میشدند و در همین محل بود که نخستین فلم افغانی نیز اقبال نمایش مییابد.

در اثر پژوهشی که بعمل آمد نخستین تصاویر مستند خبری از سالهای ۱۹۵۰ میلادی به بعد در اختیار افغانها قرار گرفت و بعداً با به وجود آمدن ریاست مستقل مطبوعات (مدیریت عکاسی و فلمبرداری) تصاویر خبری اخذ و آرام، آرام سینما گران ما در تهیه و تولید فلم های اخباری و مستند موفقیتهای را بدست آوردند.

در شمار فلم های مستند سالهای قبل میتوان از فلم مستند:

- ۱- سفر شاه به آمریکا
- ۲- جشن بین المللی
- ۳- گام به گام بسوی فردای روشن
- ۴- سره میاشت از ساختهء عباس شبان

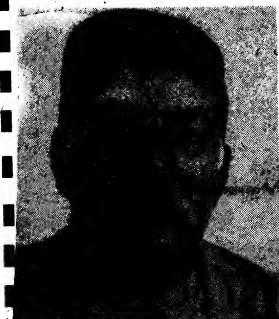
هر کدام این فلم ها در زمان خویش و زمانه های دیگر جالب و از ارزشمندی خاص برخوردار است.



محمود نوری

در زمرهء فلمسازان مستند افغانی یکی هم فلمبردار خوب و ورزیده محمود نوری است که در کنار دیگر ساخته هایش فلم مستندی را بگونه رنگین آن از بازی های معروف کشور (بزکشی) که بادیدن تصاویر زیبا و هیجان انگیزه آن واقعاً تماشاگر را متوجه نوع فلمبرداری و انتخاب زاویه های جالب آن میسازد که بیان خوبیست از قهرمانی و جسارت مردم افغان باین ورزش باستانی ما.

* * *



وحید الله رمق

یکی از فلمبرداران مجرب دیگر
سینمای ما وحید الله رمق است که در
بخش فلم های مستند داکومنتری
پیشتر از ۳۰ ساخته دارد که از جمله
بهترین هایش فلم مستند (عملیات
امداد) که در بین سالهای
۱۳۴۴-۱۳۴۵ در رابطه با فقر، بی
سرپناهی، مرض، بیسواد و

مظلومیت های مردم ناتوان افغان تهیه شده است.

کارگردان : عبدالحالق علیل

فلمبرداران: محمود نوری، وحیدالله رمق.

فلم مشترك افغان فلم و ازيك فلم تحت نام «زخم» که کارگردان
فلم از جانب افغانستان ولی لطیفی و فلمبردار آن وحیدالله رمق
میباشد.

* * *

فلم سیاه و سپید «بزکشی» به کارگردانی حکیم مرزی و
فلمبرداری وحیدالله رمق. فلم «تورستیک» از مناظر طبیعی و
مردم افغانستان در نقاط مختلف سرزمین ما که زیبایی طبیعی و
نماهای از رسم و رواج ها و عنعنات مردم با تصاویر زیبا انعکاس
یافته است. کارگردان آن عبدالصمد آصفی و به فلمبرداری
وحیدالله رمق تهیه و اکمال گردیده است.

* * *

فلم مستند «پرواز مشترک کیهانی»

۹

خانه «تاریخ»

از جمله برجسته ترین فلم مستند دیگر همانا فلم مستند «پرواز مشترک کیهانی» است که تهیه این فلم در سیر شگوهمنی سینمای افغانی نیز يك حرکت مثبت تلقی میشود بخاطر آنکه يك فلمبردار ورزیده، ما باوجود تجاریش در زمینه تدارك و آماده گی و پرواز کیهان نوردان به فضابه ثبت تصویری اش آنقدر دقت لازم بخرچ دهد تا در پیوند همه تصاویر خلاق و اشتباه نبوده باشد. خوشبختانه که این مساعی با پشتکار فلمبردار افغانی (قادر طاهری) با موفقیت همراه بود.

این پرواز کیهانی میان دو کشور افغانستان و اتحاد شوروی وقت در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸م انجام پذیرفت.

بعد از تثبیت و توافق هر دو کشور در آغاز کار دو نفر فضا نورد (عدالاحد مومند و دوران) جهت اجرای وظیفه کاندید گردید که بعد از گذشت سلسله امتحانات (تمرینات) عبدالاحد مومند در زمینه اجرای وظیفه موفقیت را کسب و انتخاب گردید.

و از سوی اتحاد شوروی لیا خوف فضا نورود روسی منتخب شد تا با فضا نورود افغانی پرواز مشترك را انجام دهند.

و باز هم این دو فضا نورود بصورت دقیق جریانات را که چگونه سفینه فیر میشود و امورات که در فضا انجام میابد و جریان وصل شدن سفینه با دستگاه میر و ارتباطات آن با زمین و دیگر امورات علمی و عملی که در فضا انجام میابد از سرگزارنیده و تمام مراحل آن را فلمبردار مانیز تصویر برداری نموده است. البته یادمانی نمود که درین جریان سه فضا نورود قبلاً در «دستگاه میر» فعالیت داشتند وقتی که سفینه نزدیک شده با دستگاه میر وصل میشود، این دو فضا نورود بآن سه تن دیگر به کار مشترك خویش به مدت یکنیم هفته به فعالیت میپردازند و جریان را تصاویر اخذ شده میرساند که ارتباط آن به زمین ذریعه تصاویر و با مرکز تحقیقاتی فضا نوردان و ارتباط عملیات آن با فضا (دستگاه میر) و به همین گونه جریان برگشت سفینه بطرف زمین که بصورت مجموعی پروسه را در شهر پاینکانور - قذاقستان صورت پذیرفت.

در اكمال فلم تصاویر از استقبال مردم شوروی وقت از فضا نوردان و کار مشترك شان و همچنان تصاویر از بزرگداشت این اقدام توام با استقبال گرم مردم افغان که در شهر کابل از خود نشان دادند، پیوند (مونتاژ) یافته و این شیوه فلم متذکره را يك فلم جالب وزیبا، آموزنده و نشانهء پیشرفت و ترقی و انمود کرده است.

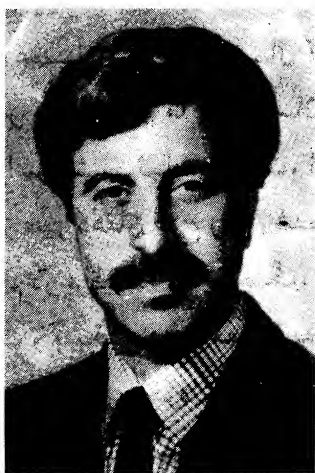
از همین فلمبردار ورزیده ما قادر طاهری فلم ارزشمند دیگری داریم که از اهمیت تاریخی برخوردار میباشد فلمی که گواهی رخداد های تلخ روزگار ما را بازگو مینماید و نشان میدهد که چگونه دستان مغرضانه دشمنان ایدالوژی، وطن، مردم ما را و خانه و کاشانه و همه دارو ندار، ما را به یغما برد و مکارانه و دد منشانه هستی ما را به نیستی مبدل ساخت.

این فلم بنام «خانهء تاریخ» است فلم در نوار ۳۵ ملی متر بگونه سیاه سپید حوادث و وقایع سالیان ۱۳۷۲ - ۱۳۷۴ را در عرصه های مختلف حیاتی ما از شکنجه ها و ظلم و استبداد گرفته تا ویرانی اعمارات شخصی و دولتی و شهرها، سرگردانی و آواره گی اقوام مختلف ساکن وطن ما، فرو باشی سیستم دولتی، تعلیم و تربیه بی سرو سامانی دیگرزویای زنده گی بر اثر نا عاقبت اندیشی سالاران جنگ افروز که از ویرانی وطن و ریختن خون انسان لذت میبردند و بر بادی مردم وطن با اشارات اجنبی ها سر اطاعت خم مینمودند و غرور و ننگ افغانیت و اسلامیت را به باد فراموشی میسپردند و دل با داران شان را شاد ساختند، ولی دریغ که این سیاه کاری های شان بدل تاریخ بجای اینکه همت و مردانگی از خود بجای میگذاشتند منحيث خاطره تاریک باقیمانده است.

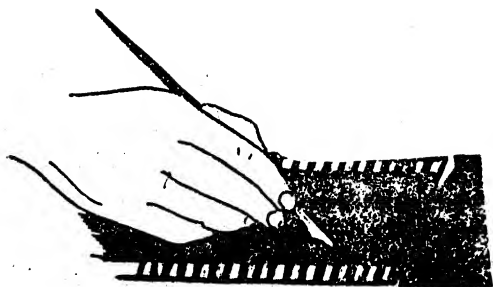
نوشتهء متن را شیر محمد خارا به تحریر آورده است، تماشای این فلم يك اندیشه را به تماشاگر القاح میکند که رسالت سینماگر آگاه

در هر مقطع زمان آن اینست تا با ارائه و خلق تصاویر و رخداد های حوادث و تحولات آنچه مثبت است یا منفی به دل تاریخ بسپارد و گواهی و آگاهی برای نسل امروز و فردا باشد.

نقطه قابل عطفی دیگری که درین فلم بمشاهده میرسد همانا ده دقیقه دیگر فلم تصاویری که از برابر چشمان ما میگذرد و ما را به عمق اندیشه کارگردان آن متوجه میسازد و آن تصاویری آثار تاریخی از موزیم کابل و ابدات تاریخی در ساحات مختلف سرزمین ما که جنگ ویرانگر همه این داشته های ارزشمندی ما را چون قلب مردم ما زخمی و ویران و حتی نابوده کرده است.



قادر طاهری



دستاورد سینماگران ما در دیار مهاجرت

هر چند در داخل کشور از چگونگی کار سینما و کار کرد های سینمایی بوسیله سینماگران ما تا آنجا که مقدور و میسر بود و ذهن یاری کرد، ذکر بعمل آمد، ولی بی مورد نخواهد بود پیرامون کار کردهای سینما گران ما که در دیار مهاجرت با قبول رنج و مشکلات فراوان دستاوردهایی داشته اند و به پیکر بی رمق سینمای افغانی جانی داده اند کوتاه درنگی داشته باشیم.

فلم عصیان

فلم سینمایی «عصیان» در سمت شمال کشور زمانی به تهیه گرفته میشود که در کشور عزیز ما دولت اسلامی حکمفرمایی دارد گرچه وضع در سراسر کشور ثبات نداشت، این فلم سینمایی به اساس نوشته یی از سیر دهقان طرح ریزی شده و سناریوی آن آماده گردید. محتوای فلم در برگیرنده وقایع جنگ، دخالت شوروی ها در کشور و ادامه جنگ و بدبختی در جامعه را به تصویر کشیده است، تصاویر از جهت فلمبرداری خود زیبا ولی از جهت پیوند های نامناسب خود در ذهن تماشاگر سوالات مختلف را ایجاد میکند و به همین ترتیب تنظیم دیالوگ ها از زبان کرکتر ها لنگش های را نیز با خود دارد.

نویسنده، فلمنامه و کارگردان فلم: انجنیر لطیف

فلمبردار: وحیدالله رمق
تهیه کننده: صدیق عابدی

در اجرای نقش ها: بریال، استاد قیوم بسید، اکبر روشن، قادر فرخ، انیسسه وهاب، سمین، حوا، نرکس، نسیمه، نیکبین، رحمت الله، بهرام بیکی درخشش داشتند.

این فلم بعد از طی مراحل آن در شهر مزار شریف و تاجکستان به نمایش گذاشته شده است.

* * *

- فلم هنری پراوازه «شیر آغا و شیرین گل» به کارگردانی انجنیر لطیف و نقش آفرینی هنرمندان چیره رسته کشور:

حاجی محمد کامران، حمیده عبدالله، ف. عبادی، خورشید، هما مستمندی، عزیز فروغ، صبور طوفان و دیگران، درخشش داشتند که همین یونت قسمت دوم آنرا نیز بدست تهیه گرفتند.

* * *

همچنان سینماگر افغان سعید اورکزی فلم سینمایی را تحت نام «خاکستر سپید» در رابطه با مواد مخدر و اضرار آن دردست تهیه گرفته که چشم براه تماشای آن هستیم.

درین اواخر در کشور روسیه در شهر ماسکو سینماگر مستعد و

جوان دکتور سید همایون مرووت فلم کوتاه سینمایی را تهیه کرده است زیر نام «زغال سبز» که مایه یی از بی انصافی زمانه های قبل برچگونگی استعداد و سمتهی جوانان میلان دارد، که نیکو به تصویر کشیده شده است فلم متذکره در فستیوال سویدن و بیستمین جشنواره بین المللی سینمایی مسکو شرکت کرد.

سناریست و کارگردان: سید همایون مرووت

پرودیوسر و فلمبردار: ابراهیم عارفی

معاون کارگردان: شمس عبادی

در نقشها: شمس عبادی، سیدقاسم مرووت، ذکریا پاداش، ایرینا گروموا، بوریس آردف، قادر عارفی، حمید حقانی و چند هنرپیشه روسی درخشش داشتند.

مونتاز: س، کراکونسکایا

صدا بردار: ا، زکرژیفسکی

امور تهیه: گ، کوزنتیسوا

محصول: ۱۳۷۰

* * *

به همین گونه:

- در شهر خجند، تاجکستان در سال ۱۳۹۹ج، جوانشیر حیدری فلم «چاپ انداز» را کارگردان نموده است که سناریست آن صدیق عابدی میباشد.

* * *

- همچنان ترتیب فلم ویدیویی بنام «عشق پیری» از انجنیر لطیف در شهر ماسکو به سال ۱۹۹۹ تهیه شده است که در آن نقش مرکزی را «امان اشکرز» عهده دار است.

* * *

- فلم سینمایی درنوار ۱۶ ملی متر بنام «در سرزمین بیگانه» به کارگردان حفیظ آصفی که سلام سنگی نیز در آن نقش دارد و این فلم در یکی از شهرهای امریکا تهیه شده و با آهنگهای از فرهاد دریا تدوین گردیده است.

* * *

- فلم زیر نام «حادثه» ساخته نذیر مردمی است که در سال ۱۹۹۹ تهیه و تولید گردیده است.

* * *

- فلم وایداسکرین در نوار ۳۵ ملی متر بنام «چیلنجر» به کارگردانی قیوم سلیمان خیل در کشور جرمنی در جریان سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۹ تهیه و تدارك و اکمال گردیده است.

* * *

و در سرزمین هندوستان فلم ویدیویی زیر نام «شکست» که بوسیله عباد الله تپنگ کارگردانی گردیده است.

* * *

همچنان در همین کشور فلم دیگری زیر نام «رویا» از سناریوی

یوسف کهزاد به کارگردانی حشمت خان به همکاری فهیم سدوزی که هر دو ایفاگر نقش های عمده فلم نیز بودند و درکنار شان حشمت فنایی هنر پیشه سینمای ما نیز ظاهر شده است فلم از لحاظ محتوا، پرداخت تصویری و انتخاب کرکترها، و دیالوگ ها ضعف های معین خود را داشت ولی باز هم تلاش است در زمینه هنر سینما.

* * *

در کشور المان سینماگر آگاه واحد نظری که با سعی و تلاش خویش عضویت انجمن فلم سازان آلمان را کسب کرده با همدستی هنر پیشه محبوب سینمای ما فتح الله پرند به تهیه و تولید اثر سینمایی مصروف اند که امید داریم به زودی دستآورد شانرا به تماشا بنشینم و از آن لذت ببریم.

* * *

جلال پیروز سینماگر آگاه دیگر ما در کشور هالند بسر میبرند که به گمان اغلب مصروف تهیه و تدارك اثر سینمایی خواهند بود.

* * *

به همین گونه عده یی از سینماگران و هنرپیشه سینما تلویزیون ما تیاتر ما در کشور پاکستان نیز مهاجر شده و در شهرهای مختلف آن روزگار میگذرانند اما باوجود مشکلات و دشواریها به فعالیت های هنری و فرهنگی با امکانات محدود همت گماشتند.

* * *

یکی هم حنان زمریال است که با هم‌رایی مرحوم نبی نوجو سینما گر افغان ما موفق به دو فلم هنری به طریقه ویدیویی میشوند به نام «ندامت» و «زنده گی دوباره» البته فلم در رابطه به مواد مخدر «هیرویین» و تأثیرات آن در اجتماع تدوین یافته است. نقش آفرینان درین دو اثر عبارتند از: عظیم جسور، قدیری، مرتضی بایقرا، زمریال، میمونه غزال، محبوبه جباری و احسان اتیل که با درخشش شان به زیبایی فلم افزوده بودند.

* * *

«هدف» فلم ویدیوی کوتاه‌ایست که در رابطه به ورزش تدوین یافته است این فلم هنری کوتاه را هنرپیشه، مستعد تلویزیون و عضو انجمن سینماگران جوان سید سمیع الله هاشمی که پیرامون فلم فلمسازی اندوخته‌های دارد و در چندین فلم تلویزیونی از ساخته‌های موسی رادمنش مثل: عارف تخم، گرگ و خرگوش، و ندامت در کنار ابراهیم رادمنش که هر دو درخشش خوبی داشتند با تکیه بر تجارب اش فلم «هدف» را به کارگردانی گرفته است.

فلمبردار: اجمل نظری تصویر برداری کرده است، و در اجرای نقش‌های اصلی: سیدسمیع هاشمی، حشمت عتیق، امیدنصیر، نازنین غریبیار، مژگان و دیگران سهم داشتند. این فلم در ساحات اسلام آباد - پاکستان تصویر برداری گردیده که بعد از اكمال اقبال نمایش یافته است.

* * *

در شهر پشاور پاکستان برای بار نخست در حالیکه سلسله جنگها، مصیبتها، ویرانیها، آواره گردیدن ملت افغان روز تا روز فزونی مییافت من «موسی رادمنش» در فکر آن شدم تا راجع به وضع و چگونگی حالات و بحران «اثری» داشته باشم، همانا با همدستی دوست خویم مصطفی مختار دست به ساختن فلمی مستندگونه یی زدیم به نام «کابل و وطن در ترازوی سه سال» با امکانات ناچیز و محدود تهیه و تدوین شده که بیانیهست از رنج ها و مصیبتهای روزگار ناشی از جنگ.

سناریست و کارگردان: موسی رادمنش

فلمبرداری و تدوین: مصطفی مختار

پویودسر: شریف برات

گوینده متن: م. رادمنش

ثبت نریشن: الیاس برلاس مسعود حفیظی

فلمبردار صحنه ها و نماهای مستند: عیسی رادمنش

نورپرداز: صادق برات

در اجرا نقشها: صفور آهنخیل، سلیمان رادمنش، شاکر سیار،

زلی آراء و دیگران.

آهنگهایی از آواز خوانهای محبوب کشور:

ظاهر هویدا و هماهنگه نذیر پرویز، حمید گلستانی و

واحد پیغام.

محصول سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) - پشاور، پاکستان

* * *

به همین منوال در ماه اسد سال ۱۳۷۵ مطابق اگست ۱۹۹۶
 فلمنامه «دود و خاکستر» را که يك فلم نیمه هنری و نیمه مستند
 است نو شتم این فلم ۴۰ دقیقه یی بر محور جریانات و وضع نا
 بسامان و حالات جنگی و بحرانی که مصیبتهای ناگوار را در طول
 تاریخ بر ملت مظلوم افغان تحمیل کرده است میچرخد و عوامل را
 به گونه سیمبولیک با پیشینه تاریخی آن به تصویر کشیده است. و
 در پیامد خویش جلب توجه رادمردانی افغان را که همچو نیاکان
 خویش کمر همت بندند و در تعیین سرنوشت ملت و کشور فارغ از
 هر گونه تعصب و اخماس به دور هم جمع و ابتکاری را خود به
 دست گیرند تا آفتاب صلح و ثبات در کشور بدرخشد و در فضای
 آسمان نیلگون آن کبوتران به پرواز آید و سعادت همگانی را به
 ارمغان آورد. فلم بعد از اكمال پراسس در جمعی از فرهنگیان
 افغان طی محفلی در مرکز فرهنگی «اویسن» به نمایش گذاشته شد
 و تماشاگران بعد از ختم نمایش درباره چگونگی فلم و تهیه آن در
 چنین مقطع زمانی نظریات شان را ابراز و به ارجگذاری پرداختند.

سناریست و کارگردان: موسی رادمنش

شاعران: یوسف کهزاد، مهدی دعاگوی

فلمبرداران: فلیپ تروز، محمد یوسف نوابی، مصطفی مختار،

عیسی رادمنش، نجیب الله صدیقی و نور الله سیفی

کمره ستدیو: حسین صدیقی

معاون کارگردان و تخنیکر: سید عبدالقهار روحانی

موزیک متن: قدیر شیدی

گوینده متن: فریده حمیدی

آواز از هنرمندان محبوب: استاد اولیر، احمد ظاهر و جواد غازی یار، بر برخی تصاویر قسمت های فلم قوت بخشیده است.

* * *

در برج قوس ۱۳۵۷ فلم پورتریت را از شخصیت وارسته مولانا صاحب فیضانی در پیوند با تصاویر مستند از کنفرانسهای ک. درباره این عالم روحانی و کارنامه های شان در زمانه های مختلف برگزار گردیده بود، تهیه و انسجام یافته است به نام «چراغی بر رواق تاریخ»

کارگردان: موسی رادمنش

نوشته، متن: عبدالرزاق مأمون

گوینده متن: یوسف حیران

ادیت (تدوین): سید عبدالقهار روحانی

پرودیوسر: خلیل رضوانی

موزیک متن: قدیر رشیدی

فلمبردار: انجنیر احمد منیب «رهباب»

کمره استدیو: حسین صدیقی

محصول قوس سال ۱۳۵۷ - پشاور، پاکستان

* * *

به همین ترتیب در اکویر ۱۹۹۷ جهت گشایش مرکزی کلتوری

عرفان به منزله يك هستهء فرهنگی که فرهنگیان افغان بتوانند بر ایجادگری خویش در عرصه های مختلف هنر و فرهنگ بپردازند فلم کوتاه هنری را به نام «فروغ» به دست تهیه گرفتیم که محتوای آن در محور آشفتگی ذهنی و روانی روشنفکران افغان در رابطه به بحران و به رنوستی افراد کشور میلان داشت. فلم در مدت کوتاه تهیه و در «مرکز کلتوری عرفان» به نمایش گذاشته شد که طرف توجه علاقمندان کلتور و فرهنگ خاصاً منورین افغان قرار گرفت.

سناریست و کارگردان: موسی رادمنش

پرودیوسر و تخنیک دایرکتر: سید عبدالقهار روحانی

فلمبردار حسین صدیقی

معاون کارگردان و موزیک ولایت: قدیر رشیدی

محصول: اکتوبر ۱۹۹۷

در اجرای نقشها: در محمد به حیا، موسی رادمنش، واسع

صمدی، سلیمان رادمنش درخشیدند.

* * *

فلم وصال

در اواسط سال ۱۹۹۸ عده‌یی از جوانان ورزشکار و هنرپیشگان مهاجر افغان به دور هم جمع و طرح ساختار فلم بلند هنری را در مبداء کار به حمایت اقتصادی و تخنیکی مرکز کلتوری عرفان و معاونت اقتصادی دسته جوانان شامل یونت (کارکنان) فلم به اتکای سوژه «داستان» سید عبدالقهار روحانی که بعداً سناریوی آنرا تحت نام «وصال» به رشته تحریر در آوردم. فلم در محتوای خود ورزش و چگونگی عملکرد آنرا و هوشدار جوانان افغان را که در لحظه حساس کنونی در پرتگاه بی سرنوشتی قرار دارد نمایش میدهد و در پیوند با این هدفمندی دوستی و محبت نیز خط سیر خویش را در قبال مشکلات و موانع میپیماید و به وصال می انجامد.

* * *

فلم هنری «وصال» که يك سال و نیم را از تدارك صحنه آرایی و فلمبرداری گذشتاند، امور فلمبرداری آن به پایه اکمال رسید و اکنون در آستانه ادیت (مونتاژ)، دبنگ (ثبت آواز) قرار دارد.

سناریست و کارگردان: موسی رادمش

پروپوسر و تخنیک دایرکتر: سید عبدالقهار روحانی

فلمبردار: حسین صدیقی

کانتیونتی و اسیستانت کارگردان: قدیر رشیدی

لایت: نورپرداز: خواجه ابراهیم

آرایشگر: جینا رهبان

ترجمهء دیالوگ به زبان پشتو: مرحوم منان ملگری

شاعر: پیر محمد کاروان

مشاورین ورزش: استاد وحید الله شفیق، استاد حیات الله

در اجرای نقشهای عمده:

احسان الله، نجیب الله، خُدران، شاه محمد شارق،

واسع صمدی، حیدر جلال، سپنا، مریم ناجی، طوبی،

استاد وحید شفیق، استاد حیات الله، شهیر احمد، احسان،

سلیمان رادمنش، سید طاهر روحانی، محمد عظیم بختیاری و عدهء

از ورزشکاران جوانان افغانی درخشش دارند.

امید داریم فلم باهمت دست اندرکاران آن زودتر آمادهء نمایش

گردد.

* * *



دو جوان پرکار و مستعد امیر محمد صمیم و احمد زبیر فرغند که قبل از ما رخت هجرت بر بسته بودند، یکی امیر محمد صمیم که سالهای قبل عضویت انجمن سینما گران جوان و عضویت موسسه شفق فلم را داشت و با رادمنش منحیث اسیتانست در ساختار فلم ها دستیار خوبی بود. زمانیکه به شهر پشاور مهاجر گردید با مشقات فراوان به ساختار فلم ویدیویی بنام «یتیم» دست یازید که فلمش بعد از اکمال بنمایش آمد و طرف استقبال گرم مردم قرار گرفت.

* * *

جوان دیگر احمد زبیر فرغند است. این جوان مستعد در آغاز مدتی را به کشور ایران در شهر سراوان مهاجر شده و در انجا با علاقمندی رشته تیاتر را تعقیب کرده و در سال ۱۳۶۶ به شهر پشاور آمده منحیث آموزگار در آموزش تیاتر در خانه، فرهنگی ایران مقیم پشاور استخدام میشود و بعداً طی فعالیت های به تهیه فلم های کوتاه ویدیویی به موفقیت های نایل میگردد.

• فلم کوتاه ویدیویی (نخستین پیروزی) محصول سال ۱۳۶۷

منحیث هنرپیشه و کارگردان

- فلم کوتاه ویدیویی (زندان) که در سال ۶۸-۱۳۶۹ تهیه شد و منحیث هنرپیشه نقش بازی کرد به کارگردان بهرام بریال.

- فلم کوتاه ویدیویی (وسوسه) بحیث هنرپیشه و کارگردان

محصول ۱۳۷۱

- فلم کوتاه ویدیویی (آخرین حرف) بحیث هنرپیشه و کارگردان
محصول ۱۳۷۲.

- فلم کوتاه ویدیویی (سقوط يك فرشته) بحیث کارگردان

این چند ساخته از جمله ساخته هایست که بدان توجه بیشتر
مبذول داشته شده است.



فرغند حین اجرای امور شوتینگ



فلم نیلوفر در باران

در ماه سپتمبر 2000 دوست دیگر ما همایون کریمپور با مشورده سینما گر آگاه صدیق برمک فلم برداری فلم نیلوفر در باران را در شهر پشاور پاکستان آغاز کردند.

سناریوی فلم بر محور اینک:

شاهپور جوانی افغانی در غرب بعد از سالها تنهایی بالاخره با دیدن عکسی از نادیه دختر افغانی، ذوق ازدواج در روانش جوانه میزند، میخواهد با او ازدواج کند و زنده گی را با این وصلت در شهر پشاور سر و سامان دهد، ولی در شهر پشاور با واقعیت تلخ روبرو میشود و ونا گزیر با نیلوفر پیوند زنده گی میبندد و همین ماجرا باعث میشود تا شیرازه زنده گی در غرب از هم بپاشد، نیاز پدر نیلوفر پس از سالها دوری در فرانسه با آنها یکجا میشود و نمیخواهد دخترش را با مرد همسن و سال خودش ببیند. آنگاه طرح جدایی دخترش را میریزد و باعث میشود شاهپور و نیلوفر در مسیر تند حوادث تنها باقی بمانند...

میتوان چنین سوژه را گونه یی از (درام) اجتماعی و روانی نام گذاشت.

سناریست و کارگردان: همایون کریمپور

مشاور عمومی فلم: صدیق برمک

فلم بردار: نور هاشم ابیر
 صدا بردار: نور الله سیفی
 پرودکشن منیجر: ایوب عمر
 معاون فلمبردار و نور پرداز: میرویس رکاب
 دراجرای نقشهای عمده، فلم، هنر پیشه گان محبوب و مجرب
 تیاتر، سینما و تلویزیون ما: ممنون مقصودی، قادر فرخ،
 میمونه غزال، اسد تاجزی، حبیب ذلگی، سلیمان رادمنش،
 افروز نیک زاد (هنر پیشه ایرانی) نیکی، ایگزی و به لاغورس
 (هنر پیشه فرانسوی) و دیگران درخشش دارند.
 وقت نمایش: یک و نیم ساعت "1,80 دقیقه
 و فلم بوسیله کمره D.J.T ویدیویی فیلمبرداری گردیده ممکن
 در نوار 35 ملی متر سینمایی کاپی گردد.
 موفقیت مزید برای کارگردان (همایون کریمپور) تمنا برده و آرزو
 مندیم این فلم زیبا را زود تر به تماشا بنشینیم و از آن لذت ببریم.



پرودیس (تہیہ و تولید) دو برنامه داستان بلند بوسیدہ حبیب محمود و معرقتا معرفت
دو تن از شائقینِ نثر سینما تدارک دیدہ شد است .

مخت : سناریو «نہرار و دوشب» براساس یک داستان واقعہ بوسیدہ صدیق بک
کارگردانی میکرو .

ثانی : موسیقی منوش فلانہ «رقصِ محکم» را نوشتہ کہ مسؤولیت کارگردانی
آزرا نیز بدوش دارد .

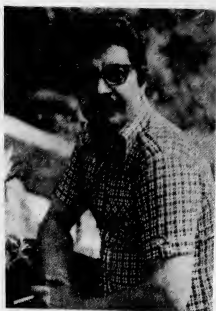
این دو پروژہ فعلاً در مرحلہ تعیینِ بونت ، کاستِ نثر پیشہ و موقعیتِ فلبرداری
مصرف اند .

البروم هنری سینهایپی

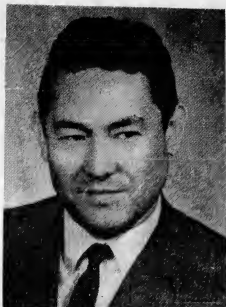


غارِ حُرّانانِ سینمایِ افغانی





توریالی شفق



عبدالصمد آصفی



فیض محمد خیرزاده



عبدالخالق علیل



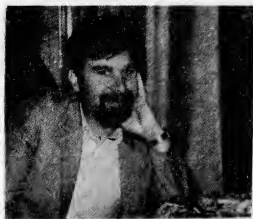
ولی لطیفی



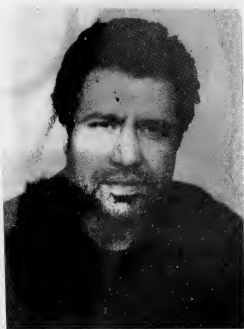
رفیق یحیائی



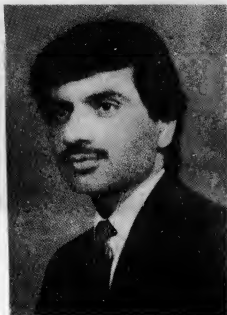
انجنیر لطیف



واحد نظری



صدیق برمک



سعید ورکزی



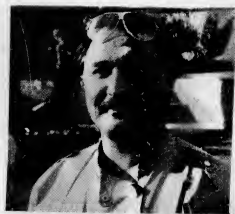
جلال پیروز



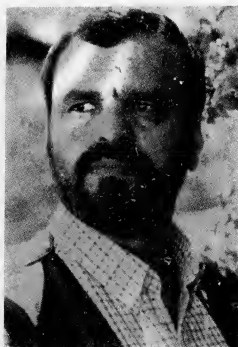
مهدی دعاگوی



فقیر نبی



حان محمد جوانشیر حیدری



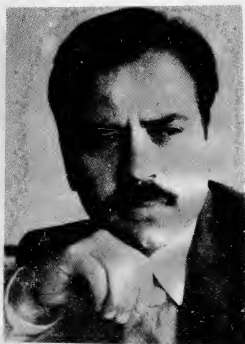
موسی رادمیش



سید همایون موت



عنبر آسوده -



حنان زمريال - کار ردا -



سرور انوری -



محمود نوری



سونه رام تلوار



قادر طاهری



وحیدالله رمق



نور هاشم فلمبردار
همایون سدوزی معاون کارگران
با مومی رادمنش حین دایرکت صحنه از فلم سینمایی (اراده)

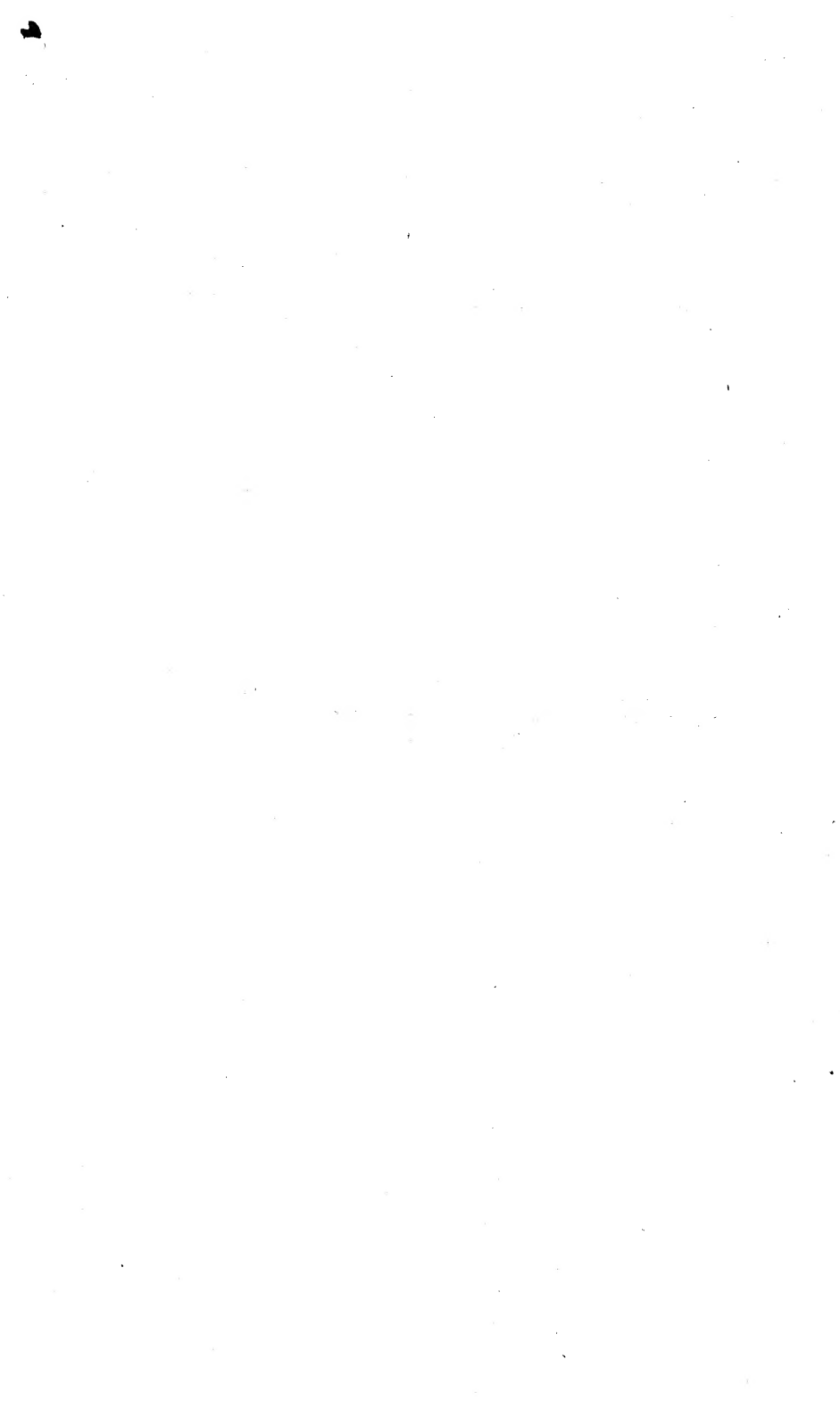


ظاهر ظاهری
عکاس ووزیده



سلیمان علم
(طرف راست)

هنر پیکه های خگور سینمای افغانی





قادر فرخ



اکرم خرمی



محمد جان گورن



فتح الله پرنده



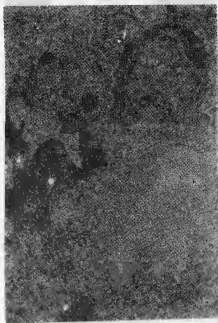
استاد عبدالقیوم بسید



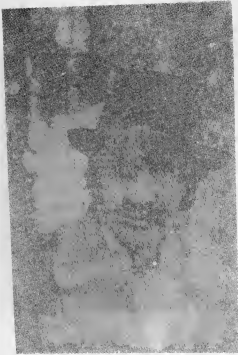
استاد رفیق صادق



ف. فضلی



ف. عبادی



حاجی محمد کامران



عنایت محب زاده "طرف چپ"



عزیز الله هدف



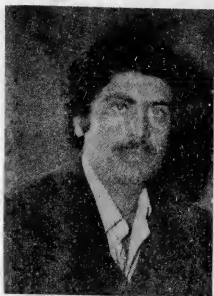
ابراهیم طغیان



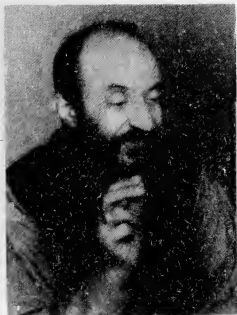
عارف الدین



سلام سنگی



ناصر عزیز



اسدالله تاجری



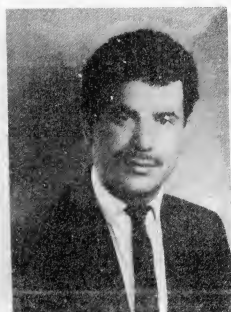
عبدالله "عزف چپ"



هنر پيشه سينما (معرفت شاه) معرفت



شاه محمود شارق با مشعل هنریار



امین رحیمی



نسیم خوشگوار



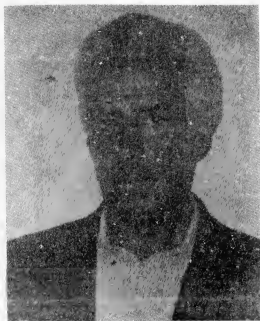
وزیر محمد نگهت



خلیل قاری زاده



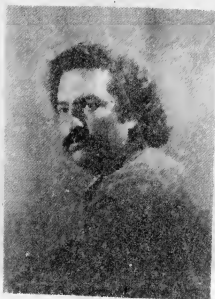
محمد عمر رحمت زاده



غفور عبادی



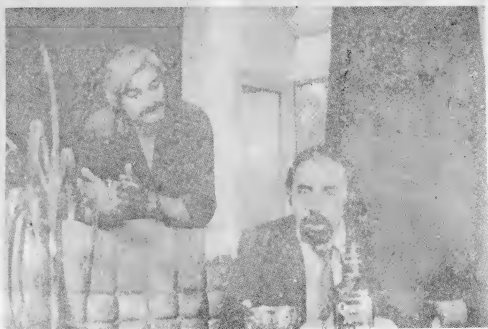
واسع صمدی و حبيب



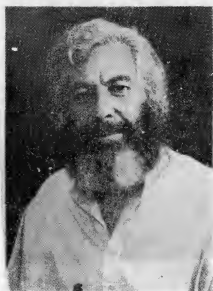
حبيب دلگى



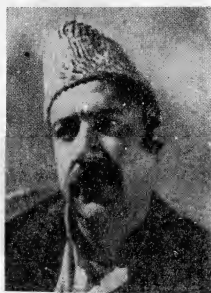
حبيب مخمور



حشمت فنایی با انور رضا زاده "در علم گناه"



انجنیر سید قاسم مرووت



ایوب معصومی



شاهجان



عصمت الله



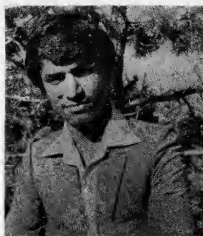
شریف خیر خواہ



کریم نایل



حیدر جلال

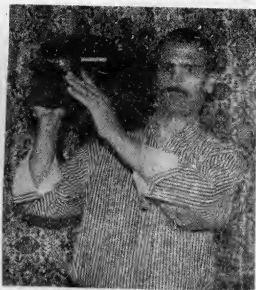


محمد حیدر رادمنش

"در فلم گام های استوار"



عبد القهار



محمد عيسى فلمبردار

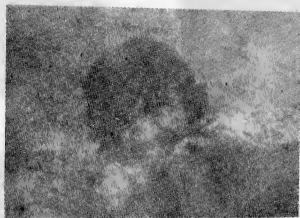


FREEDOM.

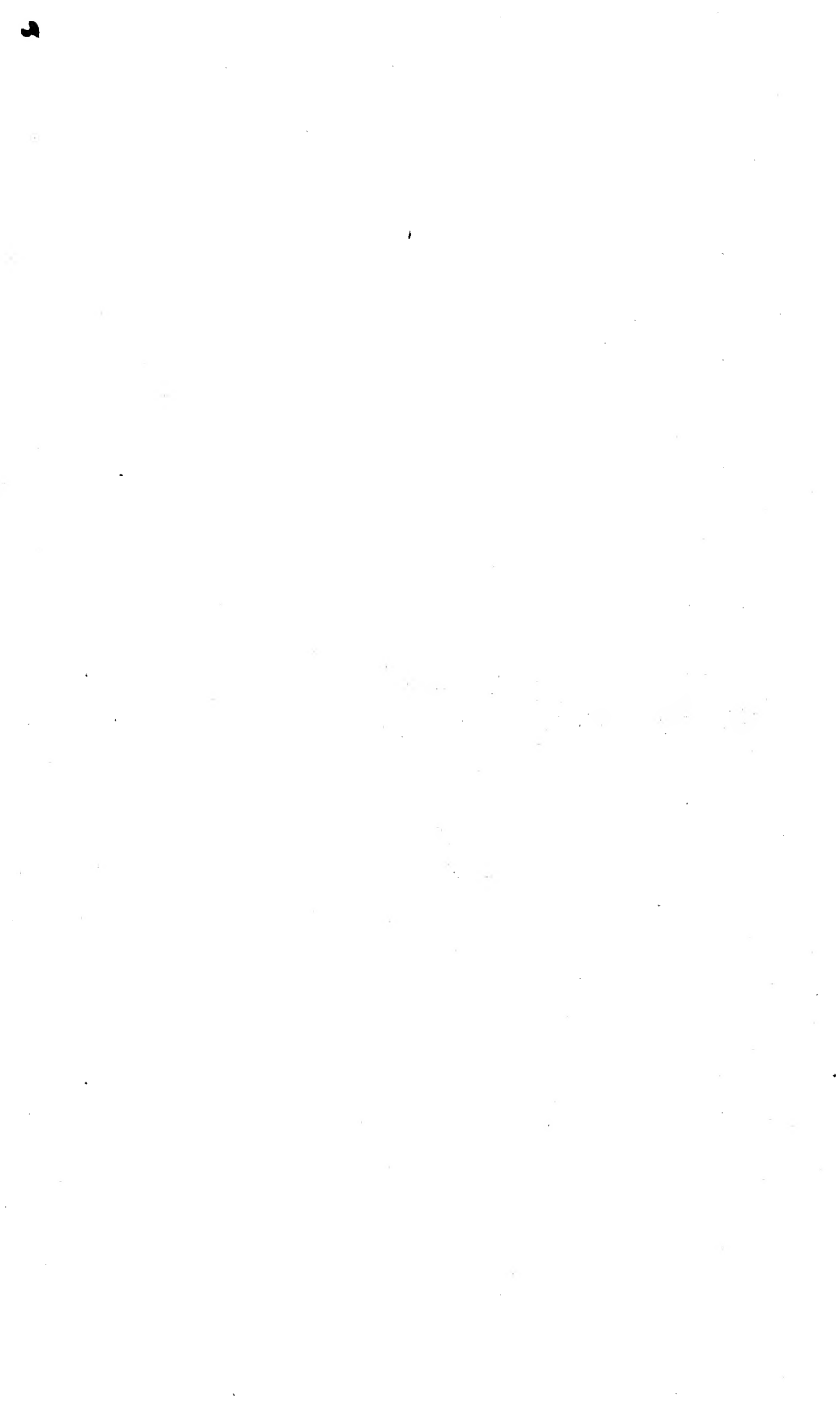


موسی رادمش، ابراهیم، سلیمان





هنر پیشه های انانث سینمای افغانی





ذکيه کهزاد در قلم مجسمه ها مختيدد



زرغونه آرام



سايره اعظم



خورشید مندوژی



محبوبه جباری وحید



ستوری منگل



ناهید سرمد "در فلم جنایتکاران"



بصیره خاطره



عادلہ ادیم



عاقله



شاپوری نفیسه





ذکيه داماج



انجلمانم سفر



لیلیا در نیم شصت ناصیه



انیسه وهاب



۳۰ - ناز



افروز و قادر فرخ "در فلم نیلوفر در باران"



حبیبه عسکر



عسکره عبد الله در فلم
نیلوفر در باران



سینا "هتر پیشه قلم وصال"



فریده همراه ساحل "با یونت انجمن سینما ران جوان"



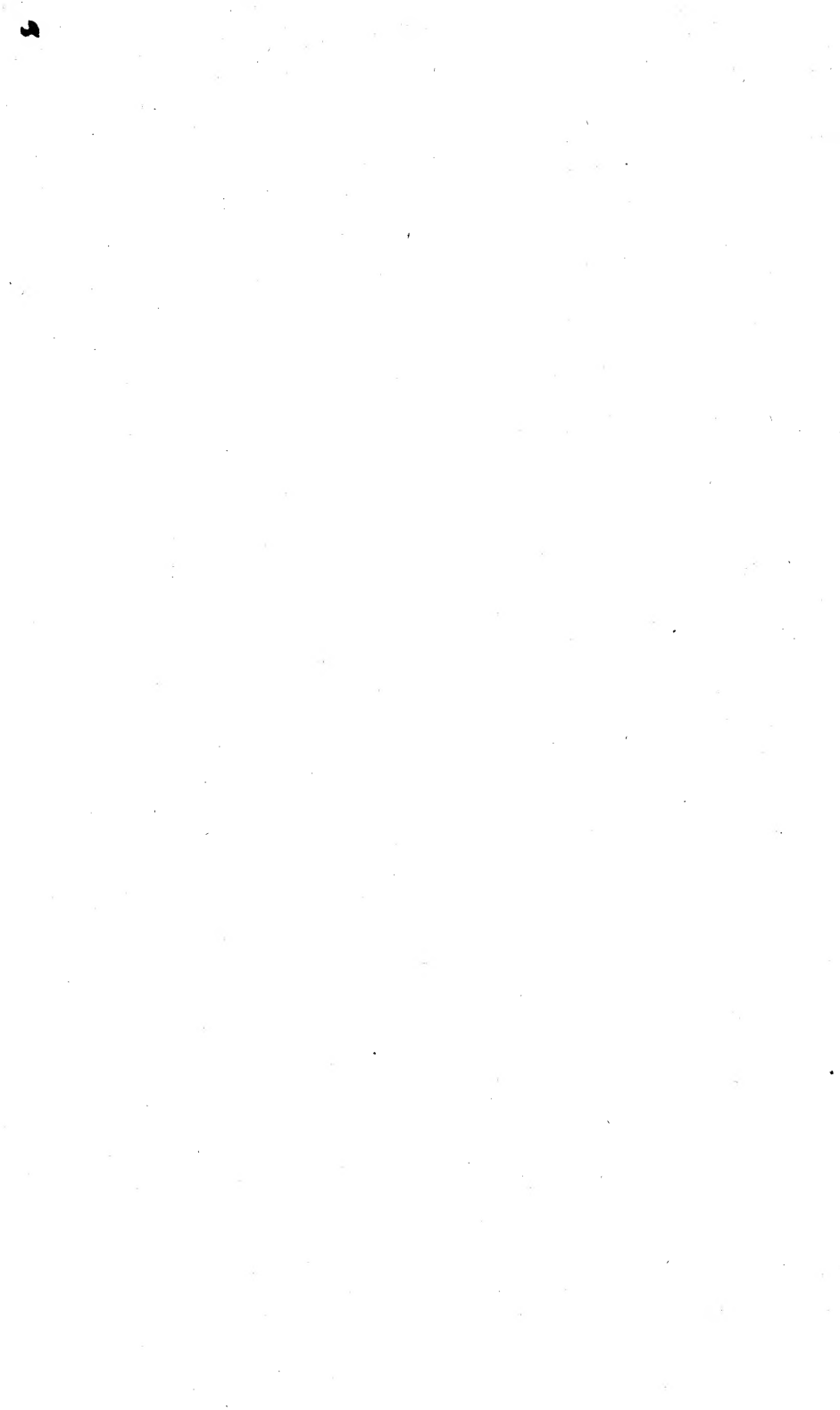
ذکيه داماد نوريه "با جوانان شفق فلم"



عادلہ عدیم "در جمع سینما گران افغانی"

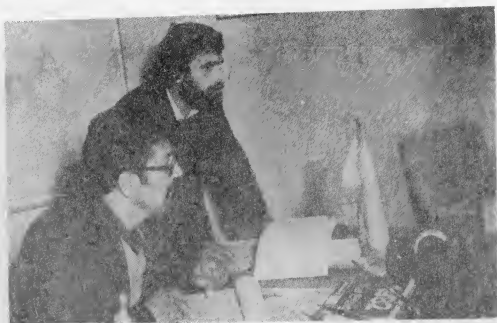


تصاویر از خطرات مسموم‌های افغانی

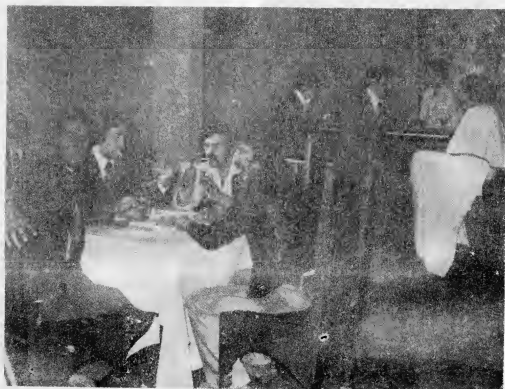


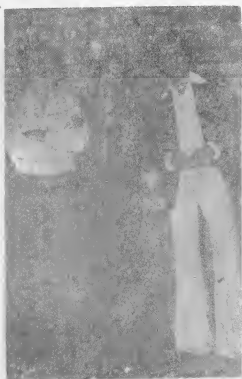










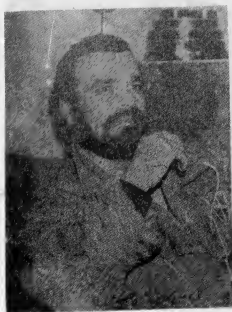














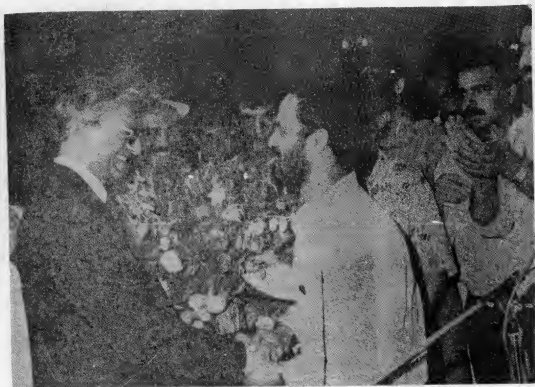


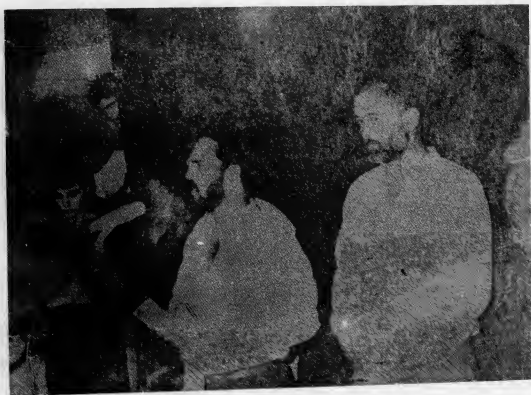














197









بیوگرافی مختصر

محمد موسی رادمش فرزند غلام محی الدین در سال ۱۳۳۲ هـ. ش درگذر بارانسه کابل در یک خانواده روشنفکر تولد شد. در سال ۱۳۵۳ از لیسه عالی نادریه وقت فارغ و شامل دیپارتمنت روانشناسی پوهنخی تعلیم و تربیه پوهنتون کابل گردید ولی بعد از یکسال بنا بر معاذیری به تحصیل ادامه داده نتوانست. بعداً در مجله هنر، اداره تولید فیلم های داستانی و مستند کمیته رادیو تلویزیون و افغان فلم، معاونیت و سرپرستی و موسسه شفق فلم اجرای وظیفه کرده و ایجاد گرو مسؤول انجمن سینماگران جوان بوده است. موصوف بعد از تعقیب یک سلسله کورسهای مسلکی سینمایی و کسب تجارب توانسته است منجبت سناریست، کارگردان و هنر پیشه در فلم های هنری تلویزیونی و سینمایی افغانی بهر خشد.

در سال ۱۳۷۰ در فلم سینمایی «آزاده» فلمیست جنایی و پولیسی) مستقلانه کارگردانی نمود و همدیف بان فلمنامه رقص مرگ و وداع- رانوش و قرار بود آنرا در نوار سینمایی پیاده کند، مگر به نسبت وقوع حوادث و بحران در کشور به اجرای این کارموفق نشد.

او جهت آموزش سینمایی شامل یونست سینمایی فلم (خدایا گواه) به کارگردانی موکل آئند سینماگر معروف هند گردید و سمت ایستانتت کارگردان راهمدوش با انجنیر لطیف سینماگر افغان دارابود که از جانب سینمای افغانستان بحیث نماینده در آن سهم خویشرا ادا و تجربه انداوخ. اینک ساخته هایی که وی برای تلویزیون افغانستان نوشته و کارگردانی کرده نام میبریم:

فلم هنری "پشاهنگ" معروف به (عارف تخم)، گرگ و خرگوش، ایدن، ندامت، آیینۀ شباب، شفق می تابد، میعادگاه، عاصی، نفرین بر جنگ و در تعدادی از فلم های هنری تلویزیونی در کنسار معاونت کارگردان به اجرای نقش نیز دست یازیده است. همچنان بتعداد بیشتر از (۴۰) فلم مستند تلویزیونی به مناسبت های مختلف، روزهای ملی و رخدادها و تحولات زمانی تهیه و کارگردانی کرده که همه آنها از طریق نشرات تلویزیون کشور اقبال نشر یافته و برجسته ترین آن بنابر استقبال و تقاضای مردم، بار، بارنمایش یافته اند.

موصوف غرض کسب تجارب بیشتر به کشورهای تاجکستان و ازبکستان اتحاد شوروی وقت و کوریا سفرهایی داشته و در فستیوال بین المللی جوانان با ساخته هایش شرکت گزیده و ضمناً در ستدیوی های فلم: در ماسکو ازبکستان به تهیه فلم های سینمایی در بخش اطفال و نوجوانان پرداخت و تجارب فنی و مسلکی را فراگرفت رادمش در داخل کشور عضویت اتحادیه های انجمن هنرمندان، جوانان، ژورنالیستان رانیز داشت و آثارش موفق به دریافت بهترین جوایز کلتوری و فرهنگی گردیده است.

آن زمانیکه دگرگونی و بحران در کشور اوج گرفت ناگزیر به کشور پاکستان مهاجر گردید. ولی باز هم آرام نه نشد وتوام با درد و رنج و مشکلات فراوان با همدستی مشتاقان هنر سینما دست به تهیه و کارگردانی فلم های:

- کابل و وطن در ترازوی سه سال
- دود و خاکستر
- چراغی بر رواق تاریخ
- فروغ

زده و آخرین دست آورد ان فلم هنری بلند بنام "وصال" میباشد وی همچنان در پروژه تعلیمی و آموزشی درامه "خانه نو، زنده گی نو" برای افغانستان در بی بی سی از همان آغاز ایجاد پروژه نخست به حیث نویسنده و بعداً بحیث سناریست کوردیناتور اجرای وظیفه مینماید.



چاپخانه: دانش کتابتون قصه خوانی پېښور

۹۲۰۹۱۰۲۵۶۴۵۱۳۰